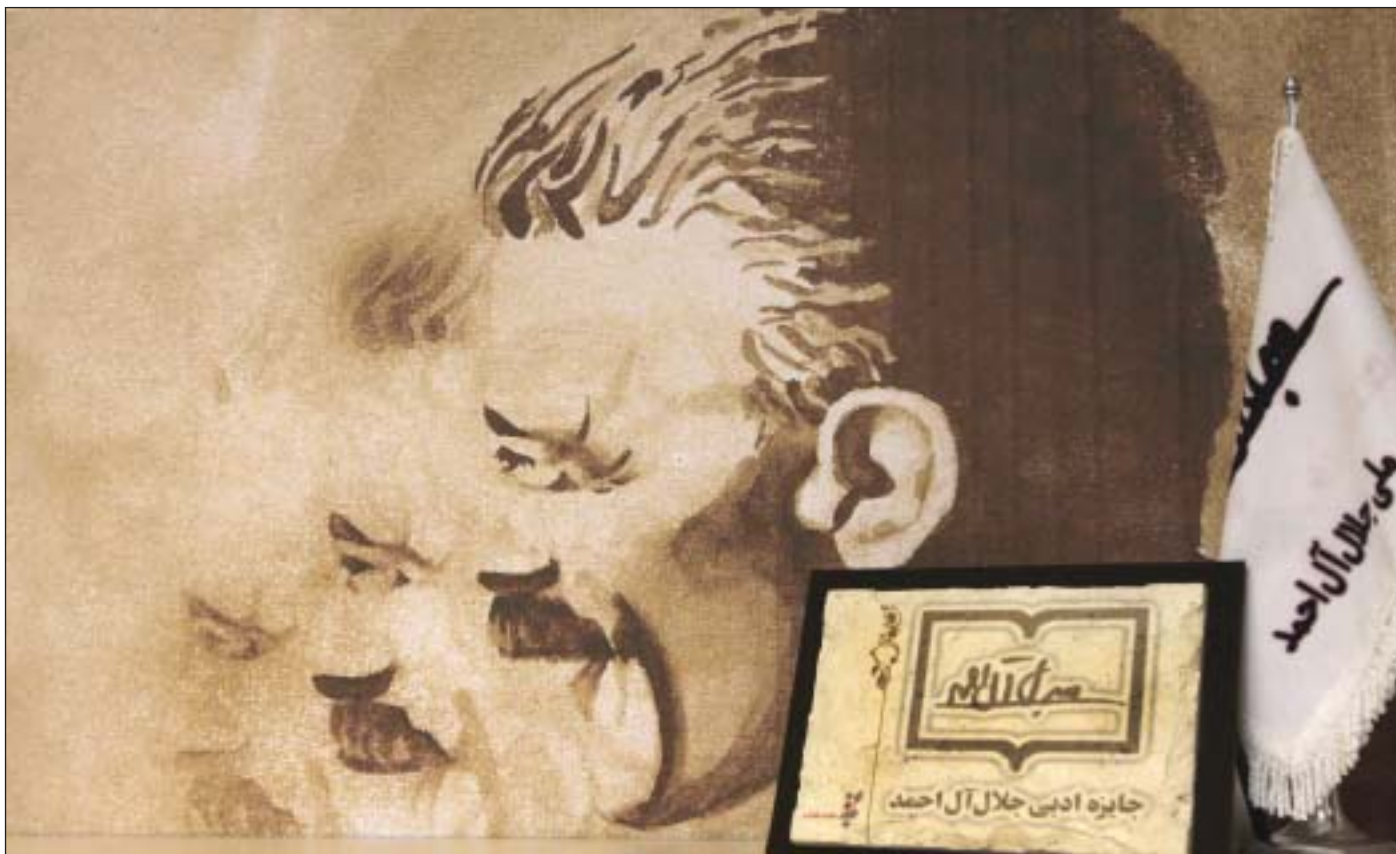


جلال؛ بهانه‌ای ناب برای نوشتن



داستان کوتاه، «نقد ادبی»، «مستندنگاری» و «تاریخ‌نگاری» است. ارزش جوایز نفرت اول هر یک از رشته‌های این طرح، نشان ادبی جلال آل احمد همراه ۱۱۰ سکه بهار آزادی است. مراسم پایانی این دوره، دوشنبه دوم آذر، از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود.

جایزه ادبی جلال آل احمد براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی سال ۱۳۸۵ بنا شده است. در این جایزه، کتاب‌هایی بررسی و داوری می‌شوند که برای نخستین بار در سال پیش تالیف و منتشر شده باشند. محورهای ارزیابی هیأت داوران نیز حوزه‌های «داستان بلند»،

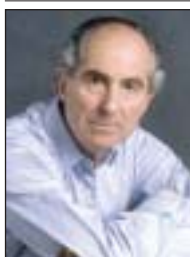
کتابخانه

شنبه ۳۰ آبان ۱۳۸۸
۴ ذیحجه ۲۱، ۱۴۳۰ نوامبر ۲۰۰۹
شماره ۲۰۸، پیاپی ۸۵۹
صفحه ۲۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



با فیلیپ راث
به بهانه انتشار
رمان «حقارت»
۲۰



جذائیت
استعاره
در سینما
۱۴



علی محمد هنر:
نقد ادبی در ایران
سابقه طولانی ندارد
۱۰

سرآغاز

کتاب و رسانه ملی

«از همکاران رسانه‌ای خود می‌خواهم که بی‌رحمانه صداوسیما را نقد کنند» این گفته عزت‌الله ضرغامی رئیس سازمان صداوسیما است که هفته گذشته در جلسه‌ای با خبرنگاران مطرح شد. البته آن جلسه بیشتر به سوالات و انتقادات خبرنگاران درباره رویکردهای سیاسی رسانه ملی پاسخ داده شده و کمتر کسی از فرهنگ سخن گفت. اما نیک می‌دانم دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ، پدید آورندگان و کتاب‌نقد‌هایی اساسی به رسانه ملی کتاب دارند. همین امروز، شنبه ۳۰ آبان همزمان با هفته کتاب، در جشنواره «کتاب و رسانه ملی» فعال‌ترین مجری و گوینده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران همراه آثار تلویزیونی ساخته شده در حوزه کتاب به صورت مجزا معرفی و تقدیر می‌شوند. این روند چندی است که آغاز شده تا پاسخگوی گلایه‌ها باشد و نقش رسانه ملی در توسعه و ترویج کتابخوانی را قدر بدانند یا انگیزه‌ای باشد تا برنامه‌سازان این رسانه به کتاب بیشتر توجه کنند. شاید این نتیجه نقد‌هایی است که تاکنون اهالی نشر به رسانه ملی داشته‌اند و کاش حالا که رئیس صداوسیما خود دعوت به نقد بیشتر کرده، انتقاد‌های راهگشا فزونی یابد.

دبیر ستاد هفدهمین دوره هفته کتاب:

مشارکت نهادها در هفته کتاب چشمگیر بود

دستگاه‌ها در تمامی سطوح جامعه و همچنین آموزش و اطلاع‌رسانی مداوم است.»

دبیر ستاد هفدهمین دوره هفته کتاب همچنین از مشارکت خودجوش بسیاری از نهادها و دستگاه‌ها در این دوره از برگزاری هفته کتاب خبر داد و گفت: «در این دوره بسیاری از دستگاه‌ها خودشان اقدام به برگزاری نمایشگاه کتاب از آثار چاپی نهاد خودشان کردند و در کنار آن مراسم مختلفی برای رونمایی از کتاب‌های جدید در سراسر کشور صورت گرفت.»



به گفته الهیاری امسال ۴۴ نهاد شامل وزارتخانه‌ها، انجمن‌های فرهنگی نشر و سایر نهاد‌های دولتی و غیردولتی در برگزاری هفته کتاب مشارکت داشتند. وی همچنین درباره فعالیت‌های صورت گرفته در خارج از کشور در این رویداد فرهنگی گفت: «در خارج از کشور، ۲۰ رایزنی و خانه فرهنگ برای برگزاری نمایشگاه کتاب اعلام آمادگی کردند و معاونت فرهنگی نیز اقدام به تهیه و ارسال کتاب برای این رایزنی‌ها کرد و این اولین باری بود که چنین حرکتی صورت می‌گرفت.»

محمد الهیاری فومنی، دبیر هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران در روزهای پایانی هفته کتاب از رشد قابل توجه کمی و کیفی برنامه‌های هفدهمین دوره هفته کتاب در مقایسه با دوره‌های پیشین خبر داد.

الهیاری در گفت‌وگو با کتاب هفته با اعلام این خبر مجموع عناوین برنامه‌های اجرا شده در هفته کتاب را در سراسر کشور ۸۰۰ عنوان ذکر کرد و گفت: «فعالیت‌های صورت گرفته در تهران در این دوره ۳۵۰ عنوان و در استان‌ها نیز شامل ۴۵۰ عنوان بود که هر یک از این عناوین نیز شامل ده‌ها برنامه دیگر می‌شد.»

دبیر ستاد هفدهمین دوره هفته کتاب با تأکید بر این که برنامه‌های هفته کتاب امسال در تداوم سایر فعالیت‌های دوره‌های قبل بود با این تفاوت که این دوره به شکلی گسترده‌تر، با برنامه‌های متنوع‌تر و با همکاری نهاد‌های بیشتری همراه بود اظهار داشت: «آنچه هفته کتاب امسال را از دوره‌های قبل متمایز می‌کرد حضور فراگیر دستگاه‌ها و نهاد‌های فرهنگی و غیرفرهنگی کشور برای اشاعه فرهنگ کتاب و کتابخوانی بود و براساس بازخوردی که از رسانه‌ها و مطبوعات دیدیم، این دوره از هفته کتاب تأثیر خوبی برای ایجاد هیجان و شور و نشاط برای برجسته کردن موضوع کتاب داشت.»

الهیاری با ابراز امیدواری برای انتقال این نشاط به بدنه جامعه تصریح کرد: «فعالیت‌های فرهنگی غالباً در برنامه‌های کوتاه مدت ثمر نمی‌دهند و رسیدن به نقطه مطلوب نیازمند مشارکت همه نهادها

۲

سومین جشنواره
کتاب و رسانه ملی
برگزار می‌شود

۳

● میلان کوندرا
شهروند افتخاری
زادگاهش می‌شود

● پیکر سحابی
در قطعه هنرمندان
آرام گرفت

۴

● جامعه ادبی ایران
در سوگ محمود
شاهرخی

● شایستگان جایزه
قیصر امین پور
تقدیر شدند

افرادی که کار روزانه دارند. اداری، کاسب، روستایی، کشاورز و امثال اینها، اگر مثلاً شب یا بین روز به خانه می آیند. بخشی از زمان را، ولو نیم ساعت، برای کتاب خواندن بگذارند. چقدر کتاب هارا در همین نیم ساعت هاست می شود خواند. بنده خودم دوره های بیست و چندجلدی کتاب ها را در همین فاصله های ده دقیقه، بیست دقیقه، یک ربع ساعت خوانده ام!... شاید من از صدها جلد کتاب همین طور در این فاصله های کوتاه استفاده کرده باشم. بسیاری را هم می شناسم که این طور هستند.

بیانات مقام معظم رهبری در مصاحبه با خبرنگار صداوسیما، پس از بازدید از ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، ۷۲/۲/۲۱

«راه قرآن» منتشر شد

شماره بیست و چهارم ماهنامه «راه قرآن» ویژه مهر و آبان منتشر شد.

«شفاعت حق کیست» به قلم حجت الاسلام سید محمدباقر علوی تهرانی، «آیات محکم و متشابه در نگاه شیخ طوسی» به کوشش علی اصغر آخوندی و «ارزش های اجتماعی در آرمان شهر رضوی» به قلم عبدالله ابراهیمی از جمله مطالب این ماهنامه اند.

مقاله ای با عنوان «بایسته های یک بانوی خانواده از بیان قرآن» به قلم سید محسن میرباقری از دیگر مطالب خواندنی این شماره ماهنامه راه قرآن است. در بخش «گزیده ای از تفاسیر» با عنوان «زیر نور قرآن» این بار به پنج آیه نخست سوره بقره پرداخته شده است.

بیست و چهارمین شماره ماهنامه «راه قرآن» ویژه مهر و آبان در ۵۰ صفحه با قیمت ۴۵۰ تومان در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است.

معرفی برگزیدگان مسابقه داستان های کوتاه قرآنی

دبیر مسابقه داستان های کوتاه قرآنی از برپایی مراسم اختتامیه این جشنواره در دی سال جاری خبر داد.

شوکت منصوری، دبیر دومین مسابقه داستان نویسی قصص (داستان های کوتاه براساس قصه های قرآن کریم) با اشاره به برپایی این مراسم در نیمه ابتدایی دی ماه سال جاری گفت: «دوری این دوره از این مسابقه در یک مرحله و پس از کد گذاری در حوزه هنری استان تهران انجام می پذیرد و برگزیدگان نیز در مراسم ویژه ای با حضور حسن بنیانیان، رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و نیز داوران در حوزه هنری گیلان معرفی می شوند.»

وی ادامه داد: «تاکنون بیش از ۸۰ اثر از نزدیک به ۴۰ نویسنده از سراسر کشور به دبیرخانه ارسال شده است و تا پایان آبان نیز این روند ادامه خواهد داشت.»

وی افزود: «برگزیدگان این جشنواره در سه رتبه اول تا سوم و نیز معرفی تعدادی از افراد به عنوان اثر تقدیری معرفی خواهند شد که به دلیل سطح کیفیت آثار و نیز تقدیر از نویسندگان بومی استان، از ده نویسنده استان که در این مسابقه آثارشان به عنوان اثر برگزیده شناخته شود، تقدیر به عمل خواهد آمد.»

منصوری همچنین از انتشار مجموعه ای از داستان های برگزیده جشنواره پس از مراسم اختتامیه خبر داد و گفت: «تلاش ما بر این است که همزمان با مراسم اختتامیه بتوانیم این آثار را منتشر کنیم، در غیر این صورت در فرصت های بعدی به این کار خواهیم پرداخت.»

طی مراسمی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

جایزه جلال دوشنبه برندگان خود را می شناسد

تاریخ نگاری و مستندنگاری دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد نیز از سوی خانه کتاب به این ترتیب اعلام شد: «دا» خاطرات سیده زهر احسینی با مصاحبه و تدوین سیده اعظم حسینی از انتشارات سوره مهر، «پان ترکیسم و ایران» اثر کاوه بیات از نشر پردیس دانش؛ «مشروطه ناکام» اثر مهدی رهبری از انتشارات کویر، «ظهور و سقوط خاندان تنگستانی» اثر سید قاسم یاحسینی از نشر سوره مهر، «حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی» اثر جمعی از پژوهشگران از انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، «سه حزب» اثر مظفر شاهدی از انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، «فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر» اثر مهدی رهبری از پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، «بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس» اثر حسن حبیبی و محمدباقر وثوقی از بنیاد ایران شناسی، «گزیده مقالات و اخبار روزنامه های مهم درباره خلیج فارس» اثر امیر هوشنگ انوری از بنیاد ایران شناسی، «اطلس شیعه» اثر رسول جعفریان از سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، «تصویب قطعنامه ۵۹۸، زمینه های سیاسی و نظامی» اثر علیرضا لطف زادگان از مرکز اسناد دفاع مقدس و «جنگ محدود ایران و آمریکا در خلیج فارس» اثر مهدی انصاری و محمودیزدان فام از مرکز اسناد دفاع مقدس.

دومین جایزه ادبی جلال آل احمد با مشارکت معاونت فرهنگ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب دوشنبه دوم آذر برگزیدگان خود را معرفی خواهد کرد.

این مراسم از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در تالار وحدت تهران برگزار می شود.



کوتاه و بلند، ۸۰۹ عنوان در بخش تاریخ نگاری و مستندنگاری و ۳۴۰ عنوان در بخش نقد ادبی شرکت کرده اند در بخش داستان دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد شش اثر به مرحله نهایی راه یافت تا از میان آنها اثر برگزیده یا شایسته تقدیر انتخاب شود. عناوین این کتاب ها عبارت اند از: «من گنجشک نیستم» نوشته مصطفی مستور از نشر مرکز، «بیوتن» اثر رضا امیرخانی از نشر علم، «هجوم آفتاب» اثر قباد آذرآیین از نشر هیلا، «آوای نهنگ» اثر احمد بیگدلی از نشر چشمه، «شماس شامی» اثر مجید قیصری از نشر افق، «صورتک های تسلیم» اثر محمد ایوبی از نشر افراز.

آثار راه یافته به مرحله دوم داوری گروه

مراسم پایانی دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد دوشنبه دوم آذر با حضور سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر ارشاد و جمعی از اهالی فرهنگ و قلم در تالار وحدت تهران برگزار می شود.

این جایزه که هر سال همزمان با سالروز تولد جلال آل احمد، نویسنده معاصر برای تقدیر از پدید آورندگان آثار بدیع و برتر اهدا می شود، امسال در دومین دوره نیز در حوزه های داستان بلند، داستان کوتاه، نقد ادبی، مستندنگاری و تاریخ نگاری آثار برتر را شناسایی و از پدید آورندگان آنها تقدیر می کند. جایزه ادبی جلال آل احمد بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۵ بنیان نهاده شد و مراسم آن هر سال دوم آذرماه همزمان با سالروز ولادت این نویسنده توانا و صاحب سبک برگزار می شود. هدف از اهدای این جایزه به گفته دست اندرکاران آن، ارتقای زبان و ادبیات ملی دینی از رهگذر بزرگداشت پدید آورندگان آثار برجسته، بدیع و پیشروست و ضوابط آن در راستای تولید فکر ادبی هنری اسلام گرا و تقویت روحیه انتقادی علمی نسبت به ترجمه های موجود ادبی و هنری است.

به گزارش دبیرخانه دومین جایزه ادبی جلال آل احمد، در این جایزه کتاب هایی بررسی و داوری می شوند که برای نخستین بار در سال گذشته به طبع رسیده باشند.

در دومین دوره این جایزه، بیش از یک هزار و ۱۸۵۰ اثر در حوزه های مختلف در مرحله اول داوری ها با هم به رقابت پرداختند و مرحله دوم داوری ها نیز از ابتدای مهرماه سال جاری آغاز شد.

در این دوره ۷۳۰ عنوان کتاب در بخش داستان

از سوی شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

ضوابط حضور ناشران داخلی در نمایشگاه کتاب تهران اعلام شد

۲۰ اسفند ۸۸ و پس از مشخص شدن متراژ تخصصی غرفه و پرداخت کل مبلغ اجاره غرفه، بنابراین ضوابط اولویت با کسانی است که زودتر ثبت نام کرده اند. بر اساس بند یک از تبصره ۳ این آیین نامه ناشری که دارای غرفه مستقل است می تواند حداکثر نمایندگی دو ناشر دیگر را اخذ کند که در این صورت باید به صورت مشترک تمامی اسناد را تکمیل و مهیور کند.

طبق بند ۳ از تبصره چهارم این آیین نامه نیز تعداد کتاب های منتشر شده نمایندگی ها هیچ گونه امتیازی در تخصیص متراژ اضافی برای ناشر نماینده پذیر در بر نخواهد داشت. روابط عمومی موسسه نمایشگاه های فرهنگی از ناشران درخواست کرده تا با مراجعه به موسسه خانه کتاب نسبت به کامل بودن اطلاعات موجود اطمینان حاصل کنند.

فهرست کامل ضوابط ناشران برای شرکت در نمایشگاه کتاب سال آینده، در سایت خبرگزاری کتاب ایران به نشانی اینترنتی (www.ibna.ir) منتشر خواهد شد. بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۹ در مصلاهی امام خمینی (ره) تهران برگزار می شود.

با حضور مسؤولان صداوسیما و وزارت ارشاد

سومین جشنواره کتاب و رسانه ملی برگزیدگان خود را می شناسد

برگزیدگان برنامه های تلویزیونی سومین دوره جشن کتاب و رسانه ملی نیز عبارتند از: برنامه های باغ کاغذی، آینه کتاب، گلزار ادب، برداشت آزاد، سریال نردبام آسمان، سریال مرگ تدریجی یک رویا، کتاب چهار، دو قدم مانده به صبح و مدرسه ما.

عناوین برنامه های برگزیده بخش رادیویی نیز به این ترتیب اعلام شدند: تالو، اقلیم قلم، یک کتاب یک مترجم، گنج و ترنج، نشانی و چراغستان. مراسم پایانی سومین دوره جشن کتاب و رسانه ملی امروز شنبه سی ام آبان از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در کتابخانه ملی تهران برگزار می شود.

فهرست کامل اسامی برگزیدگان سومین دوره جشن کتاب و رسانه برتر بر روی سایت خبرگزاری کتاب به نشانی www.ibna.ir قابل مشاهده است.

مسابقه دوربین مخفی و در بخش رادیویی سازندگان آثار برتر در قالب های گفت وگو، برنامه زنده، آیتم، ترکیبی، مسابقه و نمایش، معرفی و از آنها تقدیر می شود.»

به گزارش دبیرخانه سومین جشنواره کتاب و رسانه ملی، شبکه سه سیمای جمهوری اسلامی به عنوان شبکه برتر تلویزیونی و شبکه رادیویی جوان به عنوان شبکه برتر رادیویی شناخته شده اند.

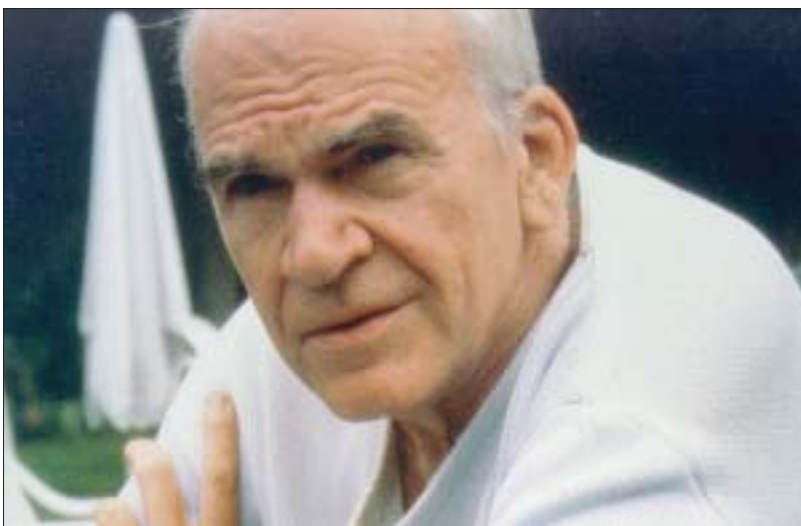
بخش های مورد داوری در برنامه های تلویزیونی سومین جشن کتاب و رسانه ملی شامل تهیه کنندگی، کارگردانی، نویسندگی و مجری گری بوده و این بخش ها در برنامه های رادیویی، تهیه کنندگی، سردبیری، نویسندگی، گویندگی و بازیگری را شامل شده است.

سومین دوره جشن «کتاب و رسانه ملی» امروز شنبه سی ام آبان همزمان با آخرین روز از هفته کتاب که روز «کتاب، رسانه، اصلاح و تربیت» نامیده شده با حضور مسؤولان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کتابخانه ملی برگزار می شود.

سید سعید میرمحمد صادق دبیر جشن کتاب و رسانه ملی در گفت وگو با کتاب هفته با اعلام این خبر اظهار داشت: «سومین دوره جشن کتاب و رسانه ملی با هدف تقدیر از برنامه سازان رادیو و تلویزیون که در ترویج کتابخوانی نقش فعالی ایفا کرده اند از سوی موسسه خانه کتاب برگزار می شود.»

وی همچنین یادآور شد: «در بخش تلویزیون، سازندگان آثار برتر در قالب های گفت وگو، انیمیشن، مستند، ترکیبی، نمایش، فیلم و سریال، برنامه زنده،

میلان کوندرا شهروند افتخاری شهر خودش می شود



نام میلان کوندرا نویسنده مشهور چک برای دریافت لقب شهروند افتخاری در فهرست شورای شهر برنو قرار گرفت. کوندرا در همین شهر متولد شده، اما مدت هاست خود را یک فرانسوی می داند. کوندرا که مدت هاست در فرانسه زندگی می کند بارها به سبب فرانسوی خواندن خود، هواداران چکی اش را رنجانده اما حالا با قبول پیشنهاد لقب شهروند افتخاری شهر برنو که زادگاه واقعی اوست برای بار دوم در چند ماه اخیر گامی برای آشتی با هوادارانش در چک برمی دارد.

وی چندی پیش نیز با قبول ترجمه بخشی از آثارش به زبان چک برای خواننده شدن در سمیناری به نام او در پراگ، دوستدارانش را در چک خوشحال کرده بود.

به نوشته سایت چک نوینی، شورای شهر برنو در کشور چک نام ۶ نویسنده و شخصیت معروف را برای اعطای این مقام در نظر گرفته که شانس این نویسنده ۸۰ ساله در آن میان بسیار زیاد است.

میلان کوندرا که خود زاده شهر برنو است پس از مهاجرت از کشورش در زمان حکومت کمونیست ها، رمان هایش را به زبان فرانسه نوشت و در همان جا منتشر کرد.

بنا به ادعای شهردار برنو در ژوئن سال گذشته نامه ای به کوندرا ارسال شده و از وی خواسته شده است که شهروندی افتخاری این شهر را بپذیرد و وی ضمن قدردانی از این پیشنهاد آمادگی خود را برای دریافت آن اعلام کرده است.

چندی پیش نیز میلان کوندرا، نویسنده فرانسوی

متولد چک، که از روی حساسیت و سواس گونه به آثارش با ترجمه آنها مخالف است، خودش بخش هایی از آثارش را برای نخستین بار به زبان چک ترجمه کرد تا در سمیناری که در زادگاهش برگزار شد، خوانده شود. وی چندی قبل از این سمینار در پیامی به برخی از منتقدان و نویسندگان کشور چک گفته بود که او یک نویسنده فرانسوی است و با برخی از اظهار نظر ها، دوستداران اهل چک خود را رنجانده بود. کوندرا از منتقدان و اهالی فرهنگ چک نیز خواسته بود که او را به جای چکی، فرانسوی صدا بزنند.

با حضور معاون فرهنگی وزارت ارشاد

برگزیدگان جشنواره «نقد کتاب» معرفی شدند

برگزیدگان ششمین دوره جشنواره «نقد کتاب» عصر سه شنبه در سرای اهل قلم جوایز خود را از دست احمد سمیعی گیلانی، ویراستار و نویسنده پیشکسوت و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کردند.

در بخش کلیات، پژمان محمدی به عنوان برگزیده معرفی شد. در بخش فلسفه، شاخه منطق و فلسفه اسلامی، رضا محمدزاده و در شاخه فلسفه غرب، پرویز ضیاء شهابی برگزیده شدند. در بخش دین در شاخه علوم قرآنی، جویا جهانبخش و در شاخه ادیان دیگر عسگر بهرامی به عنوان نفرات برتر معرفی شدند.

در بخش علوم اجتماعی، شاخه جامعه شناسی، علی شریفی، شاخه علوم سیاسی، حجت فلاح توتکار و در شاخه علوم ارتباطات، نسترن خواجه نوری برگزیده شدند. در بخش هنر، شاخه موسیقی، محمد علی سلطانی و در شاخه هنرهای نمایشی، فاطمه مولا زاده به عنوان نفرات برتر معرفی شدند.

در بخش زبان و ادبیات فارسی، در شاخه ادبیات فارسی، سجاد آیدنلو، در شاخه ادبیات داستانی، فرزانه دوستی، در شاخه شعر، محمود سنجری و در شاخه زبان شناسی، مهرداد نقض گوی کهن و حمید حسینی برگزیده شدند. همچنین در بخش تاریخ، مختار کمیلی به عنوان نفر برتر معرفی شد.

در بخش کودک و نوجوان نیز در بخش شعر، انسیه موسویان و در بخش داستان، حسن پارسایی به عنوان نفرات برتر شناخته شدند. مراسم پایانی ششمین دوره جشنواره نقد کتاب، عصر سه شنبه گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد. به گفته علی اوجبی دبیر علمی ششمین جشنواره نقد کتاب، به دلیل تغییر آیین نامه این جشنواره، تنها مقالات منتشر شده در نشریات در این جایزه ادبی به رقابت پرداختند و کتاب های حوزه نقد به دلیل داوری در جوایزی چون جلال و کتاب فصل، ارزیابی نشدند. این جشنواره به همت موسسه خانه کتاب، به داوری نقد های منتشر شده در حوزه کتاب در نشریات معتبر کشور می پردازد.

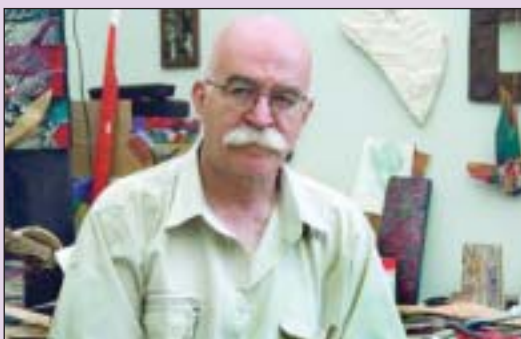
درخواست برندگان نوبل ادبیات برای مقابله با گرمایش زمین

دوریس لسبینگ، رمان نویس انگلیسی و برنده جایزه نوبل ادبیات، همراه چند تن دیگر از برندگان جایزه نوبل از رهبران جهان خواست که در مقابل تغییرات جوی زمین تصمیمات لازم را اتخاذ کنند.

به گزارش مهر، به نقل از سایت «کمبریج نت ورک» در نامه ای که به امضای ۵۰ تن از برندگان نوبل رسیده است خواسته شده است در برابر تغییرات آب و هوا که ممکن است موجب بحران های انسانی، زیست محیطی و اقتصادی در جهان امروزی شود مقابله شود.

در این نامه به غیر از دوریس لسبینگ نام برندگان دیگر نوبل ادبیات همچون جان کوئزنی و نادین گوردیمر نیز دیده می شود. محمد البرادعی، میخائیل گورباچف و دالایی لاما از دیگر امضا کنندگان این نامه اند. دوریس می تیلور (لسبینگ) برنده جایز نوبل ادبی ۲۰۰۷ در ۲۲ اکتبر ۱۹۱۹ از والدینی انگلیسی در کرمانشاه ایران متولد شد.

پیکر مهدی سحابی در قطعه هنرمندان آرام گرفت



پیکر مهدی سحابی، مترجم فقید، صبح چهارشنبه ۲۷ آبان، از مقابل منزل این مترجم، نقاش، مجسمه ساز، داستان نویس و روزنامه نگار به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) تشییع شد.

در مراسم تشییع پیکر سحابی که پس از درگذشت در پاریس، به تهران منتقل شد، جواد مجابی، لیلی گلستان، محمود دولت آبادی، ابراهیم حقیقی، بابک احمدی، محمد ابراهیم جعفری و هادی سحابی، برادی مهدی سحابی سخنرانی کوتاهی ایراد کردند.

در این مراسم تعدادی از اهالی فرهنگ و هنر حضور داشتند. مهدی سحابی مترجم و نویسنده ایرانی که در فرانسه اقامت داشت، بامداد

دوشنبه ۱۸ آبان در سن ۶۵ سالگی بر اثر نارسایی قلبی درگذشت. این مترجم متولد ۱۳۲۳ شهر قزوین است. بیشتر شهرت این مترجم برای ترجمه رمان هفت جلدی «در جست و جوی زمان از دست رفته» اثر مارسل پروست، نویسنده فرانسوی، به دست آمد. ترجمه او از این کتاب در ایران توسط نشر مرکز منتشر شده است.

سحابی در آغاز به تحصیل در هنرکده هنرهای تزئینی تهران و سپس فرهنگستان هنرهای زیبای رم مشغول شد. اما پس از مدتی هر دو را رها کرد. وی علاوه بر ترجمه ادبی، روزنامه نگاری، عکاسی، نقاشی و حتی بازیگری را نیز آموخته و دو مجموعه داستان نیز منتشر کرده است.

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

هفته کتاب و ده ها خبر

هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، از شنبه گذشته آغاز شد و در طول هفته برنامه های مختلفی را شاهد بود. «ایبنا» از چند روز پیش از آغاز این مراسم به طور متوسط روزانه ۱۲ خبر مرتبط با هفته کتاب و ده ها خبر حاشیه ای مربوط به این رویداد فرهنگی را منتشر کرده است.

از جمله آخرین این خبرها می توان به این عناوین اشاره کرد: «افتتاح نخستین کتابخانه تخصصی ادیان و مذاهب با حضور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و چند تن دیگر از مدیران فرهنگی»، «گزارش همایش جایگاه کتاب و نشر بین ادیان توحیدی»، «شانزدهمین جشنواره کتاب سال دانشجویی» و «مراسم دیدار کودکان و نوجوانان با نویسندگان و شاعران برگزیده».

از دیگر مطالب جالب توجه منتشر شده در این خبرگزاری، مصاحبه خبرنگار «ایبنا» با «آکی هیده دویو»، رئیس بخش فرهنگی سفارت ژاپن در ایران است. وی با اعلام آمادگی از سوی کشورش برای مشارکت در «هفته کتاب ایران» گفته است: مردم ژاپن بسیاری از نامداران ادبیات ایرانی را می شناسند؛ از جمله رودکی، حافظ، سعدی، فردوسی و خیام در این بین بسیار مورد توجه هستند.

عکاسان خبرگزاری کتاب ایران هم در گزارش تصویری مختلفی، رویدادهای هفته کتاب را با زبان تصویر گزارش کرده اند.

جایزه کتاب سال قیصر امین پور

جایزه کتاب سال دفتر شعر جوان که به عنوان «جایزه قیصر امین پور» نام گذاری شده، هفته گذشته با برگزاری هفت نشست نقد برای هفت کتاب برگزیده و با برگزاری مراسم پایانی در خانه هنرمندان ایران به کار خود پایان داد.

گزارش کامل دو نشست پایانی این مرکز که اختصاص داشت به نقد مجموعه شعرهای «دنیا چشم از ما بر نمی دارد» سروده الهام اسلامی و «از پنجره های بی پرده» سروده علیرضا بدیع، نیز گزارش مراسم اختتامیه جایزه قیصر امین پور، در وب سایت خبرگزاری کتاب ایران منتشر شده است.

انتشار آخرین اثر ناباکوف

۳۲ سال پس از مرگ او

گروه اخبار جهانی خبرگزاری کتاب ایران، خبری را مبنی بر انتشار آخرین کتاب ولادیمیر ناباکوف، نویسنده روسی ۳۲ سال پس از مرگ نویسنده، منتشر کرده است. ناباکوف خواسته بود این کتاب پس از مرگش سوزانده شود، اما پسر و وارث او پس از سال ها تردید، تصمیم به انتشار این کتاب گرفته و بالاخره هفته گذشته این کتاب را روانه بازار نشر کرده است.

گزارشی با عنوان «کتابی تکان دهنده درباره تجارت اعضای بدن توسط دولت چین»، گزارشی درباره جوایز ادبی جهان و ارزش مالی آنها و خبر برگزیده شدن یک نویسنده چینی در مهم ترین جایزه آسیا، از دیگر عناوین منتشر شده توسط گروه بین الملل خبرگزاری کتاب ایران است.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند و گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار از دیگر مطالبی است که هفته گذشته در خبرگزاری کتاب ایران منتشر شده است.

استقبال از آثار خالقی مطلق

«سخن های دیرینه» نوشته جلال خالقی مطلق از نشر افکار در فهرست آثار پرفروش کتابفروشی بلخ در هفته گذشته قرار داشت. این کتاب که شامل مجموعه مقاله های دکتر خالقی مطلق درباره شاهنامه فردوسی است شامل مقاله هایی است که پیش از این در نشریه های ادبی گوناگون از جمله «ایران نامه»، «ایران شناسی»، «کلک» و «هستی» به چاپ رسیده بودند. از جمله مقاله های این کتاب می توان به «تطهیر معنوی با آب در شاهنامه»، «نگاهی به فن داستانرایی فردوسی»، «عناصر درام در برخی از داستان های شاهنامه»، «آغاز و انجام داستان های شاهنامه»، «ایران گرایی در شاهنامه»، «نظری درباره هویت مادر سیاوش» و «تاریخ روز پایان نظم شاهنامه» اشاره کرد.

به گفته مسوول فروش کتابفروشی بلخ، این کتابفروشی که به طور مشخص آثار مربوط به حوزه فرهنگ و تاریخ باستان را عرضه می کند «شاهنامه فردوسی» با تصحیح جلال خالقی مطلق را نیز در فهرست آثار پرفروش خود داشت. این تصحیح از شاهنامه که به همت بنیاد دایرة المعارف اسلامی به چاپ رسیده، برای نخستین بار تیرماه سال ۱۳۸۶ رونمایی شد. خالقی پیش از این جایی درباره اهمیت شاهنامه پژوهی گفته بود: «برای نوشتن تاریخچه ملت ایران باید از شاهنامه شروع کرد. در واقع با شاهنامه هویت و ملیت ایرانی بنیانگذاری می شود و مردم با مطالعه این اثر ارزشمند، گذشته پرافتخار خویش را می شناسند.» عناوین دیگر آثار پرفروش کتابفروشی بلخ در هفته گذشته عبارت بودند از: «این آتش نهفته» به قلم فاطمه ملک زاده و «زندگی و مهاجرت نژاد آریا» نوشته فریدون جنیدی از نشر بلخ؛ «فرهنگ فارسی - تاجیکی» اثر محمدجان شکوری و همکاران از انتشارات فرهنگ معاصر و «فرهنگ واژگان گویش های ایران» اثر غلامرضا آذری از نشر هزار کرمان.

پیام تسلیت

به یاد مردی که نیکو بود

جلال فهیم هاشمی هم از میان ما پرکشید و رفت. مردی که از نیکان بود و پیشکسوتی تمام عیار. او رفت و جامعه نشر در سوگ یکی دیگر از بزرگانش نشست. سابقه آشنایی من با هاشمی به سال های پایانی رژیم پهلوی برمی گردد. زمانی که او در انتشارات امیرکبیر بود و من تازه به کار کتابفروشی درآمده بودم.

آن سال های برای خرید کتاب از انتشارات امیرکبیر گذارم زیاد به محل کار او می افتاد و او را می دیدم، اما رابطه دوستی ما به سال های پس از انقلاب برمی گردد و زمانی که من به کار نشر درآمدم. او انتشارات روزبهان را راه اندازی کرد. آشنایی بیشتر و صمیمیت من با آن مرحوم به سال های آغازین دهه ۷۰ می رسد.

در سال های ۷۲ و ۷۳ که به فعالیت های اجرایی اتحادیه و تعاونی پیوستم دوستی و ارتباط من با او بیشتر شد؛ چرا که او فعالی با هوش و نظاره گری تیزبین بود و من این خلق و خو را دوست داشتم. او بازرس تعاونی بود و حق و حقوق اعضای صنف نشر برایش اهمیت ویژه ای داشت و این مرا به او نزدیک تر می ساخت. از سفرهای ما برای بررسی و ساخت مدرسه در شهرهای دور و نزدیک خاطرات خوشی برای من به جای مانده است که یادآوری آن مرا به یاد مردی می اندازد که نیکو بود. امید دارم بازماندگان او راه نشر روزبهان را با اندیشه های نیک آن مرحوم ادامه دهند.

روحش شاد و قرین رحمت باد.

نادر قدیانی

حداد عادل: شاهرخی آبروی شعر انقلاب بود

«این شاعر مردی از خطه کویر و هنرمندی در دانشناست که رنج مردم را فهمیده و مادر هر حادثه، تیغ زبان او را می بینیم.» حداد عادل رییس کمیسیون فرهنگی مجلس نیز ضمن برشمردن فضایل اخلاقی و ویژگی های شعری شاهرخی، وی را افتخار و آبروی شعر بعد از انقلاب دانست.

صابر امامی، محمود سجادی، علی موسوی گرمارودی، سید ضیاءالدین شفیعی، عبدالجبار کاکایی، حسین آهی، پرویز بیگی حبیب آبادی، فاطمه راکعی، یاور همدانی، سیمیندخت وحیدی و بسیاری دیگر از شاعران و نویسندگان با تجلیل از شخصیت شاهرخی، درگذشت وی را به جامعه ادبی کشور تسلیت گفتند.

محمود سجادی، شاهرخی را از چهره های شاخص ادبیات منظوم انقلاب و قصیده سربایی همپای مهرداد اوستا دانست. صابر امامی، عرفان و مذهب در شعر شاهرخی را جدا از دغدغه زبان شاعری و بیانگر صمیمیت باطن او عنوان کرد. پرویز بیگی حبیب آبادی شاهرخی را مردی ساده و بی پیرایه و بسیار ساده دل و روشن ضمیر و عارف زمان حاضر خواند. علی موسوی گرمارودی از شاهرخی با عنوان شاعر عارف یاد کرد که در حوزه شعر آیینی کلاسیک استاد بود.

عبدالجبار کاکایی، آثار شاهرخی را از معدود اشعاری دانست که دانش استوار اعم از مباحث معرفتی و ادبی را به عنوان پشتوانه خود داشت و سید ضیاءالدین شفیعی از شاهرخی به عنوان شاعر و استادی یاد کرد که بی دریغ اطلاعات وسیع خود را در اختیار نسل جوان قرار می داد.

محمود شاهرخی متولد سال ۱۳۰۶ در بم از توابع کرمان بود و گفته می شود وی حدود ۸۰ نفر از منسوبانش را در زلزله بم از دست داده بود.



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم تشییع پیکر شاهرخی ضمن تسلیت به اهالی قلم و خانواده شاهرخی طی سخنانی، شعر او را دارای پشتوانه فطری و عرفانی دانست و گفت: «او شاعری در دانشناست بود که از درد مردم سخن گفت، با اهل بیت انس داشت و در محضر عالمان و اسلام شناسان تلمذ کرده و اشعارش با معنویت و دیانت گره خورده بود.»

وی در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت:

سومین جایزه کتاب سال شعر جوان برگزیده نداشت

شایستگان جایزه قیصر امین پور تقدیر شدند

زبان، ساخت و پرداخت نیستند و این امر رجحان هر یک از آنها را بر آثار دیگر دشوار و غیرممکن می کند. این جایزه همه ساله همزمان با هفته کتاب به همت دفتر شعر جوان و با حمایت مالی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می شود.

جامعه ادبی ایران، هفته گذشته در سوگ محمود شاهرخی شاعر آیینی سرای ایرانی نشست. شاهرخی که بسیاری از معاصرانش او را چهره ای شاخص در ادبیات کلاسیک و ادبیات انقلاب می دانند یکشنبه ۲۴ آبان، بر اثر عارضه قلبی در سن ۸۲ سالگی، درگذشت.

در پی درگذشت این شاعر آیینی و انقلاب، رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای و محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران با صدور پیام های جداگانه ای فقدان این شاعر را به خانواده وی و جامعه ادبی ایران تسلیت گفتند.

از آثار به جای مانده از این شاعر می توان به «آیینه عصمت»، «در غبار کاروان»، «داغ شقایق ها»، «سیمای پیامبر در ادب فارسی»، «تجلی عشق»، «نسیم وصل»، «درسی را که از قرآن آموخته ام»، «امام علی (ع) روح بی نهایت»، «امام حسین (ع) تجلی جلال و جمال»، «بر آستان جانان» و «کیمیای احسان» اشاره کرد.

پیکر این شاعر روز سه شنبه با حضور سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی شجاعی صائین، مدیر عامل موسسه خانه کتاب و جمعی از شاعران، نویسندگان و دستداران وی از مقابل تالار وحدت به سمت بهشت زهرا (س) تشییع و در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد.

سومین دوره جایزه قیصر امین پور که مراسم پایانی آن پنجشنبه ۲۸ آبان همزمان با ششمین روز از هفته کتاب در محل تالار بتهون خانه هنرمندان ایران برگزار شد هیچ یک از شاعران شرکت کننده در این جشنواره را واجد شرایط لازم برای برگزیده شدن ندانست.

محمد رضا عبدالملکیان دبیر سومین دوره کتاب سال شعر جوان (جایزه قیصر امین پور) در گفت و گو با کتاب هفته با بیان این مطلب، از انتخاب هفت اثر در این جشنواره به عنوان آثار شایسته تقدیر خبر داد. دبیر سومین دوره کتاب سال شعر جوان گفت: «دوران در این دوره، هیچ یک از ۱۳۰ اثر رسیده به دبیرخانه این جایزه را واجد شرایط احراز جایزه ندانستند.»

عبدالملکیان افزود: «آثار رسیده علی رغم وجوه مثبتی که در برخی از آنها بود ضعف هایی داشتند که باعث شد در نهایت هیچ اثری به عنوان اثر برگزیده انتخاب نشود و به تشخیص داوران تنها هفت اثر شایسته تقدیر شناخته شدند.»

به گفته عبدالملکیان هیأت داوران پس از بررسی دقیق آثار هفت اثر را برای راه یافتن به مرحله نهایی برگزید که این آثار به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: «پنجره های بی پرده» سروده علیرضا بدیع از انتشارات فصل پنجم، «بی خوابی عمیق» اثر محمد مهدی سباز از انتشارات سوره مهر، «پارو زدن در خاک» اثر داریوش معمار از انتشارات آهنگ دیگر، «دالان حاج مختار، پلاک ۹» اثر مجید سعد آبادی از انتشارات هنر و رسانه اردیبهشت، «دروغ های مقدس» اثر حامد ابراهیم پور از انتشارات پرنده، «دنیا چشم از ما بر نمی دارد» اثر الهام اسلامی از انتشارات شاملو و «نی زن، جذامی و باد» اثر سعیدی گل بیانی از انتشارات آهنگ دیگر. در بخشی از بیانیه این جایزه آمده است: «هیأت داوران در بررسی مجدد آثار با اذعان به این که هر یک از آنها از جهاتی نظیر جسارت و نوآوری در قلمرو زبان، تخیل و فرم، برخوردار است و نوآوری در قلمرو زبان، تخیل و فرم، زبان و اجرای دقیق شعر، رویکرد صمیمانه و عاطفی به دغدغه های انسان امروز و... از برتری های نسبی برخوردارند بر این باور است که هیچ یک از این کتاب ها خالی از نواقص و مشکلاتی در حیطه های

باسمه تعالی

نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوهمند، بخت بزرگ ایران و به منظور تکوین است. سال آگاهی و بیداری بیشتر فرهنگ و عدالت، معنویت و آزادی و با هدف ثبت آن همه حماسه آفرینی های شور انگیز در حلقه تاریخی بشری. نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت میهنی نشان شریک و دخل می دانند و اهمیت روشنگری و بازتاب مسائل حقیقی و واقعی را برای فرزندان امروز و فردا فریاد کنند. متناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان معاصر و روش های تریبونی. آرمان های ملی و آزادی خواهی، نطق ستیزی و عدالت طلبی، حماسه سازی، ایثار و سایر تأثیرات تمدنی آن در جهان کنونی. آثار ماندگار و شایسته ای را به گنجینه ی ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

■ مدارک مورد نیاز:

۱. فرم پر شده اطلاعاتی حضور در مسابقه ایران هر نمایشنامه پر کردن یک فرم جداگانه برای استاد محدودیتی بر تعداد آثار وجود ندارد.
۲. سه نسخه چاپ شده از نمایشنامه به همراه فایل آن در محیط Word بر روی لوح فشرده.
۳. یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

■ جوایز مسابقه:

به منظور حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهند شد. همچنین جوایز به رسیده اند به سه اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ گاه شمار:

۱. ارسال آثار از طریق پست سفارشی تا تاریخ ۸۸/۸/۳۰
۲. اعلام نتایج و اهدای جوایز تا تاریخ ۸۸/۹/۲۰

فرم اطلاعاتی حضور در نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

عنوان نمایشنامه: _____ نویسنده: _____

میراث نمایشنامه ای با ذکر رشته و گرایش: _____ شماره تماس نویسنده: _____

نشانی دقیق پستی: _____

انتخاب: _____ با اطلاع کامل از مفاد فراخوان نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مدارک فوق را در صحت و درستی ارائه می نمائیم.

تاریخ و امضاء: _____

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین میدان فلسطین و صای جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۶، طبقه دوم - روابط عمومی مسئولیت پستی ۱۳۱۴۵-۲۱۳ شماره تماس: ۰۲۱-۴۴۶۱۵۲۴۰-۴۴۶۱۵۲۴۱



گزارشی درباره کارکردهای «پاتوق های کتاب»

دگرگونی آخرین حلقه نشر



توجه به مناطق محروم

همچنین آرمین سلیمانی، عضو شورای کتاب شهر تهران، با اشاره به پاتوق های گوناگون کتاب که در سراسر کشور وجود دارند، می گوید: «این پاتوق ها اغلب از سوی نهادهای دولتی ایجاد یا حمایت می شوند، اما در تهران و سایر کلان شهرها نیز پاتوق های متعددی از سوی متولیان غیردولتی وجود دارند که در ساعات گوناگون شبانه روز به ارائه خدمات کتابخانه ای و مشاوره در این حوزه فعالند.» مسوول امور رسانه ای سازمان تبلیغات اسلامی با اشاره به این که غیر از کلان شهرها در سایر مناطق، کتابخانه های بزرگ - آن هم تا حدی - به مثابه یک پاتوق عمل می کنند، اظهار می دارد: «سازمان تبلیغات اسلامی با هدف تمرکززدایی، شهرهای کوچک و مناطق محروم را نیز در نظر دارد و در راستای توسعه طرح «کتاب شهر» های کوشد پای کتاب رابه تمامی نقاط ایران باز کند. در این مراکز علاوه بر کتاب، سایر اقلام و محصولات فرهنگی مرتبط با کتاب در شهرهای گوناگون ارائه می شوند، اما این مراکز پاسخگوی کامل تبدلات فرهنگی نیستند.»

گفت و گوهای دو یا چند سويه ای که در پاتوق های کتاب صورت می گیرند، از نخستین ویژگی های این فضای فرهنگی به شمار می روند. تفاوت اصلی این پاتوق ها با جلسات نقد و بررسی کتاب، مشارکت اعضای پاتوق در مباحثی است که عنوان می شود. این افراد فارغ از تعارف، در مسیری از آگاهی و شناخت نسبت به اثر یا مولف آن، به مبادله افکار و یافته های خود می پردازند و در این تعامل به عرصه ای راه می یابند که با مطالعه فردی یا حضور در جلسات نقد و بررسی امکان ورود به آن را ندارند.

سلیمانی توسعه پاتوق های فرهنگی را زمینه ساز تغییرات مثبتی در ساختار فرهنگی کشور می داند و معتقد است: «به هر میزان که پاتوق های فرهنگی در نقاط گوناگون ایران افزایش و توسعه یابند، به همان میزان از کارکرد و محبوبیت پاتوق های غیر فرهنگی و غیراخلاقی کاسته می شود. انجام این امور نیازمند مهیا شدن زیرساخت ها و همکاری دستگاه های

می کند و می گوید: «حضور در این پاتوق ها نه تنها تقویت و تاییدکننده فرهنگ است، بلکه موجب آشنایی کتابخوانان با کتاب های بیشتر یا سایر حوزه های تالیفی می شود. پاتوق های کتاب این ایده را که کتابفروشی ها آخرین حلقه توزیع و نشر کتابند، بر هم می زنند و فضایی متفاوت را برای علاقه مندان به این حوزه فراهم می آورند.»

در پاتوق های کتاب، افراد گوناگون باسلیقه های متفاوت در حوزه کتابخوانی و دیگر حوزه های نگرشی و رفتاری در کنار هم جمع می شوند و با یافتن اشتراکاتی که کمترین آنها علاقه به کتاب و کتابخوانی است، تجارب خود را از مطالعه آثار مختلف بیان می کنند و در مواردی درباره آرای یکدیگر وارد بحث می شوند و به نقد و بررسی آثار و دیدگاه نویسندگان می پردازند.

فقیهی نژاد با اشاره به این که این فضاها، بخشی از بار آموزشی و فرهنگ سازی کشور را در کنار خانواده، رسانه و نهاد آموزش و پرورش به دوش می کشند، درباره آسیب شناسی آنها بیان می کند: «در آغاز کار تاسیس این پاتوق ها، اغلب مشکلات مالی و حمایتی برای موسسان وجود دارد، اما در تداوم کار، این فضا نیز جایگاه اصلی خود را خواهد یافت.»

وی از مطالعه کتاب به مثابه استفاده غیر مستقیم از آرا و اندیشه های بزرگان و شخصیت ها یاد می کند و می گوید: «بسیاری از کتابفروشی های شهرستان ها به دلیل داشتن فضا، ظرفیت تبدیل شدن به پاتوق کتاب را دارند. این امر در صورتی تحقق می یابد که حمایت های خوبی از این کتابفروشی ها صورت بگیرد و به تامین نیاز مخاطبان اصلی هر منطقه توجه ویژه ای شود. توجه ناشران در انتشار آثار فاخر تاثیر فراوانی در این زمینه دارد. اگر در هر استانی بتوانیم پاتوق کتابی داشته باشیم و نیازهای مخاطبان را به خوبی پاسخ بگوییم، تحول فرهنگی فوق العاده ای در حوزه کتاب رخ می دهد که حرکت در راستای تالیف و انتشار آثار فاخر فرهنگی و ادبی در زمینه های گوناگون، یکی از نتایج آن خواهد بود.»

ارتباطی قوی با سایر پاتوق های کتاب

مدیر توزیع و پخش دفتر نشر معارف درباره ایجاد فضاهای مجازی پاتوق کتاب معتقد است: «در بسیاری از روستاها با توجه به این که هنوز کتابخانه ای تاسیس یا راه اندازی نشده، اما دسترسی به اینترنت برای اهالی آن منطقه فراهم شده است. از این رو ایجاد کانون های مجازی و راهنمایی علاقه مندان برای عضویت در این پاتوق ها و استفاده از کتاب های موجود در این فضا، بسیاری از موانع ارتباطی و مسافت را از میان خواهد برداشت. این امر مستلزم داشتن شبکه اطلاعاتی و ارتباطی قوی با سایر پاتوق ها و آشنایی با تازه های نشر است.»

وی فروش و عرضه سایر محصولات فرهنگی و خدماتی نظیر کپی گرفتن و... را از آسیب ها و کارکردهای منفی پاتوق های کتاب و گامی در جهت دور شدن از هدف اصلی آنها می داند.

تصور این که حلقه نشر کتاب در مثلث کاری نویسنده، ناشر و خریدار (خواننده کتاب) به پایان می رسد، می تواند با ایجاد و راه اندازی پاتوق هایی با عنوان کتاب دگرگون شود. حضور در این نشست ها که تمامی اعضا به گونه ای در مباحث شرکت دارند، چرخه توزیع و نشر کتاب را از محدوده فهرست فروش کتاب خارج می کند.

یکی از این مکان ها که ممکن است در شهرها و مناطق گوناگون نام های متفاوتی بر آن نهاده باشند، پاتوق های کتابند؛ مکان هایی که اهالی کتاب و کتابخوانی گردهم می آیند و در حین داد و ستد داشته های معنوی، به مشاوره های مطالعه ای و گاه مباحثه نیز می پردازند. این گونه محافل می توانند در گسترش فرهنگ کتابخوانی و مطالعه بسیار موثر باشند.

مهدی فقیهی نژاد، سردبیر و مدیر سایت پاتوق کتاب و مدیر توزیع و پخش دفتر نشر معارف، که این تجربه را به فضای مجازی کشانده است، می گوید: «مخاطبان اصلی پاتوق های کتاب را جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند، لذا دو نکته مهمی که در هر پاتوق کتاب باید توجه ویژه ای به آنها شود، مخاطبان و شیوه انتخاب کتاب برای آنهاست.»

وی قشر جوانی که سال های پایانی دوره دبیرستان تا دوره های آخر تحصیلات تکمیلی را می گذرانند، از اعضای اصلی این پاتوق ها می داند و معتقد است: «در انتخاب آثاری که برای این افراد عرضه می شود - با توجه به حساسیت این دوره زندگی و تأثیراتی که در تصمیم گیری های آتی آنها می تواند داشته باشد - کارشناسان با شناخت کامل اثر و پس از تایید صاحب نظران، باید به گزینش و عرضه آثار گوناگون از ناشران مختلف اقدام کنند.»

فقیهی نژاد در توصیف ویژگی های پاتوق کتاب اظهار می دارد: «پاتوق کتاب جایی نیست که مخاطبان تنها کتاب مورد نظرشان را خریداری و سپس آن محیط را ترک کنند. در این فضا وظیفه اصلی عرضه کنندگان کتاب، ارائه مشاوره و پاسخگویی به سوالات خوانندگان کتاب هاست. این مشاوره فکری، نوعی تعامل فرهنگی را در فضای پاتوق ایجاد می کند که در داد و ستد عادی وجود ندارد.»

وی با بیان این که در برخی از موارد این پاتوق های با برگزاری نشست هایی در نقد و بررسی کتاب تکمیل تر نیز خواهند شد، توضیح می دهد: «تعداد این فضاها در تهران بیش از شهرستان هاست و شاید فعالیت های تکمیلی که صورت می گیرد، به دلیل درخواست و استقبال مخاطبان، بیشتر باشد. در اغلب شهرستان ها متأسفانه مکان های عرضه کتاب به منطقه خاصی محدود شده اند و پاتوق کتاب که به مفهوم خاص آن به معرفی کتاب و توجه به مخاطبان بپردازد نیز وجود نداشته باشد.»

سردبیر و مدیر سایت پاتوق کتاب، کارکرد اصلی این پاتوق ها را درگیری بیشتر افراد کتابخوان با موضوعات تالیفی، افزایش اطلاعات، تسلط بر محتوای اثر و آگاهی از انگیزه های نگارشی توصیف

متولی و مرتبط است.» سلیمانی بایشنهادهای کتاب در زمان ها و فضاهای غیر کتابی نظیر مطب ها، مجموعه های ورزشی، رستوران ها و... می گوید: «تمامی این مکان ها به صورت بالقوه توانایی تبدیل شدن به پاتوق کتاب را دارند. حتی از مکان های خصوصی اقتصادی که کارکردهای غیر فرهنگی دارند نیز می توان در راستای توسعه چنین افکاری استفاده کرد. گسترش و عمومی سازی این طرح نیازمند همکاری ناشران و دستگاه های دولتی با هدف انجام فعالیت های عام المنفعه است. مسوولان هر یک از مناطق با توجه به دامنه مشکلات گوناگونی که در هر منطقه متغیرند، می توانند کتاب هایی را حتی به رایگان در فضاهایی که بیشتر مورد استفاده اعضای جامعه قرار می گیرد، بگذارند تا از این تولیدات استفاده های مفیدتری شود.» مسوول امور رسانه ای سازمان تبلیغات اسلامی در پاسخ به این پرسش که آسیب های این پاتوق های فرهنگی را در چه می داند یا در صورتی که این فضاها به کارکردهای اصلی خود پایبند نباشند، چه اتفاقی می افتد می گوید: «این پاتوق ها آنقدر کم شمارند که مشکلی ایجاد نمی کنند. بیشترین توجه ما باید به پاتوق های غیر فرهنگی و تأثیرات مخربی که در ابعاد گوناگون فرهنگ ایجاد می کنند، معطوف شود.» پاتوق های کتاب در برخی از شهرستان ها نیز وجود دارند و گرمابخش حوزه مطالعه و کتابخوانی اند.

افزایش انگیزه مطالعه

محمد هادی نیا، مسوول دبیرخانه هماهنگی و نظارت بر کانون های فرهنگی هنری مساجد استان آذربایجان شرقی در این باره می گوید: «موسسات گوناگون فرهنگی و هنری در طول سال در این زمینه به ویژه در حوزه برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب در این استان فعالیت دارند. اغلب نهادهای دولتی و ناظر بر این مراکز در آذربایجان شرقی اند و برنامه های خود را در قالب های گوناگون با گردآوری دستاران کتاب و کتابخوانی برگزار می کنند.»

هادی نیا ویژگی اصلی این پاتوق های کتابخوانی را «حساس سازی» مخاطبان به مسائل روز اجتماعی و دیگر ابعادی می داند که شاید مطالعه کمتری در آن زمینه ها انجام شده است و می گوید: «این پاتوق ها انگیزه های مطالعه را در میان اقشار گوناگون جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان افزایش می دهند.»

مسوول دبیرخانه هماهنگی و نظارت بر کانون های فرهنگی هنری مساجد استان آذربایجان شرقی، تأثیر تبادل اندیشه و اطلاعات کتابی در ساختار فکری مخاطبان را از کارکردهای این پاتوق ها می داند و بیان می کند: «مسوولان برپایی این مراکز با انتخاب آثار مناسب می توانند گام های مثبت و موثری در راستای تعالی فکری جامعه بردارند و زمینه های تبادل فکری و فرهنگی آحاد جامعه با ایجاد سوال، انگیزش و تبلیغ میسر می شود.»

اغلب اعضای پاتوق های کتابخوانی نیز معتقدند شاید با نخستین حضور در این مجامع، نتوان ارتباط عمیقی با دیگر اعضا و موضوعات کتابخوانی ایجاد کرد، اما آشنایی با فضای کتاب و کتابخوانی و حوزه فکری دیگر خوانندگان کتاب، به تدریج باعث حضور فعال در بحث ها و اندوختن نکات مهمی می شود که از زبان افراد گوناگون با دیدگاه های متفاوت بیان می شوند.

انتشارات شورا

داستان انرژی هسته ای

مترجم: محمد تقی معاونیان

چاپ اول

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال / ۳۰۰۰۰

تلفن: ۰۹۱۲-۵۰۳۷۴۰۲

۴۴۴۴۵۹۳۹



با داوران جایزه ادبی جلال آل احمد

جلال؛ بهانه‌ای ناب برای نوشتن

تحریر در آورد که مطمئن است از جهاتی حرف‌هایی برای گفتن در جامعه دارد. دغدغه داشتن حرف و پیامی نو، باید یکی از انگیزه‌های اصلی هر نویسنده باشد. برگزاری جشنواره‌هایی نظیر جایزه ادبی جلال می‌تواند از جهاتی به غنی‌تر شدن تالیفات و ارائه الگوهای نوین نویسندگی کمک کند.

در این زمینه دکتر مریم حسینی، دیگر داور این جایزه و از متخصصان نقد ادبی و نویسندگان حوزه ادبی، درباره نوع و نحوه ارائه جایزه ادبی جلال آل احمد می‌گوید: «شاید یکی از نقاط ضعف این جشنواره جایزه بزرگی باشد که تنها به نفع اول سه رشته ادبی اهدا می‌شود. ممکن است آثاری که به مرحله نهایی می‌رسند، آثار خوب و قابل دریافت جایزه باشند، اما محدودیتی که در ارائه جایزه در نظر گرفته شده است، موجب شود آن اثر را با اختلافات جزئی کنار بگذارند.»

وی تقسیم شدن این جایزه بزرگ و اهدای آن به عده بیشتری از نفرات برگزیده را پیشنهاد می‌کند و این کار را عادلانه‌تر می‌داند.

حسینی می‌گوید: «با توجه به این که در طول سال جشنواره‌های گوناگونی نظیر کتاب سال، جایزه پروین اعتصامی و ... برگزار می‌شود، جایزه جلال که به شکل تخصصی در حوزه ادبیات و گونه‌های ادبی فعالیت دارد، می‌تواند زمینه‌های رشد و بالندگی ادبیات را به شکل تخصصی فراهم سازد.»

مدرس حوزه نقد ادبی، یکی از نقاط ضعف جایزه جلال را ضعف در ارسال آثار به خانه کتاب می‌داند و بیان می‌کند: «در تمامی جشنواره‌ها بسیاری از آثار به دبیرخانه نمی‌رسند و هرگز ارزیابی نمی‌شود. در این جشنواره نیز برخی از کارهای خوب ادبی به زمان داوری نمی‌رسند که این امر نشان‌دهنده لزوم توجه بیشتر در نحوه ارسال آثار است. این جشنواره‌ها به گونه‌ای باید اطلاع‌رسانی شوند که تمامی آثار به ویژه آثار قلمی معتبر و درخور شأن، به جشنواره برسند.»

حسینی معتقد است: «اگر یک نویسنده به طور ذاتی نویسنده باشد، همواره باید بنویسد و روزی که ننویسد، جزئی از زندگی‌اش به شمار نرود.» جایزه ادبی جلال آل احمد، نویسنده ادبی معاصر و خالق کتاب‌هایی چون «اورازان»، «نون و القلم»، «حسی در میقات»، «از رنجی که می‌بریم»، «در خدمت و خیانت روشنفکران»، «ملیر مدرسه»، «نفرین زمین»، «سرگذشت کندوها» و «غریب‌دگی» هر سال زمینه خلق آثاری را فراهم می‌کند که هر یک می‌توانند گوشه‌ای از ادبیات این سرزمین را غنا بخشدند.



«نخستین باری است که جشنواره‌ای با این پشتوانه و اعتبار مالی - ۱۱۰ سکه بهار آزادی برای نفرات اول و سه حوزه ادبی - برگزار می‌شود که این موضوع، مثبت و قابل توجه است.»

وی درباره تأثیری که اثر برگزیده این جشنواره می‌تواند در جامعه و در حوزه تالیفات داشته باشد، بیان می‌کند: «زمانی که کتابی به عنوان اثر برگزیده معرفی می‌شود، در مرکز توجه اهل قلم قرار می‌گیرد و نویسندگان جوانی که تازه در این مسیر گام نهاده‌اند، به تأسی و الگوبرگیزی از این آثار می‌پردازند، لذا این آثار باید تا حدی قوی باشند که انتظار تمامی افراد را برآورده سازند.»

نویسنده حوزه ادبیات، قائم به خود بودن، پرداختن به واقعیت و انتخاب درونمایه‌های قوی و غنی را از معیارهای آثار فاخر برمی‌شمارد و می‌گوید: «پیشنهاد می‌کنم تا زمانی که نویسنده‌ای حرفی برای گفتن ندارد، دست به قلم نبرد. یکی از مشکلات حوزه تالیفات، کتاب‌سازی است. تنها داشتن کتاب‌های متعدد، یک نویسنده را مشهور نمی‌سازد، بلکه داشتن چند اثر معروف که حرفی نو و توانایی تغییر در حوزه‌هایی را دارند، نویسنده را در سطح جهان معروف می‌کند.»

زنوزی جلالی با انتقاد از تکرار در پرداختن به موضوعات و محتوای کتاب‌ها اظهار می‌کند: «نویسنده باید سختگیر باشد و تنها اثری را به رشته

حوزه‌های ادبی، می‌تواند نویسندگان را به سوی غنی کردن این حوزه سوق دهد.»

دکتر اصغر قائدان، مدرس دانشگاه و از کارشناسان حوزه تاریخ‌نگاری و مستندنگاری، در این باره نگاه متفاوتی دارد. این داور جایزه ادبی جلال آل احمد با اشاره به این که سال گذشته نخستین دوره جایزه ادبی جلال برگزار شد می‌گوید: «هر اقدامی در ابتدای کار با نقایص و ضعف‌هایی مواجه است که در طول زمان و تداوم فعالیت مسئولان آن حوزه به حداقل خواهد رسید. از این میان می‌توان به دایره انتخاب اثر برتر اشاره کرد که بسیار محدود است و تنها سه نفر در سه حوزه متفاوت می‌توانند موفق به دریافت جایزه شوند.»

وی با بیان لزوم توسعه زمینه‌های مادی و معنوی تعداد برندگان جوایز عنوان می‌کند: «اکنون دایره انتخاب جایزه ویژه، بسیار محدود است و همواره این احتمال وجود دارد که درباره اثری کوتاهی شود و اثری که شایسته کسب چنین عنوانی نیست مورد توجه بیشتری قرار گیرد.»

قائدان با مثبت خواندن آینده و تأثیرات این جشنواره در حوزه‌های گوناگون ادبی متذکر می‌شود: «البته این موضوع نباید موجب شود که هر فردی که احساس می‌کند مطالبی در ذهن دارد، تصمیم به نوشتن بگیرد، با وجود این که یک نویسنده باید همواره بنویسد، اما علاوه بر محتوای ارزشمند و پرهیز از تکرار، نویسنده باید حرف‌های جدیدی برای مطرح کردن داشته باشد و مطالب ارزشمندی را به جامعه القا کند.»

مدرس تاریخ‌نگاری و مستندنگاری می‌افزاید: «نوشتن خوب است، اما قبل از نوشتن باید خوانند و تا حدی در این زمینه پیشرفت که دیگر مطلبی برای خواندن باقی نماند. نوشتن قبل از خواندن و کسب آگاهی، آفت نویسندگی است و زیننده اهل قلم نیست که بدون خواندن دست به قلم ببرند. درست است که می‌گویند افراد با نوشتن نویسنده می‌شوند، اما هر مطلبی را نباید نوشت. آگاهی از نحوه نوشتن، آرایه‌های ادبی و نگارشی در کنار توجه به محتوا، از ملزومات نویسندگی به شمار می‌رود و حضور در چنین عرصه‌هایی می‌تواند زمینه را برای خلق آثار بدیع که از تمامی جوانب تکمیل باشند، فراهم آورد.»

دیدگاه دیگری که درباره برگزاری جشنواره‌های گوناگون وجود دارد این است که برداشته شدن هر گامی را در این زمینه باید به فال نیک گرفت. فیروز زنوزی جلالی، از نویسندگان و صاحب‌نظران داستان‌نویسی و داور این جایزه که از معتقدان به این دیدگاه است، در این باره می‌گوید:

امسال، دومین سالی است که همزمان با روز تولد جلال آل احمد، نویسنده معاصر حوزه ادبیات، جایزه‌ای به نام او و در راستای ارتقای زبان و ادبیات ملی و دینی به پدید آوردن آثار برجسته و پیشرو اهدا می‌شود.

این جایزه در سه حوزه «داستان بلند و کوتاه»، «نقد ادبی»، «تاریخ‌نگاری و مستندنگاری» برگزار می‌شود و نفرات اول هر یک از رشته‌ها، نشان ادبی جلال آل احمد به علاوه ۱۱۰ سکه بهار آزادی هدیه می‌گیرند.

امسال در دومین دوره از جشنواره جایزه ادبی جلال آل احمد بیش از ۳۵۱۷ عنوان کتاب ارزیابی شدند که تعدادی از آنها با نظر داوران جایزه به مرحله نهایی راه یافتند و در نهایت نیز برترین‌ها مشخص شدند که دوشنبه هفته جاری در مراسمی معرفی خواهند شد.

این گزارش به گفت‌وگو با چند تن از داوران جایزه جلال آل احمد پرداخته و تا حدودی نقاط قوت و ضعف این جایزه ادبی از نگاه آنها به نقد کشیده شده است.

دکتر محمود بشیری، داور امسال جایزه جلال آل احمد و مدرس دانشگاه و از متخصصان حوزه داستان‌نویسی، ارتقا و اعتلای سطح آثار ادبی را از نتایج برگزاری چنین جشنواره‌هایی می‌داند و معتقد است: «اعطای جایزه ادبی جلال علاوه بر اثر تشویقی، تأثیر فراوانی بر افزایش کیفی تالیفات دارد و موجب تلاش بیشتر نویسندگان و حضور جدی آنها در این عرصه خواهد شد و البته این امر نیازمند تبلیغات گسترده و پرنرنگ‌تری درباره این جشنواره است.»

وی با انتقاد از نحوه فراخوان و اطلاع‌رسانی این جشنواره می‌گوید: «جامعه دانشگاهی ما از این رخداد آگاهی زیادی ندارند. دانشجویان و استادان فراوانی توانایی شرکت و کسب عنوان برتر در شاخه‌های گوناگون این جشنواره را دارند که متأسفانه به دلیل عدم اطلاع‌رسانی وسیع و گسترده، بسیاری از آنها در جریان زمان و شرایط شرکت در این جشنواره قرار نمی‌گیرند.»

بشیری پیشنهاد جهت دار شدن این جشنواره را ارائه می‌کند و می‌گوید: «این جشنواره به عنوان مثال می‌تواند از لحاظ موضوع یا عناصر داستانی به جای بررسی‌های کلی، به سمت و سوی خاصی سوق داده شود، اما بحثی که اکنون نسبت به ادبیات داستانی در جامعه مطرح است، ضعف نوع روایت داستانی است. با توجه به این که اصل داستان را راوی شکل می‌دهد، کمتر کتابی در این زمینه نوشته شده است. این جشنواره با توجه به خلأهای

آنچه بر جایزه جلال گذشت

جایزه ادبی جلال آل احمد امسال دومین دوره خودش را سپری می‌کند و موسسه خانه کتاب دوم آذرماه، مقارن با تولد جلال آل احمد، مراسم پایانی این جایزه را برای معرفی و تجلیل از برگزیدگان برپا خواهد کرد. هدف از اهدای این جایزه «ارتقای زبان و ادبیات ملی - دینی» از رهگذر بزرگداشت پدید آوردن آثار برجسته، بدیع و پیشرو است.

جایزه ادبی جلال آل احمد براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی سال ۱۳۸۵ بنا شده است. در این جایزه، کتاب‌هایی بررسی و داوری می‌شوند که برای نخستین بار در سال پیش تالیف و منتشر شده باشند و محورهای ارزیابی هیأت داوران نیز حوزه‌های «داستان بلند»، «داستان کوتاه»، «نقد ادبی»، «مستندنگاری» و «تاریخ‌نگاری» است. ارزش جوایز نفرات اول هر یک از رشته‌های این طرح، نشان ادبی

جلال آل احمد همراهِ ۱۱۰ سکه بهار آزادی است.

نخستین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، دوم آذر سال ۱۳۸۷ در تالار وحدت تهران با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس و جمعی از اهالی فرهنگ و قلم برگزار شد. این دوره از جایزه جلال برگزیده‌ای نداشت و تنها از چند اثر به عنوان «آثار شایسته» تقدیر شد.

در این دوره از مجموع آثار منتشر شده سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ بیش از ۳۵۱۷ عنوان کتاب ارزیابی شدند. از این میان ۳۴۴۱ عنوان که امتیاز لازم را برای راهیابی به مرحله دوم کسب نکردند، در مرحله اول حذف و بقیه، یعنی ۷۶ عنوان به مرحله دوم راه یافتند. در مجموع نیز پنج عنوان کتاب توسط داور سوم ارزیابی دوباره و شایسته تقدیر شناخته شدند. سال گذشته در حوزه داستان دو اثر به طور مشترک شایسته تقدیر شناخته شدند؛ مجموعه داستان کوتاه «ژدهاکشان» اثر

یوسف علیخانی از نشر نگاه و داستان بلند «قاعده بازی» اثر فیروز زنوزی جلالی از نشر علم.

در حوزه نقد ادبی نیز دو اثر به طور مشترک شایسته تقدیر شناخته شدند. «آیین آیین» کاری از حسینعلی قبادی با همکاری محمد بیرانوندی از انتشارات دانشگاه تربیت مدرس و «از اسطوره تا حماسه» به قلم سجاد آیدنلو از انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، آثار شایسته تقدیر بخش نقد ادبی بودند. همچنین کتاب «سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام» که کوشش جمعی از پژوهشگران موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در حوزه تاریخ‌نگاری و مستندنگاری شایسته تقدیر شناخته شد. سال گذشته به شایستگان تقدیر نخستین دوره لوح تقدیر، تدیس، نشان ادبی جایزه و ۲۵ سکه بهار آزادی تعلق گرفت.

مراسم پایانی دوره دوم جایزه ادبی «جلال آل احمد» دوشنبه دوم آذر، از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود و برگزیدگان خود را معرفی خواهد کرد.



گزارشی از نمایشگاه «یاد یار مهربان»

هفته‌ای خاطره انگیز با یار مهربان

هفتمین نمایشگاه «یاد یار مهربان» با حضور ۴۰۰ ناشر و ارائه ۵۰۰۰ عنوان کتاب برای چهار گروه کتابخانه‌های عمومی شهر تهران، مدارس، حوزه‌های علمیه تهران و خوابگاه‌های دانشجویی، امروز (شنبه) ۳۰ آبان ماه در حالی در بوستان «گفت و گو»ی تهران به کار خود پایان داد که با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد.

این نمایشگاه در هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با تلاش معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و توسط موسسه نشر شهر برپا شد.

در ششمین دوره، کتاب‌هایی با اعتباری بالغ بر ۱۵ میلیارد ریال اهدا شد و در پنج دوره گذشته نیز بیش از ۱۵۰ میلیارد ریال برای تجهیز مدارس به کتاب و لوازم ورزشی و وسایل کمک آموزشی هزینه شده بود.



مسعود شهرام‌نیا، مدیرعامل موسسه نشر شهر و دبیر نمایشگاه یاد یار مهربان، در این باره گفت: «اعتبار هفتمین دوره از این نمایشگاه‌ها بالغ بر ۲۵ میلیارد ریال بود که یک میلیارد آن از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأمین شد. همچنین حضور ناشران و تنوع آثار در این دوره بیشتر از سال‌های گذشته بود.»

وی ادامه داد: «در این دوره از نمایشگاه یاد یار مهربان که از ۲۳ آبان ماه آغاز شد ۱۷۲۵۰ عنوان کتاب به دبیرخانه نمایشگاه ارسال شد که از این تعداد ۱۵۰۹۱ عنوان ثبت و به تأیید رسید. ۳۴۱ ناشر نیز کتاب‌های منتشر شده‌شان از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۸۸ را برای ۲۲۰۳ مدرسه ابتدایی ۱۶۸۹ مدرسه راهنمایی و ۳۳۴۴ مدرسه در مقطع متوسطه به نمایش گذاشتند.»

دبیر نمایشگاه یاد یار مهربان اظهار داشت: «تعداد کتاب‌های کارشناسی شده در حوزه دین ۱۶۱۸، حوزه علوم اجتماعی ۴۲۹، علوم محض ۱۶۶ و علوم فلسفه و روان‌شناسی ۷۴۴ عنوان بود. علاوه بر این در حوزه‌های کلیات ۵۹۷، کودک و نوجوان ۳۷۲۱، علوم کاربردی ۱۰۳۸، زبان ۲۰۱، هنر ۴۰۹ و ادبیات ۳۳۰۱ و در حوزه‌های تربیت بدنی و ورزش، تاریخ و جغرافیا و همچنین کمک آموزشی به ترتیب ۱۸۴، ۶۹۶ و ۶۹۳ عنوان کتاب ارائه شد.»

نمایشگاه امسال دارای بخش‌های متنوعی بود که از جمله آنها می‌توان بخش‌های ناشران، جنبی و کتب متمرکز اشاره کرد.

به گفته شهرام‌نیا اگر چه مخاطب این نمایشگاه مدیران مدارس و حوزه‌های علمیه‌اند، اما بازدید عموم هم بسیار قابل توجه بود، او همچنین افزود: «کمترین اعتباری که برای خرید کتاب مدارس در نظر گرفته شد، دو میلیون ریال برای مدارس ابتدایی بود و کتاب‌های خریداری شده، بسته‌بندی و به واحد آموزشی‌های آنها فرستاده شدند.»

وی با اشاره به این که چند سالی است مجموعه شهرداری، کتاب را به عنوان تداعی گر «یاد یار مهربان» می‌داند می‌گوید: «با توجه به کمک‌های پراهمیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تهیه کتاب در این نمایشگاه و رایزنی‌های مختلف با مسؤولان معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اهداف مهم این نمایشگاه در سال‌های اخیر تقویت شده‌اند.»

با توجه به این که آمار سرانه کتابخوانی در

کشورهای پیشرفته بسیار بیشتر از کشور ما است، این آمار از سوی وزارت آموزش و پرورش ایران قبل از برگزاری نمایشگاه‌های کتاب تنها سه جلد کتاب بود. همچنین قبل از این نمایشگاه سرانه کتابخوانی در میان دانش‌آموزان ۷/۵ جلد بود. بنابراین این نمایشگاه‌ها تأثیر بسیار زیادی بر سرانه مطالعه در کشور خواهد گذاشت.»

شهرام‌نیا بیان این که وزارت آموزش و پرورش به این نمایشگاه کمک مالی نکرده و تنها جنبه اطلاع‌رسانی به مدارس و نظارت را عهده‌دار بود عنوان کرد: «البته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این باره نقش به‌سزایی داشته‌است. این وزارتخانه در مراحل تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و تبلیغات حضور فعال داشت و همچنین از افتتاحیه تا اختتامیه نمایشگاه حضور نظارتی‌اش را در بخش‌های مختلف حفظ کرد.»

یکی از ویژگی‌های مهم نمایشگاه یاد یار مهربان امسال، آزاد بودن بازدید از بخش‌های مختلف نمایشگاه برای عموم مردم و حضور فعال تر بخش‌های مختلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نظیر معاونت فرهنگی و موسسه خانه کتاب و همچنین فرهنگسراها، شهر سالم و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران بود.

مراسم افتتاحیه این نمایشگاه نیز با حضور شهردار تهران و مشارکت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت.

مسعود سریع‌القلم، معاون فرهنگی نشر شهر و رئیس کمیته اطلاع‌رسانی و تبلیغات هفتمین

نمایشگاه یاد یار مهربان در این باره به کتاب هفته گفت: «نقش معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این دوره از نمایشگاه‌ها به وضوح مشخص بود و ما در تمامی جلسات سیاست‌گذاری در ارتباط با یکدیگر بوده‌ایم. کارشناسان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان فرهنگی هنری شهرداری و وزارت آموزش و پرورش هم فعالیت‌های گسترده‌ای در بخش‌های مختلف داشتند.»

وی با اشاره به این که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نخستین مرتبه‌ای نیست که با مجموعه سازمان فرهنگی، هنری شهرداری همکاری می‌کند توضیح داد: «پیش از این نمایشگاه نیز در استان فارس نمایشگاهی با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد که البته این نوعی رابطه دوسویه است.»

سریع‌القلم درباره دیگر فعالیت‌هایی که در این دوره از نمایشگاه انجام داده شد، این گونه توضیح داد: «از سال گذشته و قبل از برپایی نمایشگاه یاد یار مهربان عناوین کتاب‌ها را به مدارس فرستادیم تا برای همه مسؤولان مدارس قابل دسترسی باشد و آنها برای خرید تصمیم‌گیری کنند و به مشکل تنوع و تعداد کتاب‌ها در نمایشگاه برنخورند.»

به گفته وی، همچنین بخش نمایشگاه کتب موضوعی، یکی از بخش‌های جدیدی است که امسال در نمایشگاه تعبیه شد و مسؤولان و مدیرانی که فرصت کافی برای بازدید کامل از نمایشگاه را نداشتند، با مراجعه به این بخش با بیشتر کتاب‌ها و سرفصل‌های آثارشان آشنا شدند و توانستند آثار مورد نظرشان را تهیه کنند.

وی در پایان یادآور شد: «بازدید کنندگان همچنین توانستند پیش از ورود به بخش اهدایی، به بخش جنبی مراجعه کنند و از تمام برنامه‌های مناطق سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران و فرهنگسراها مطلع شوند و امکان تعامل با این مراکز را ایجاد کنند. همچنین ۴۰ شرکت معتبر که محصولات و تولیداتشان را برای مدارس تولید کرده‌اند، در این بخش حضور یافتند و تمهیداتی برای مراجعه کنندگان از مدارس در این نمایشگاه ایجاد شد که علاوه بر پذیرایی هدایایی هم دریافت کنند.»

در دوره گذشته میزان استقبال مردم از این نمایشگاه خوب بود که در این دوره تا حد زیادی افزایش یافت. در میان سایر شرکت‌کنندگان نظیر حوزه‌های علمیه و کتابخانه‌ها نیز هر سال شاهد افزایش مشارکتیم. امسال علاوه بر شهرداری‌های مناطق شهر تهران، از چند شهردار کلانشهرهای مختلف دعوت به عمل آمد و سفرای کشورهای عضو اکو و همسایه نیز در این نمایشگاه حضور داشتند.

در نمایشگاه امسال براساس آمار استقبال قابل توجه‌ای از این نمایشگاه شد؛ به طور مثال میزان فروش کتاب تا روز چهارم نمایشگاه یاد یار مهربان، در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان ۲۲۸۳۳ عنوان (بالاترین میزان) بود و سپس آثار کمک آموزشی با ۱۰۸۷۲ و به ترتیب کتاب‌های ادبیات با ۱۰۰۷۳، دین با ۶۰۹۸، علوم کاربردی با ۵۶۶۳، فلسفه و روان‌شناسی با ۳۳۵۳، تاریخ و جغرافیا با ۲۳۷۱، کلیات با ۲۲۵۱، هنر با ۲۱۲۹، علوم اجتماعی با ۱۴۴۲، علوم محض با ۱۱۹۵، نرم‌افزار با ۵۸۸، تربیت بدنی و ورزش با ۵۳۸ و زبان با ۴۶۵ عنوان در رتبه‌های بعدی قرار داشتند.

در بخش ناشران نمایشگاه یاد یار مهربان، غرفه‌های مختلفی از جمله گلستان کتاب، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، اندیشه عصر فارابی، ابوعطا، انصار، ایران باستان و بامداد کتاب در سالن شماره یک و ناشرانی نظیر تیمورزاده، هنرکنده، پیک فرهنگ، فرهنگ سبز، تندیس، دایره و دانش پژوهان جوان، گاج، قدیانی، گل‌واژه، مرسل کاشان، مهاجر و نور قرآن و اهل بیت در سالن شماره ۲ حضور داشتند.

عباس جهانگیر، مسؤول انتشارات بین‌المللی حافظ در این نمایشگاه گفت: «امسال با ۱۵۰ عنوان کتاب هنر و صنایع دستی در نمایشگاه حضور پیدا کردیم که ۹۰ درصد این کتاب‌های چاپ امسال بودند و استقبال خوبی هم از آنها شد.»

الهام فاضلی، مسؤول بخش آزمون‌های انتشارات گاج هم گفت: «امسال این انتشارات با بخش‌هایی از جمله ارائه رایانه همراه، آزمون‌های سراسری، مجلات و کتاب در نمایشگاه حضور یافت. بخش آزمون‌ها هم ویژه ثبت‌نام علاقه‌مندان بود که با استقبالی خوبی روبه‌رو شد و با تخفیفات ویژه متقاضیان همراه بود.»

علی اردوخانی، مسؤول غرفه اندیشمند نیز درباره آثار ارائه شده این انتشارات گفت: «این انتشارات آثارش را در دو بخش کتاب‌های پیشرفت تحصیلی تیزهوشان در معرض نمایش قرار داد. آثار پیشرفت تحصیلی ویژه آموزشگاه‌هایی‌اند که مجوز آموزش و پرورش را دریافت کرده‌اند و برای دانش‌آموزان متوسطه به بالا در هر پایه تحصیلی پنج کتاب تهیه شده‌اند.»

وی ادامه داد: «آثار تیزهوشان شامل کتاب‌های سنگین‌تری هستند که برای مقاطع ابتدایی و راهنمایی در نظر گرفته شده‌است و این غرفه نیز در ایام نمایشگاه به معرفی این کتاب‌ها پرداخت.»

سارا عسگری، مسؤول غرفه بامداد کتاب، ناشر تخصصی کتاب‌های ورزشی نیز گفت: «۱۱۴ عنوان کتاب تربیت بدنی در این نمایشگاه ارائه شد که البته بیشتر کتاب‌های عمومی این انتشارات مورد استقبال مردم خوب قرار گرفت.»



سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند. در نشست هایی که طی چند روز اخیر در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های ادبیات داستانی در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو پرداختند.

از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

مقایسه سهراب سپهری با نویسندگان پاریسی

روان شناسانه اند که به روابط انسانی می پردازند و این کتاب هم کاملا در این گونه ادبی می گنجد. داستان مدرن، داستان فردیت است. این مجموعه هم داستان انسان مدرن و بحران انسان امروزی است. با تاکید می گویم انسان، چون این اثر انسان را در موقعیت های مختلف نشان می دهد.

نگاه کتاب خیلی وقت ها نگاهی زنانه است، با همان ظرافت های زنانه و با همان بافت مینیاتوری و جزئی نگری که در همه چیز هست؛ احساسات هم همچنین، اما در مجموع ۱۲ داستان کتاب، از دیدگاه روان شناسی، ۹ راوی اول شخص اند و سه راوی دانای کل که محدود به ذهن می شوند، گاهی اوقات محدود به ذهن مرد و گاهی اوقات محدود به ذهن زن. از نظر روایت، این راوی کاملا مساوی بین زن و مرد تقسیم شده و این نقطه قوت کتاب است.

نویسندگان فرانسوی و زنان این کشور آغازگر نگاه های فمینیستی بودند، اما ما در این اثر نگاه فمینیستی نمی بینیم. به نظر می رسد کار این نویسنده فرانسوی است و بیش از این که مابین این کتاب را اثری برای پرداختن به مسائل زنان بدانیم، باید بگویم این داستان ها نشان دادن انسان در جهان مدرن و درگیری های موجود است.

داستان های کتاب «دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد» هم داستان هایی «شهری» اند. شهرنشینی، قوانین و روابط شهری و تمام چیزهایی را که به عنوان اسلوب زندگی مدرن در شهر وجود دارد در این اثر می بینیم. همچنین به صورت خاص تر در این اثر زن اروپایی امروزی دیده می شود و حتی اگر دقیق تر نگاه کنیم زن و مرد پاریسی را می بینیم. کتاب در لایه های آغازین بسیار ساده خوان است و کتاب راحتی است که به سرعت می توان خواند و کنار گذاشت، اما وقتی به آن دقیق تر نگاه کنیم، مهم ترین مساله اش این است که نویسنده خیلی دقیق به اطراف خود، آدم ها و روابط نگاه کرده است و به خوبی حس ها را از هم تشخیص می دهد.

نخستین فعالیت های ادبی آناگولدا سال ۱۹۹۹ با انتشار مجموعه داستان «دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد» آغاز شد. این کتاب در فرانسه با استقبال روبه رو و تاکنون به ۱۹ زبان ترجمه شده است. این نویسنده پس از موفقیت نخستین کتابش، چند رمان و مجموعه داستان دیگر نیز نوشت و به نظر می رسد ادبیات را به عنوان حرفه اصلی خود برگزیده است.



برنامه های این هفته سرای اهل قلم

برنامه های این هفته سرای اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. امروز، شنبه، سی ام آبان ماه، نشست «سعیدی شناسی» با حضور دکتر مظاهر مصفا، دکتر حسن انوری و دکتر نیما تجریر برگزار می شود. نشست بعدی سرای اهل قلم سه شنبه است که به نقد کتاب «بصیرت سایه» نوشته رضا صفریان با حضور نویسنده اثر، دکتر پرویز عباسی داکانی و احسان عباسلو اختصاص دارد. آخرین نشست این هفته نیز چهارشنبه به نقد کتاب «شبهه های تغییر رفتار» اختصاص دارد که با حضور دکتر مرتضی نوربخش، پروانه برزیده و محمود میرسلیمی برگزار می شود. تمامی نشست های این هفته از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ در محل دائمی سرای اهل قلم واقع در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر شماره ۲ برگزار می شود و حضور در این برنامه ها برای عموم آزاد است.

برقرار می کنند و کسانی که آثار این نویسنده را دوست دارند، اتفاقا فقط خانم ها نیستند.

مهناز رونقی: یکی از جریان های مهم ادبیات معاصر فرانسه، زنان داستان نویس اند که در میان آنها آناگولدا از جوانان موفق محسوب می شود و آثارش با اقبال زیادی روبه رو شده اند. کتاب «دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد» به ۱۹ زبان ترجمه شده است. اثر آناگولدا از نظر توجه نویسنده به لایه های روان شناسی و توجه به ارتباطات انسانی قابل توجه است. البته من فکر می کنم این مجموعه داستان، یک اثر واقع گرای مدرن است و این آثار اصولا داستان هایی

بسیار استفاده شده است. برای همین این اثر از مرزهای یک کشور فراتر می رود. منظوری از عناصر فرازبانی، دانش جهانی است، دانشی که ما انسان ها در زندگی در جهان داریم و به نوعی در همه جا مشترکند، مثل دردها، غم ها و شادی ها. این عناصر در کار آناگولدا بسیار زیادند. برای همین آثارش به زبان های مختلف ترجمه و از آنها استقبال شده است. گاهی کار برخی نویسندگان به کشور خودشان محدود می شود، اما استفاده از عناصر مشترک در میان آدمیان، کار نویسنده را جهانی می کند. می بینم که خوانندگان در سن های مختلف با اثر ارتباط

مقایسه سهراب سپهری با آناگولدا

مجموعه داستان «دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد» اثر آناگولدا، نویسنده فرانسوی، در سرای اهل قلم با حضور الهام دارچینیان، مترجم این مجموعه داستان و احسان عباسلو و مهناز رونقی نقد و بررسی شد.

احسان عباسلو، دبیر جلسه: آناگولدا سال ۱۹۷۰ از خانواده ای مرفه در حومه پاریس متولد می شود. وی ابتدا معلم بود و این نخستین مجموعه داستان اوست که بسیار موفق بود چند جایزه برد و به زبان های مختلفی ترجمه شد. سبک آناگولدا موضوع و مضامین داستان های او به گونه ای است که بیشتر خانم ها را مجذوب می کند. با این که نویسنده زن است، برخی از راوی های داستان ها او را مردها تشکیل می دهند. یعنی نویسنده خود را جای مرد می گذارد، ولی با این حال هنوز انگار جذابیت مضمونی و موضوعی برای خانم هاست.

او در زندگی زناشویی با شکست روبه رو می شود و این کتاب به نوعی خاطره خودش است.

الهام دارچینیان، مترجم: در نقدهایی که بر این اثر نوشته شده، گفته می شود که خواندن کارهای آناگولدا آسان است، اما به باور من چیزی که ساده است، تنها پوسته کار به حساب می آید. یعنی آن ملات و گزاره غیر زبانی بسیار پرورده شده است و هنر آناگولدا در گذراندن این مفاهیم از صافی های زبان است.

ساده بودن زبان آناگولدا را با ساده بودن فکری که در پشت آن است نباید یکی دانست. این سخت تر است که نویسنده ای یک ذهنیت فکر شده و پرورده را بتواند به سادگی به خواننده نشان دهد. من این نویسنده را گاهی با سهراب سپهری مقایسه می کنم. گاهی شعرهای سهراب را می خوانیم و با خود می گوئیم؛ چقدر ساده بود. اصلا چیزی نگفته بود، اما دو ساعت بعد به فکر فرو می رویم که خوب؛ این چه بود؟ خوب بودن این اثر، به خاطر ساده بودن آن نیست، بلکه برای این است که آناگولدا توانسته اندیشه ای وسیع را ساده بنویسد.

من هم سعی کردم در ترجمه تا جایی که در توانم است، از گزاره ها شروع کنم و به پاره گفتارها برسم، تا جایی که پاره گفتار زبان فارسی در ترجمه این اثر هم شبیه به زبان فرانسه و نسخه اصلی اثر شود. عناصر فرازبانی در نحوه کدگذاری زبانی آناگولدا

مردی از روزگار امروز انسان

نشست نقد کتاب «پرتره مرد ناتمام» نوشته امیرحسین یزدان بد، با حضور مهدی کاموس، هادی نودهی و نویسنده کتاب در سرای اهل قلم برپا شد.

مهدی کاموس؛ یکی از ویژگی های جهان داستانی یزدان بد، توجه به ایرانی بودن و مطرح کردن نوعی جامعه شناسی از روزگار امروز انسان معاصر ایرانی است. نوعی تقدیرگرایی در این آثار دیده می شود؛ آدم های داستان های او گاهی شدیداً عاطفی یا مذهبی اند؛ این در حالی است که در گروهی از آنان با این وجود، تمایلات روشنفکری دیده می شود. فرنگی و ایرانی بودن در این کتاب نمایانگر دو دیدگاه است. این داستان ها همچنین نوعی استبدادزدگی تاریخی را پدک می کشند یا می خواهند از آن فرار کنند.

داستان های این مجموعه با کمترین مایه های جذب مخاطب عام حرفشان را می زنند؛ ولی چون درباره ما و جامعه ایرانی حرف می زنند، مخاطب را جذب می کنند. ضمن آن که راحت خوان بودن و روایت صریح داستان ها بخشی دیگر از دلایل جذب خواننده این کتاب است. این کتاب درباره هویت انسان ایرانی صحبت می کند که بین شرق و

گذراندن تجربه های متعدد است و می خواهد همه راه هایی را که در ذهن دارد، امتحان کند.

این مجموعه درباره مهرداد ناصری، شخصیت مشترک همه داستان های یزدان بد است و داستان ها با تاثیر این شخصیت در جهان پیرامونش دنبال می شوند. در حقیقت این کتاب ما را با بخش های مختلف زندگی مهرداد ناصری آشنا می کند.

درباره داستان «دادزن» باید گفت که ما می توانیم داستان «دادزن» را داستانی مجزا بدانیم که ناصری در آن حضور کم رنگی دارد و شاهدی است بر اتفاقاتی که در داستان در حال رخ دادن است. یا در داستان «برای ماریسای رذل عزیز» با بخشی از زندگی دانشجویی مهرداد ناصری مواجهیم و به گونه ای با گذشته او آشنا می شویم.

آنچه ما را به ذهنیت یزدان بد نزدیک می کند، این است که او به نوعی تفکر فلسفی علاقه مند است و با این تفکر به خلق شخصیت مهرداد ناصری دست زده؛ ضمن آن که با رگه هایی از این تفکر، موضوع تقدیر و اتفاق در وقایع این کتاب به هم مرتبط شده اند.

مجموعه داستان «پرتره مرد ناتمام» نوشته امیرحسین یزدان بد، تابستان امسال از سوی نشر «چشمه» به بازار کتاب آمد.



غرب و فلسفه وجودی دنیایش سردرگم است و هنوز دارد مسائل فلسفی خودش را تحلیل می کند.

هادی نودهی، منتقد؛ یزدان بد در این کار نشان داده که در حال از سر



هشتمین نمایشگاه کتاب استانی در شیراز برگزار شد

جشن کتاب در دیار حافظ و سعدی

در دومین روز از هفدهمین دوره هفته کتاب، یکی از بزرگ ترین نمایشگاه های استانی کتاب در شیراز برگزار شد.

امسال شیرازی ها برای هشتمین بار و چهارمین سال متوالی پذیرای بالغ بر هزار ناشر شدند تا جشن کتاب و کتابخوانی و هفته کتاب در این شهر، حال و هوای دیگری پیدا کند، چرا که برگزاری هر ساله نمایشگاه در این استان جایگاه ویژه ای پیدا کرده و به نوعی تبدیل به یکی از فعالیت های ثابت استان شده است و با توجه به همین موضوع، نمایشگاه از نخستین روز برگزاری با استقبال گسترده ای مواجه و حضور مردم طی روزهای برپایی این رویداد، بیشتر و بیشتر شد.

نکته جالب توجه درباره نمایشگاه کتاب امسال استان فارس، افزایش فضای محل دائمی نمایشگاه های استان است و همین اتفاق باعث شد تا تعداد ناشران شرکت کننده در نمایشگاه کتاب امسال شیراز آنقدر افزایش یابد تا این نمایشگاه و نمایشگاه کتاب تبریز به عنوان دو نمایشگاه بزرگ کتاب در سراسر کشور، پس از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران شناخته شوند.

در نمایشگاه کتاب امسال استان فارس ۶۵۰ غرفه برای حضور بالغ بر هزار ناشر در سالن های ملاصدرا، نرگس، سرو، بهار و حافظ راه اندازی شد. هر یک از این سالن ها به حوزه خاصی از ناشران اختصاص یافت تا مراجعان به نمایشگاه براساس علاقه مندی خودشان به همان سالن مراجعه کنند. سالن بهار به ناشران کودکان، سالن نرگس به ناشران کتاب های کمک درسی، سالن سرو به ناشران دانشگاهی، سالن ملاصدرا به ناشران مذهبی و سالن حافظ که همزمان با افتتاح نمایشگاه کتاب راه اندازی شد و بزرگ ترین سالن نیز بود، به ناشران کتاب های عمومی اختصاص یافت تا در این بخش از نمایشگاه، شاهد حضور اغلب ناشران مطرح کشور باشیم.

نمایشگاه کتاب شیراز از بیست و چهارم آبان، دومین روز هفته کتاب، فعالیت خود را آغاز کرد. البته مراسم افتتاحیه این نمایشگاه با حضور دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد رضی حدائق، معاون سیاسی امنیتی استانداری فارس، احسان الله حجتی، مدیر عامل موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران و برخی دیگر از مسؤولان استان و همچنین تعدادی از چهره های فرهنگی و هنری استان برگزار شد.

اجرای برنامه های فرهنگی، بدون توقف

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم به اشاره به استقبال گسترده مردم استان، از نمایشگاه کتاب سال گذشته، اظهار داشت: «چنین استقبالی از کتاب و کتابخوانی نشان می دهد اگر مسؤولان فرهنگی کارشان را به خوبی انجام دهند، مردم به مطالعه و حضور در مراکز فرهنگی علاقه مندند.» وی در ادامه، به برگزاری نمایشگاه کتاب «یاد یار مهربان» با هدف تجهیز کتابخانه های مدارس در استان اشاره کرد و گفت: «این امیدواری وجود دارد که با برگزاری مجدد چنین نمایشگاهی در شیراز، مسأله کتابخوانی نهادینه شود.»

دکتر پرویز در بخش دیگری از سخنانش گفت: «انتظار داریم بعد از برگزاری نمایشگاه یاد یار مهربان در استان فارس، این نمایشگاه را در استان های قم و قزوین هم برگزار کنیم تا بتواند در طولانی مدت به نهادینه شدن و گسترش فرهنگ کتابخوانی کمک



که رویکرد سفرهای استانی، فرهنگی خواهد بود و این می تواند امکان توجه بیشتر به حوزه فرهنگ و کتابخوانی را در جامعه ما فراهم آورد. از سویی به انسجام و قوت فعالیت های فرهنگی در سراسر کشور کمک کند.»

پس از سخنرانی دکتر پرویز، طبیعی و حدائق در مراسم افتتاحیه هشتمین نمایشگاه کتاب شیراز، فعالیت این دوره از نمایشگاه کتاب استانی فارس طی مراسمی آغاز و همزمان سالن حافظ، محل دائمی نمایشگاه های استان نیز افتتاح شد.

جشن کتاب در شیراز

استان فارس و مردم شیراز در هفته کتاب امسال برای هشتمین بار پذیرای ناشران سراسر کشور شدند که از این تعداد نمایشگاه چهار نمایشگاه آخر به صورت متوالی برگزار شد و سه نمایشگاه در آبان ماه و مصادف با ایام هفته کتاب شکل گرفت تا به نوعی در این زمان مردم شیراز و دیگر شهرستان های استان در انتظار برپایی نمایشگاهی دیگر باشند.

استان فارس پس از استان سیستان و بلوچستان که یازده مرتبه و استان کهگیلویه و بویر احمد که ۹ مرتبه مردمانشان پذیرای جشن کتاب شده اند، در رده سوم قرار دارد.

اگر چه برگزاری این تعداد نمایشگاه در شیراز و راه اندازی چهار دوره متوالی می تواند ویژگی قابل توجهی باشد، اما خصوصیت مهمی که در نمایشگاه کتاب شیراز بیش از دیگر موارد به چشم می آید، وسعت فضای موجود برای برگزاری نمایشگاه و علاقه مندی اغلب ناشران کشور به حضور در این نمایشگاه بود. نکته دیگر، استقبال بسیار گسترده مردم استان و به اعتقاد برخی از مسؤولان، حضور علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی، از استان های همجوار در نمایشگاه کتاب شیراز بود. دیگر این که نمایشگاه کتاب شیراز که طی سال های اخیر به نوعی متمایز با دیگر نمایشگاه ها بوده، این بار نیز با برنامه های متعدد و متنوع جنبی همراه بود.

برای برگزار کنندگان جایگاه ویژه و خاصی وجود داشت به صورتی که برای شکل گیری ده ها برنامه تخصصی در حوزه های کتاب، کتابخوانی، ادبیات، فرهنگ و ... برنامه ریزی شده بود و برای برگزاری این نشست ها از چهره های مطرح استان و کشور دعوت به عمل آمده بود که از جمله آنها می توان به برگزاری نشست با حضور عرفان نظر آهاری، داوود امیریان و اکبر صحرییان اشاره کرد.

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم افتتاحیه یکصد و پنجاه و دومین نمایشگاه کتاب استانی، به برگزاری برنامه های هفته کتاب اشاره کرد و گفت: «امسال هفته کتاب را در شرایطی آغاز کردیم که چند ماهی از سال، حول و حوش انتخابات و پس از آن تغییر و تحولات ناشی از استقرار دولت جدید سپری شد که با توجه به فرصت هایی که از دست رفت، انتظار نمی رفت هفته کتاب با این قوت برگزار شود اما خوشبختانه این طور نیست.»

وی افزود: «ما بلافاصله پس از پایان یافتن هفته کتاب سال گذشته، طی جلساتی با حضور بیش از ۴۴ نهاد دولتی و غیردولتی پیگیر هر چه باشکوه تر برگزار شدن هفته کتاب شدیم و امسال توانستیم ۴۵۰ عنوان برنامه مختلف را طراحی و در طول هفته کتاب برگزار کنیم که از جمله آنها برگزاری ۶۰ نمایشگاه تازه های کتاب در ۶۰ دانشگاه با هزینه ای بالغ بر ۶۵۰ میلیون تومان است که کتاب های باقیمانده پس از پایان نمایشگاه به دانشگاه ها اهدا می شود.»

دکتر پرویز در ادامه گفت: «همچنین امسال برای نخستین بار در ۲۰ کشور توسط رایزنی های فرهنگی و حمایت معاونت امور فرهنگی، ۲۰ نمایشگاه برگزار خواهد شد که این برنامه ها نشان می دهد با وجود التهابی که بود، همکاران ما کار را مسمکوت نگذاشتند. اکنون هیچ نمایشگاه استانی تعطیل نشده بلکه کارها با قوت بیشتری دنبال شده است و این اتفاق در حوزه فرهنگ می تواند الگویی برای سایر حوزه ها باشد.»

وی در پایان سخنانش متذکر شد: «باید بیاموزیم که با تغییر و تحولات مدیریتی، کارها متوقف نشوند. ممکن است مسؤولی جابه جا شود، اما دلیلی ندارد زیرمجموعه ها کارشان را انجام ندهند به همین دلیل امیدواریم این الگو در سایر حوزه ها هم تسری پیدا کند.»

در این مراسم، منصور طبیعی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، با اشاره به افزایش فضای برگزاری نمایشگاه کتاب، گفت: «در این نمایشگاه نزدیک به ۶۰۰ میلیون تومان بن کتاب توزیع می شود و ۳۰۰ نفر مسؤولیت اجرایی کارهای نمایشگاه را برعهده دارند.»

محمد رضی حدائق، معاون سیاسی امنیتی استانداری فارس نیز برگزاری نمایشگاه استانی کتاب را سبب رونق گرفتن کتابخوانی دانست و اظهار کرد: «دولت دهم در آغاز سفرهای استانی اعلام کرد

علاوه بر این نشست ها که توسط بخش فعالیت های جنبی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان راه اندازی شد، موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران نیز با دایر کردن فضایی از سه شاعر مطرح کشور به نام های محمد علی بهمنی، پروانه نجاتی و غلامرضا کافی دعوت کرد و با حضور آنها و علاقه مندان به حوزه شعر و ادبیات، سه نشست تخصصی شعر و شعرخوانی برگزار شد.

علاوه بر اجرای برنامه متنوع و مختلف جنبی در نمایشگاه کتاب شیراز، غرفه های مختلفی در سالن های نمایشگاه و فضای باز آن راه اندازی شدند که مورد توجه بازدید کنندگان قرار گرفتند.

یکی از این غرفه ها به بنیاد ادبیات داستانی ایران اختصاص داشت. در این محل ضمن برگزاری نشست هایی صمیمانه با حضور نویسندگان استان، فعالیت های بنیاد نیز معرفی شدند.

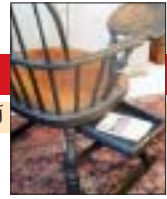
غرفه های کتابخانه ملی شیراز، بنیاد فارس شناسی، غرفه مطبوعات و روزنامه های استان نیز در نمایشگاه مورد توجه بازدید کنندگان واقع شد. در این میان برخی از غرفه ها و فعالیت های وابسته بیش از دیگران با استقبال مواجه شد که از جمله آنها غرفه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود. در این غرفه، خردسالانی که همراه خانواده به نمایشگاه آمدند، فرصت یافتند علاوه بر انجام نقاشی و ساخت کار دستی، در جلسات قصه گویی نیز شرکت کنند.

در این نمایشگاه علاوه بر اجرای برنامه مختلف جنبی، خدمات متعدد نمایشگاه نیز ارائه شد تا رضایت مراجعان به نمایشگاه بیش از پیش جلب شود.

از جمله این خدمات امکانات ایاب و ذهاب به نمایشگاه از چند نقطه مرکزی شهر، افزایش باجه های فروش بن خرید کتاب، اطلاع رسانی درباره ناشران و کتاب های موجود، امکان خرید کتاب توسط کارت های الکترونیکی و ... بود.

البته هشتمین نمایشگاه کتاب شیراز با حواشی جالب توجهی نیز همراه بود که یکی از آنها برگزاری همزمان نمایشگاه و جشنواره زوج خوشبخت ایرانی در یکی دیگر از سالن های محل دائمی نمایشگاه های استان بود. حضور دانش آموزان و دانشجویان به صورت گروهی در نمایشگاه، بازدید خانواده ها حتی در آخرین ساعات کار نمایشگاه، پیش بینی حضور یک و نیم میلیون نفر بازدید کننده در نمایشگاه امسال، برگزاری مسابقات فرهنگی، پخش برنامه زنده رادیویی برای نخستین بار با عنوان «ایوان آینه» از محل نمایشگاه، فروش کتاب با تخفیف ۴۰ درصدی و افزایش ۱۸۰ غرفه نسبت به نمایشگاه سال قبل، از دیگر ویژگی های نمایشگاه امسال شیراز بودند.

همچنین حضور اغلب چهره های مطرح استان در حوزه های اجرایی و فرهنگی در محل نمایشگاه طی هفت روز برگزاری نمایشگاه نیز قابل توجه بود. در مراسم افتتاحیه نیز سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در یونسکو در نمایشگاه حضور داشت. محمد رضا مجیدی در گفت و گو با خبرنگاران ضمن اشاره به این مطلب که برگزاری چنین نمایشگاه های بزرگی اهمیت کار و تلاش در عرصه فرهنگ کشور و استان را نشان می دهد، گفت: «یونسکو به عنوان نهاد تخصصی ملل متحد، توجه به کتاب و کتابخوانی را در اولویت این سازمان قرار داده و از هر نوع حرکت در این زمینه که ارتقای فرهنگی عمومی کتابخوانی را دنبال داشته باشد، استقبال می کند و کشورمان نیز در این زمینه همکاری گسترده ای را با یونسکو دارد.»



آناهید خزیر

نقد ادبی یکی از شاخه‌های ادبیات است که می‌تواند به بالندگی آن کمک فراوان کند. این موضوع دستمایه گفت‌وگو با استاد علی محمد هنر قرار گرفته است. زبان‌شناس پیشکسوت ۴ آبان ماه ۱۳۲۱ در شیراز زاده شد. دوره ابتدایی و متوسطه را در شیراز و تحصیلات دانشگاهی را در رشته ادبیات فارسی در تهران ادامه داد. وی تقریباً از همه استادان معاصر، مستقیم و غیرمستقیم بهره برده است که از آن میان می‌توان از مجتبی مینوی و دکتر پرویز نائل خانلری نام برد. وی ترجیح می‌دهد که بیشتر بخواند، کمتر بنویسد و کمتر از آن چاپ کند. تخصص اصلی استاد هنر، ادبیات فارسی است ولی معتقد است «در زمانی زندگی می‌کنیم که تنها نمی‌توانیم به ادبیات تکیه کنیم». این مساله، انگیزه اصلی وی برای یادگیری زبان‌شناسی است. این محقق، زبان‌شناسی را بسیار مهم می‌داند زیرا نه تنها در ادبیات بلکه در رشته‌های دیگر نیز نفوذ کرده است. «یادداشت‌های سندبادنامه»، «سایه‌های خیال»، «داعیه‌داران»، «نقدی بر کتاب طلیعه تجدد در شعر فارسی» و... از جمله کتاب‌های اوست. از استاد هنر مقالات و یادداشت‌های بسیاری در مجلات معتبر ایران چاپ و منتشر شده‌اند. این گفت‌وگو به بهانه انتخاب وی به عنوان پیشکسوت برگزیده ششمین دوره جشنواره نقد کتاب با او انجام شده است.

علی محمد هنر؛ برگزیده ششمین دوره جشنواره نقد کتاب

نقد ادبی در ایران سابقه‌ای طولانی ندارد

باشد، تا چندین ماه دیگر جلد دوم «مسائل پاریسیه» چاپ و منتشر خواهد شد. جلد سوم نیز از سال آینده تدوین و چاپ آن آغاز می‌شود. کتاب دیگری که در دست چاپ دارید، در چه زمینه‌ای است؟ درباره آن هم کمی توضیح دهید. کتاب بعدی در دست چاپ من «داعیه‌داران» است که درباره دو گروه ملقب به ادبای سبوعه و ادبای ربیع است که بر داستان‌نویسی، ترجمه و تحقیقات ادبی معاصر تأثیر داشته‌اند. سعید نفیسی، عباس اقبال، نصرالله فلسفی و غلامرضا رشید یاسمی از گروه سبوعه هستند و صادق هدایت، بزرگ علوی، مجتبی مینوی و مسعود فرزاد از جمله افرادی‌اند که در گروه ربیع جای می‌گیرند.

تالیف کتابی را با عنوان «سایه‌های خیال» در دست تالیف دارم که درباره بررسی ترجمه شعر فرنگی از روزگار مرحوم اعتصام الملک در فاصله سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۴۲ به زبان فارسی است. در این اثر، هر شعری از شاعران اروپایی و آمریکایی که توسط مترجمان ایرانی به فارسی ترجمه شده، بررسی شده است. تعداد مترجمان شعرها به بیش از ۴۰ نفر می‌رسد و زبان‌های ترجمه شده بیشتر انگلیسی، آلمانی، فرانسه و روسی‌اند. محمدعلی اسلامی ندوشن، مجتبی مینوی، حسن هنرمندی و پرویز نائل خانلری از جمله این مترجمانند.

با توجه به این که شما در ششمین دوره جشنواره نقد کتاب به عنوان پیشکسوت نقد برگزیده شدید، هدف از نقد کتاب را چه می‌دانید؟

نقد ادبی (Literary Criticism)، خوب و بد هر اثر ادبی ابداعی و ارزش و بهای واقعی آن را نشان می‌دهد. نقد ادبی با استفاده از اصول و قواعد شناخته شده خود نشان می‌دهد که چرا اثری مانند «سوشون» (Savhon) به دور از انتظار بدین گونه درجه قبول می‌یابد ولی آثار بسیاری مورد رد و انکار و بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند. نقادان بی‌غرض و آگاه همواره مانع از آن می‌شوند که شایان ادبی بتوانند کالای بدلی و نامرغوب بی‌بهای خود را به جویندگان هنر اصیل عرضه کنند. اگر هدف، نمودن محاسن و معایب یک اثر ادبی باشد، خواه شعر و خواه نثر، هم به نویسندگان و شاعران کمک می‌کند تا به اشتباهات خود پی ببرند و هم به جوانان و مبتدیان یاری می‌رساند تا از اشتباهات و معایبی که ممکن است در نوشته‌ها و اشعار آنها پیدا شود، جلوگیری کنند.

به نظر شما نقد کتاب در ادبیات ما چقدر سابقه داشته است؟ این مساله را در پیشینه تاریخ نقد ایران بسنجید.

نقد به صورت جدی و کارساز البته در ادبیات ما سابقه طولانی ندارد بیشتر مطالبی است در کتاب‌های مختلف که جنبه تعارف و احساسی دارد و از ظهور مشروطیت به این طرف و آشنایی برخی از صاحبان قلم به مساله نقد و تأثیر مثبت آن، کم‌کم کسانی پیدا شدند که در زمینه‌های مختلف اگر چه به صورت سطحی به نوشتن نقد دست یازیدند و آثاری از خود به جای گذاشتند که البته ارزش ادبی چندانی ندارد. در سال ۱۳۰۳ خورشیدی که محمدضیاء هشترودی منتخبات آثار خود را منتشر کرد، با آشنایی کافی که به ادبیات فرانسه داشت، درباره برخی از آثار به نقد



کمی توضیح درباره جلد نخست آن را لازم می‌دانم. جلد نخست «مسائل پاریسیه» با همکاری استاد ایرج افشار، یادداشت‌هایی است از علامه محمد قزوینی که هنگام اقامت ایشان در شهر پاریس نوشته شده و تا کنون چاپ نشده بود. یادداشت‌های قزوینی در این کتاب هیچ نظمی ندارند زیرا اصل آنها عبارت از دفترهای کوچکی است که در هر یک از آنها مطالبی با عناوینی یادداشت شده بوده است. این یادداشت‌ها حاصل زحمات طولانی مدت قزوینی است. هر جا نکته و مطلبی یافته که مشکلی را حل می‌کرده، آن را یادداشت کرده است. غالب این موارد جنبه تاریخی، جغرافیایی و ادبی دارند. «نسخه‌های شاهنامه در موزه بریتانیا»، «ابوسهل احمد حمدی»، «تصرفات فردوسی»، «اعلام و لغات شاهنامه»، «فتح نیشابور در ترجمه فتوح ابن‌اعثم»، «لغات راحه الصدور»، «منقولات از نشوار المحاضر»، «کتاب نشوار المحاضر»، «ترجمه محاسن اصفهان»، «نسب حسینیقلی نواب»، «درباره مشارق الدرری»، «لغاتی از عبید زاکانی»، «شجره نامه ملوک کرت هرات» و بسیاری مدخل دیگر از جمله یادداشت‌های قزوینی در جلد نخست مسائل پاریسیه است. هم‌اکنون جلد دوم این کتاب را با همکاری ایرج افشار در دست تالیف دارم که به کوشش بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار منتشر خواهد شد.

لطفاً کمی بیشتر درباره جلد دوم «مسائل پاریسیه» توضیح دهید.

عادت مرحوم علامه قزوینی این بود که هنگام مطالعه کتاب‌های گوناگون خواه فارسی و عربی و خواه فرنگی، نکته‌هایی را که به نظرش جالب توجه بود، یادداشت می‌کرد و بعدها درباره هر یک از این نکته‌ها مطالبی را که در کتاب‌های دیگر می‌یافت، به آن می‌افزود. به این صورت دفترهای متعددی از آن مرحوم فراهم آمده است که ۱۰ جلد آن را پیش از این استاد ایرج افشار تدوین و چاپ کرده است. باقی‌مانده چهار دفتر است که مربوط می‌شود به سال‌های اقامت قزوینی در پاریس که جلد دوم آن دو دفتر را شامل می‌شود و اگر خدا بخواهد و عمری باقی

نگارش جدیدی از سندبادنامه پرداخته است. با این توضیحاتی که درباره پیشینه شیوه نوآیین در نثرنویسی فارسی ارائه دادید، به کتاب «یادداشت‌هایی بر سندبادنامه» بپردازید.

کتاب سندبادنامه از جمله چهل و چند کتابی است که به پیروی از سبک کلیله و دمنه بهرام شاهی نوشته شده است. ظهیری سمرقندی در سال‌های ۵۶۵-۵۶۰ سندبادنامه‌ای را که از زمان سامانیان به جای مانده بود و به نثری ساده و روان آن روزگار بود، از نو تحریر کرد و مطالب زیادی مانند آیات قرآنی، حدیث و خبر، شعر عربی و فارسی و انواعی از مثل‌های فارسی و تازی را به آن افزود و در نتیجه نمونه‌ای از سبک مورد قبول مردم روزگار خود را به وجود آورد. در اصل این کتاب اختلاف است که آیا از جمله کتاب‌های هندی است یا این که کتابی به شمار می‌رود که با استفاده از داستان‌های هندی و داستان‌های دیگر در ایران تالیف شده است. برخی معتقدند کتاب به زبان پهلوی بوده و در دوره سامانیان به فارسی ترجمه شده. رودکی همین ترجمه را به شعر فارسی درآورده بوده است. از کار رودکی ابیات بسیار کمی در برخی از کتاب‌های قدیمی دیده می‌شود اما سندبادنامه رودکی مانند کلیله و دمنه وی تا این زمان پیدا نشده است و شاید در حوادث روزگار از بین رفته باشد. از سندبادنامه در کتاب‌های بسیاری مانند هزار و یکشب داستان‌هایی نقل شده و این نشان می‌دهد که از کتاب‌های مورد توجه مردم روزگار پیشین بوده است. این کتاب به زبان‌های مختلف اروپایی در قرن‌های پیش ترجمه شده و آخرین ترجمه آن تا آنجا که من می‌دانم، حدود چهار دهه پیش به فرانسوی اثری از «باگدانویچ» است که نسبت به ترجمه‌های فرانسوی قدیم تر آن، ساده‌تر و روان‌تر به نظر می‌رسد. تحقیقات بسیاری درباره این کتاب به زبان‌های مختلف صورت گرفته که در یادداشت‌های سندبادنامه به آنها اشاره و گاه از مطالب آنها استفاده شده است.

در حال حاضر چه آثاری زیر چاپ دارید؟ جلد دوم «مسائل پاریسیه» را زیر چاپ دارم ولی

در گام نخست لطفاً بگویید چه انگیزه‌ای باعث شد که بیشتر به زبان‌شناسی روی بیاورید؟

ما در زمانی زندگی می‌کنیم که تنها نمی‌توانیم به ادبیات تکیه کنیم. این مساله انگیزه اصلی من برای یادگیری زبان‌شناسی است. زبان‌شناسی بسیار مهم است زیرا نه تنها در ادبیات، بلکه در رشته‌های دیگر نیز نفوذ کرده است. با توجه به مکتب‌های مختلف زبان‌شناسی در نقد ادبی، زبان‌شناسی بسیار اثرگذار است و برخی از مکتب‌های مهم نقد ادبی مانند مکتب سوییسی در اثر پیشرفت زبان‌شناسی حاصل شده و مکتب‌های آلمانی با کسانی مانند اسپینوزا که نظریات آن برای نقد ادبی در فارسی مفید محسوب می‌شود، پیشرفت کرده است. کارآمد اینها نتیجه پیشرفت زبان‌شناسی است و مکتب‌های دیگری که در ادبیات فرنگی بی‌اندازه اثر گذاشته بودند برای نقد لازم‌اند. رمز موفقیت در شاخه زبان‌شناسی یادگیری زبان‌های فرنگی است. شما غیر از ادبیات فارسی با چه زبان‌هایی آشنایی دارید؟

غیر از ادبیات فارسی با زبان عربی آشنایی دارم و با این زبان در ارتباط هستم زیرا برای درک زبان فارسی به زبان عربی نیاز است. به همین دلیل منتقد ادبیات فارسی لازم است که هم‌بازبان عربی کلاسیک آشنایی داشته باشد و هم با عربی معاصر.

غیر از این زبان‌ها نیز لازم دیده‌ام که بتوانم از مأخذ انگلیسی و آلمانی هنگام ضرورت استفاده کنم. دانستن کمی هم روسی برای مطالعه نشریات ادبی تاجیکی که به خط سیریلیک چاپ می‌شوند، برای کارم ضروری بوده است ولی از زبان فرانسه اطلاع بسیار کمی دارم.

کتاب «یادداشت‌های سندبادنامه» تحقیق ادبی راجع به یکی از متن‌های قدیم فارسی در قرن ششم هجری قمری است که به پیروی از سبک کلیله و دمنه نوشته شده است. لطفاً کمی درباره این اثر ارزشمند توضیح دهید.

بهرتر است کمی درباره پیشینه شیوه نوآیین در نثرنویسی فارسی توضیحی دهم بعد به سندبادنامه بپردازم. از آن هنگام که ابوالمعالی، نظام الملک، معین‌الدین نصرالله بن محمد بن عبدالحمید بن احمد بن عبدالصمد شیرازی - منشی دیوان بهرامشاه غزنوی - در حدود سال‌های ۵۳۸ تا ۵۴۰ هجری قمری، ترجمه عربی کلیله و دمنه ابن مقفع را، جامه فارسی پوشانید و ترجمه و نگارش آزاد خود را با آیات قرآن، احادیث، اخبار و جمله‌های ماثوره، ابیات عربی و فارسی آراست و شیوه‌ای نوآیین در نثرنویسی فارسی به وجود آورد؛ لااقل تا چند قرن، چنان روشی در فارسی‌نویسی، سرمشغ غالب اهل قلم شد و بسیاری از نویسندگان مقلد او شدند. تا آنجا که تا ظهور سعدی، کمتر کتاب منثوری را می‌توان یافت که از روش نویسندگی ابوالمعالی، متأثر نشده باشد.

از جمله کسانی که از شیوه نگارش نصرالله منشی پیروی کرده‌اند، یکی بهاء‌الدین (یا ظهیرالدین) محمدبن علی بن محمد بن الحسن الظهیری الکاتب السمرقندی، مشهور به (ظهیری سمرقندی) است که دبیر سلطان قلیچ طمغاج خان ابراهیم - از سلسله آل افراسیاب - بود و حدود ۵۶۰ قمری به ترجمه و

پرداخت و شعر بعضی از شاعران را به محک نقد زد که البته باعث رنجش بعضی دیگر شد. از جمله شادروان محمدتقی بهار (ملک الشعرا)در قطعه‌ای به هشترودی تاخت و گفت: «برای خاطر پروین اعتصام‌الملک/من و رشید و دگر خلق را نباید کشت» در همین کتاب نخستین بار است که هشترودی به جای استفاده از اصطلاح استعاره(Personification) در موردجان دادن به‌اشیای بی‌جان،اصطلاح تشخیص را به کار می‌برد که تا آن روزگار کسی متوجه این نکته و نام‌گذاری برای این نوع از استعاره نشده بود. **نخستین کار مستقل در زمینه نقد ادبی کدام است؟** در سال ۱۳۱۷ خورشیدی دکتر لطفعلی صورترگر کتاب «سخن‌سنجی» را با استفاده از منابع فرنگی (بیشتر انگلیسی) تالیف کرد و انتشار داد که نخستین کار مستقل در زمینه نقد ادبی به شمار می‌رود. صورترگر به جای نقد ادبی از اصطلاح سخن‌سنجی استفاده می‌کرد و سال‌ها یکی از درس‌هایی که در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تدریس می‌شد، از گفتار سخن‌سنجی بود. البته با گسترش فرهنگ و آشنایی بیشتر با ادبیات اروپایی. سال‌ها بعد یا پس از آن افراد دیگری پیدا شدند که کتاب‌هایی مفصل‌تر و دقیق‌تر درباره نقد ادبی نوشتند و از نظریه‌پردازان اروپایی نیز در این کار کمک گرفتند که نمونه آن نقد ادبی از دکتر عبدالحسین زرین کوب است.

در نقد ادبی ما تا چه اندازه می‌توانیم از نوشته‌های نظریه‌پردازان غربی استفاده کنیم؟

در این چند دهه، کتاب‌های مختلفی در زمینه نقد ادبی از زبان‌های مختلف (انگلیسی و فرانسوی)متعلق به مکتب‌های گوناگون نقد ادبی منتشر شدند که باید ببینیم در فارسی، ما تاچه اندازه‌می‌توانیم از نوشته‌های نظریه‌پردازان غربی برای کار نقد ادبی خود استفاده کنیم. با توجه به این‌که ما اصولاً میانه خوبی با انتقاد و نقد ادبی نداریم و زیاد خوشمان نمی‌آید که کسی از کار ما به‌صورت منطقی انتقاد کند، بنابراین با توجه به این‌که اصولاً نقد و انتقاد کمتر خوشایند نویسنده و شاعر است و نقد کاری پرزحمت و پردردسر است، باید دید از آنچه که در مکتب‌های گوناگون نقد ادبی وجود دارد، چه نکاتی را می‌توانیم برگزینیم و در کار نقد خود از آن استفاده کنیم که با باورهای دینی و فرهنگ ما سازگاری داشته باشد.

نقد ادبی در روزگار کنونی چگونه است و چه رویکردی دارد؟

متأسفانه آنچه از تاریخ نقد ما در عرض یک قرن

چطور شد که به قالب غزل توجه بیشتری کردید؟ همان‌طور که مستحضرید، بنده تنها روی قالب غزل کار نکرده‌ام و قالب‌های شعری دیگر از جمله دوبیتی، رباعی و مثنوی را نیز مورد توجه قرار داده‌ام، اما این‌که بیشتر روی غزل کار کرده‌ام…

البته منظور من، توجه شما به قالب‌های کلاسیک است…

به گمان من قالب‌های کلاسیک ما از جمله غزل، توانایی بسیاری برای بیان عواطف و درونیات ما دارد. غزل، به ویژه، بیانگر حال و هوا و احساسات درونی شاعر است. از سویی، من غزل را بالاترین قالب شعری می‌دانم و این نکته را می‌توان از تاریخ ادبیات فارسی سراغ گرفت.شمامی‌توانیدبه‌سادگی غزل‌های بسیاری را در شعر فارسی سراغ بگیرید که در این قالب سروده شده‌اند. من نیز هیجانان، احساسات و دل‌تنگی‌هایم را در این قالب به تماشا نشست‌ام، به دلیل آن‌که این قالب را دوست دارم و به آن عشق می‌ورزم.

در واقع شما فکر می‌کنید که شاعر نمی‌تواند درونیات خود را در قالب‌های سپیدو نیمایی عرضه کند؟

چرا. در قالب‌های دیگر نیز می‌توان به بیان عواطف پرداخت. به‌طور کلی شعر، بیان احساسات آدمی است، اما معتقدم که غزل راحت‌تر و بهتر می‌تواند این هیجانان را به نمایش درآورد.

یعنی شما اندیشه‌ها و درونیاتتان را در قالب غزل بهتر می‌توانید بیان کنید؟

بله. به نظرم در طول تاریخ نیز این قالب

برداشت می‌شود، مایوس‌کننده‌است. حدود نیم قرن پیش چند کتابچه و جزوه نقد کتاب منتشر می‌شد که هر یک متعلق به یکی از ناشران بود. آیا ناشر می‌تواند خود کتابی را که منتشر کرده منصفانه نقد کند؟ آیا چنین ناشری کار ناشران دیگر را بدون غرض نقد و انتقاد می‌کند؟ در دیگر موارد هم ما می‌بینیم که با کمال تاسف آن‌گونه که لازم و ضروری بوده‌است، نقد ما پیشرفت نکرده و نتوانسته بدان‌گونه که باید و شاید کمکی به ظهور آثار ارزشمند بکند. درحالی‌که برخی از آثار نویسندگان ما دست کمی از نوشته‌های مشابه فرنگی ندارند. محمود عطا (احمد محمود) کتاب رمانی نوشت به نام «همسایه‌ها» که محتوای این کتاب با کتاب «نان و شراب» نویسنده معاصر ایتالیایی «اینات سیو سیلونه» شباهت‌های بسیاری دارد و به نظر من از آن قوی‌تر است. اگرچه کتاب سیلونه از ایتالیایی به فرانسه برگردانده شده و سپس از فرانسوی به فارسی به دست محمد قاضی، مترجم معروف درآمده‌است. اما کتاب دیگر احمد محمود به نام «داستان یک شهر» کسانی مانند مرا می‌آزارد…

بهتر است به نقد شعر هم بپردازید و بگویید در این زمینه چه پیشرفت‌هایی کرده‌ایم؟

در زمینه شعر کار ما آن‌هم از نظر نقد ادبی و نقد شعر بسیار خراب است. نثر ما پس از مشروطیت پیشرفت‌های بسیاری کرد و صاحب نویسندگانی زبردست شد ولی شعر بانثیب و فرازهای گوناگونی که داشته، آن‌هم نوعی از شعر فارسی که به آن شعر نو گفته می‌شود - جز شعرهای مذهبی - روزه‌روز کم فروغ‌تر و بیمارگونه‌تر شده‌است. بنابراین مشخص است که نوشتن نقد بر این‌گونه شعرها، نه تنها کمکی به پیشرفت شعر نخواهد کرد بلکه باعث آزرده‌گی خاطر برخی شاعران و هواداران آنها می‌شود و این البته باعث دریغ بسیار است. آنچه که از شعر ما به‌وسیله فرنگیان به زبان فرنگی ترجمه شده، غالباً شعرهایی‌اند که به همان سبک و سیاق سنتی سروده شده بودند و از آنچه که شعر نو گفته می‌شود، کمتر ترجمه‌ای صورت گرفته‌است.

لطفاً در این زمینه به نمونه‌هایی اشاره کنید تا موضوع بیشتر برای خوانندگان ملموس شود.

از نیما یوشیج منظومه «محبس» او را که ناتمام هم بود، بر تلس؛ ایران‌شناس روس به خاطر مضمون اجتماعی آن به روسی برگردانید و «رژه لسکو»؛ مترجم معروف ادبیات معاصر، تنها «افسانه» نیما را به فرانسوی برگردانده‌است. البته عده‌ای از ایرانیان

با علاقه‌ای که به شعر بعضی از شاعران داشته‌اند، برخی از شعرهای آنان را به میل خود به زبان‌های دیگر ترجمه کرده و به چاپ رسانیده‌اند. مانند ترجمه‌های کریم امامی، از استادان ترجمه ایران، که بعضی از شعرهای سهراب سپهری را به انگلیسی ترجمه کرده‌است.

شما نقدی بر کتاب «طلیعه تجدد در شعر فارسی» نوشته‌اید. کمی درباره نقد این کتاب توضیح دهید. کتاب «طلیعه تجدد در شعر فارسی» از جمله آثاری است که به بحث و ریخت‌شناسی سیر تطور شعر فارسی از سرآغاز تجددخواهی تا روزگار نیما می‌پردازد. این کتاب قابل تامل را احمد کریمی حکاک مترجم و پژوهشگر ایرانی به زبان انگلیسی نوشته‌است. ترجمه‌کتاب توسط دکتر مسعود جعفری انجام شده و انتشارات مروارید آن را منتشر کرده‌است. نقد این کتاب می‌تواند اطلاعات سازنده‌ای را به ادیبات پژوهان منتقل کند. شعر فارسی از زمانی که ارتباط با شعر اروپایی پیدا کرد (یعنی از زمان مشروطیت) عده‌ای از شعرا که آشنا به شعر اروپایی بودند، مخصوصاً شعر فرانسوی، سعی کردند با استفاده از قالب‌ها و قواعد شعر فرانسوی در شعر فارسی تحولی ایجاد کنند؛ کسانی مانند میرزا حبیب اصفهانی، تقی رفعت، جعفر خامنه‌ای و شمس کسمایی از راه ادبیات ترکی و نیز مستقیماً از شعر فرانسوی‌گرته‌برداری کردند و آثاری به وجود آوردند. بعد از اینها، علی اسفندیاری که ابتدا با نام مستعار یوشی شعر می‌گفت و سپس نام قلمی نیما یوشیج را برای خود برگزید و در مدرسه سن لویی تهران با ادبیات فرانسه و شعر آن آشنا شده بود، بیش از پیشینیان به‌اشکال و قواعد شعر فرانسوی و مکتب‌های ادبی فرانسه توجه کرد و از هر یک نکته‌هایی را گرفت و سعی کرد اینها را در شعر فارسی به کار ببرد. در این راه تا آنجا پیش رفت که به تقلید از شان بودلر شاعر بزرگ فرانسوی در کتاب «فلو دومال» (گل‌های بدیع) بیشتر شعرهای خود را اول به نثر بنویسد و سپس به آنها وزن بدهد که البته موفق نبوده‌است.

بعدها افراد دیگری از شاعران سعی کردند از کارهای نیما کپی بردارند و به تدریج به شیوه و سبک دیگری شعر گفتند یا نوشتند؛ برخی موفق و بعضی ناموفق، حتی چند نفری کوشیدند که ترجمه برخی از شعرهای فرنگی را، غالباً به صورت ناقص، به فارسی درآوردند و به اسم خود چاپ کنندبی‌آن‌که

«شعله‌ای بر اندام شب» در گفت‌وگو با محمود ابراهیمی

قابلیت‌های بی‌پایان غزل

عبدالحسین رنجبر

«شعله‌ای بر اندام شب» نخستین مجموعه محمود ابراهیمی در قالب‌های غزل، شعر نیمایی و دوبیتی منتشر شده‌است. با این همه، نمی‌توان ابراهیمی را شاعری تازه‌کار دانست. او که متولد ۱۳۳۳ است، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دارد و سال‌هاست که به شاعری مشغول بوده‌است. وی همچنین دو کتاب دیگر را نیز در دست چاپ دارد که یکی به تمامی غزل‌هایش و دیگری به کارهای سپید و نیمایی اش اختصاص دارد. به مناسبت انتشار مجموعه شعر «شعله‌ای بر اندام شب» گفت‌وگویی با وی انجام داده‌ایم که در ادامه خواهد آمد.

معنوی - مذهبی در درونم ریشه‌کند. من همواره حضور ائمه اطهار(ع) را در پوست و خونم و در وجودم احساس می‌کنم. در شعرهایم، بدون آن‌که عمدی داشته باشم، درونم را به نمایش می‌گذارم و از آنجا که این مسائل درمن درونی شده‌اند، به‌ناگزیر شعرهایم رنگ و بوی مذهب به خود می‌گیرند. این دست خودم نیست. **تضمین‌ها و تلمیحاتی که به کار**

می‌برید نیز در همین راستاست؟

بله. این مسائل نیز کاملاً در من درونی شده‌اند. **به گمان شما جایگاه شعرهای مذهبی - معنوی در شعر معاصر کجاست؟**

به نظرم شعر مذهبی - معنوی جایگاهی بسیار

اسمی از شاعر اصلی ببرند یا یادآوری کنند که اینها ترجمه‌اند. وقتی قواعد و اصول شعر فارسی به کناری نهاده شد و کسانی پیدا شدند که چیزهایی بنویسند که تنها به خط فارسی است، در این حالت کم‌کم شعر فارسی رویه سستی نهاد و نه تنها پیشرفتی در آن به‌وجود نیامد و تحولی عمیق در آن ایجاد نشد، بلکه به‌صورتی درآمد که ما در عرصه شعر جهان دیگر مقام و منزلت خاصی نداریم و تنها باید به این نکته اشاره کرد که شعر مذهبی ما از حالت یکنواختی سابق درآمد و تنها در این زمینه تحول قابل توجهی ایجاد شد.

شما به‌عنوان پیشکسوت نقد چه پیشنهادی به جوانانی که می‌خواهند در این عرصه گام بردارند ارائه می‌کنید؟

با از نظر گذراندن این چند کلمه، آنان که بخواهند در راه پرفراز و نشیب نقد ادبی گام بردارند، لازم است پس از فراگیری مقدمات این‌کار که در کتاب‌های گوناگون آمده و در دسترس همه است، به‌صورت جدی به کار و مطالعه مستمر بپردازند و در زمینه هر کتاب شعر یا نوشته‌ای که می‌خوانند نقد بنویسند، تا آنجا که امکان دارد مأخذ، منابع کتاب، نوشته یا شعر را بیابند و پیش روی خواننده بگذارند تا او با دقت و حوصله نقد را با اصل بسنجد و نتایجی را که لازم است، از آن متن دریابد. کار نقد کار پر دردسر و سنگینی است که وقت و حوصله بسیاری را طلب می‌کند. نمی‌توان به جای نقد، انشا نوشت. وظیفه منتقد است آنچه را که از اثر ادبی درمی‌یابد، در اختیار خواننده بگذارد و خواننده را راهنمایی کند. چه بسا آنچه را که منتقدی از یک اثر ادبی دریافته، خود صاحب اثر به آن توجه نکرده باشد.

در این زمینه نمونه‌ای بیاورید تا برای جوانانی که می‌خواهند در این عرصه گام بردارند، مفید باشد… می‌گویند روزی منتبّی؛ شاعر شیعی مذهب معروف، از یکی از کوچه‌های بغداد می‌گذشت؛ ناگهان صدای معلمی به گوشش خورد که یکی از شعرهای او را برای شاگردانش نقد و تحلیل می‌کرد. منتبّی صبر کرد تا درس معلم تمام شود سپس سراغ او رفت، او را بوسید و گفت: «این نکته‌ای که تو می‌گفتی، هرگز به خاطر من خطور نکرده‌است!» اگر منتقد به یکی دو زبان فرنگی هم آشنا باشد، به اندازه‌ای که بتواند از مأخذ نقد ادبی در آن زبان‌ها استفاده کند، ظاهراً کمکی برای گسترش بیشتر کار نقد و عمق پیدا کردن آن است.

رفیع و موفقی دارد. ائمه اطهار در شعر معاصر و به ویژه غزل معاصر، حضوری بسیار چشمگیر و رفیع داشته‌اند. شما می‌توانید بخشی از این موفقیت و جایگاه را در کتاب‌های چاپ شده و کنگره‌های شعری ببینید که به مناسبت‌های گوناگون کشور تشکیل می‌شوند. به‌عنوان نمونه، کنگره شعر رضوی بامحوریت امام رضاع) در چندین شهر بزرگ کشور برگزار می‌شود. کنگره شعر عاشورا، هر ساله در شیراز برگزار می‌شود. مناسکی از این دست، خوشبختانه رو به رشدند و شاعران نسل سوم انقلاب، بارویکرد مذهبی و معنوی، آثار بسیارخوب و قابل تأملی خلق کرده‌اند.

این شعرها حاصل چند سال کار شماست؟

می‌توانم بگویم که ثمره ۱۰-۱۲ کار است، اما این قضیه پاسخ کاملی به سوال شما نیست. درست است که این شعرها ۱۰-۱۲ سال قبل نوشته شده‌اند، اما من آنها را نگه داشته بودم و زمانی که می‌خواستم چاپشان کنم، تنها به مرور و ویرایش آنها پرداختم. **چطور شد که بعد از ۱۰-۱۲ سال این آثار را چاپ کردید؟**

من همواره این شعار و ایده را داشته‌ام که به عنوان یک شاعر، حرف‌هایم را برای خودم نگه دارم، یعنی «شاعر نی‌ام و شعر ندانم که چه باشد/من مرثیه‌گوی دل دیوانه خویشم» اما بالاخره اصرار دوستان و این‌که حس می‌کردم دیگر وقت انتشار این کارها فرارسیده، آنها را به دست چاپ سپردم. اینها را چاپ کردم که ایراد کارم را گوشزد کنند تا حرکتی رو به جلو داشته باشم.

گزارشی از کتابخانه صلواتی «شمس الشموس»

طلوع دانایی از افق کتاب و صلوات

معتقد است: «ما مخاطب مسیحی، زرتشتی و... هم داریم که آنها هم نذرهای مخصوص به خود را دارند مانند «سپاس از پروردگار» برای مسیحی ها و نذر «۱۰۱ نام اهورامزدا» برای زرتشتیان و در ادامه سخنانش می گوید: «برای متفاوتی وجود ندارد در نذر صلوات یا دیگر نذرها در ادیان توحیدی، تنها اعتماد به مشتری و دادن کتاب برای ما کافی است.»

وی به تاریخ تولد افرادی که عضو کتابخانه‌اند، اشاره می کند و می گوید: «اگر تاریخ تولد اعضای این کتابخانه در یکی از اعیاد باشد، یک جلد کتاب هدیه می گیرند تا انگیزه مخاطبان را در خواندن کتاب‌های صلواتی تقویت کند. امانت گرفتن و پس دادن کتاب از ساعت ۷/۳۰ تا ۱۷/۳۰ شروع می شود و مراجعان به این کتابخانه صلواتی، می توانند یک تا سه هفته کتابی را به امانت بگیرند. این شرایط در همه روزهای سال به جز روز عاشورا پابرجاست، یعنی روزی که همگان در سوگ سالار شهیدان امام حسین(ع) به عزاداری می پردازند.»

مسئول کتابفروشی درباره ویرتین الکترونیکی کتاب می گوید: «این طرح برای نخستین بار با موسسه گسترش و فرهنگ مطالعات انجام شده و ۲۰ هزار عنوان کتاب در این ویرتین وجود دارند که مخاطبان می توانند نام کتاب یا نام مولف، نام مترجم، نام ناشر و موضوع را در جست و گوگر ویرتین الکترونیکی وارد کنند و اطلاعاتی را که می خواهند، به دست آورند. همچنین اگر عنوان کتابی در این ویرتین وجود نداشته باشد، مخاطبان می توانند فهرست کتاب هایشان را سفارش دهند و عصر همان روز آن را تحویل بگیرند.»

قربانی نیا، از اجرای این طرح کاملاً راضی به نظر می رسد و می گوید: «دستاوردهای معنوی این طرح با هزینه های هنگفت هم به دست نمی آمد. ناشران و افراد علاقه مند هم می توانند با اهدای کتاب هایشان به این کتابخانه، در ثواب معنوی این طرح شریک شوند.» این همه، خدمات کتابفروشی صلواتی شمس الشموس برای ترویج و گسترش فرهنگ کتابخوانی است. راه ها و شیوه های بسیاری برای ایجاد و جذب و جلب افراد به مطالعه کتاب ها وجود دارد، دیگران نیز می توانند خود را در ثواب معنوی و فرهنگی این نوع از کتابخانه ها شریک و با اهدای حتی یک جلد کتاب به این کتابخانه صلواتی، قفسه کتاب های کتابفروشی شمس الشموس را پر بارتر کنند.



موردی که در این زمینه به مشکل خورده ام، بسیار انگشت شمار بوده اند.»

قربانی نیا به قیمت معنوی کتاب ها اشاره می کند و می گوید: «هر کتاب یک قیمت معنوی دارد که از ۵ تا ۱۴۰۰ صلوات متغیر است. صلوات ها با توجه به حجم و نوع کتاب و بر اساس عدد حروف ابجد نام ائمه تعیین می شوند، مثلاً قیمت معنوی تعدادی از کتاب ها ۱۱۰ صلوات تعیین شده اند که مخصوص نام مبارک امام علی(ع)، امام سجاد(ع)، امام رضا(ع) و امام هادی(ع) است. ۱۴۰۰ صلوات نیز نذر حضرت باب الحوائج، موسی بن جعفر(ع) است که بسیار موثر بوده است.» وی معتقد است که به هر عضو تنها یک جلد کتاب ارائه و به ازای هر روز تاخیر در بازگرداندن کتاب ۱۴ صلوات نیز اضافه می شود و به ازای هر یک هفته تاخیر، مخاطب باید یک جلد کتاب به کتابخانه صلواتی اهدا کند و در پی سه بار تکرار تاخیر در آوردن کتاب، عضویت باطل می شود، اما شخص، برای عضویت مجدد باید یک سوره از قرآن را از حفظ بخواند. اگر یک مشتری در طول یک ماه بیش از ۱۴ جلد کتاب خوانده باشد، می تواند یک جلد کتاب از کتابفروشی هدیه بگیرد.

سوالی که به ذهن متبادر می شود، این که اگر مخاطب از اقلیت های دینی و نذر دیگری داشته باشد، به او هم کتاب داده می شود؟ مسئول کتابفروشی در این باره

مؤدب پور» گرفته تا استاد مطهری و... همه و همه در این کتابخانه صلواتی وجود دارند. در این کتابخانه، ویرتین الکترونیکی کتابی نیز دیده می شود که می توان موضوع کتاب، نام کتاب، نام ناشر، نام مولف و... را وارد کرد و اطلاعات بیشتری از کتاب ها را به دست آورد. این دستگاه الکترونیکی، مانند یک نمایشگاه بزرگ، هر کتابی را که بخواهی، می توانی در آن جست و جو کنی.

حمید قربانی نیا، مسئول کتابفروشی شمس الشموس، درباره کتاب های صلواتی می گوید: «کوشش کرده ام از هر موضوعی حداقل یک جلد کتاب در کتابخانه قرار دهم تا بتوانم پاسخگوی اکثر مراجعه کنندگان باشم. البته میان کتاب ها، سهم کتاب های معنوی و پر محتوا که منطبق با اهداف طرح اند، بیشتر است ولی مخاطبان ما بیشتر خانم ها هستند و کتاب های رمان مورد علاقه آنهاست.»

وی درباره انگیزه و هدفش از اجرای این طرح می گوید: «یکی از اهداف ایجاد کتابخانه صلواتی، فراهم کردن بستری مناسب برای توسعه فرهنگ کتابخوانی است. سپس، آذین شدن قلب ها به صلوات و سوم ایجاد حس امانتداری و اعتماد متقابل. ما برای بازگرداندن کتاب هیچ تضمینی از مشتریان نمی گیریم؛ نه مدرکی، نه نشانی، نه شماره تلفن و نه هیچ چیز دیگر؛ تنها به مشتری اعتماد می کنیم و خوشبختانه

گسترش فرهنگ کتابخوانی و مطالعه به هر صورت که انجام شود، ستودنی است، به ویژه آن که همراه با نیتی پاک برخاسته از قلبی سلیم باشد.

در «کتابخانه صلواتی شمس الشموس» فرهنگسرای اندیشه تهران، کتاب به شیوه ای جالب به مراجعه کنندگان امانت داده می شود؛ کتاب صلواتی! ایستگاه های صلواتی بیشتر یادآور روزهای به یادماندنی دفاع مقدس اند و تکرار این شیوه خدمات رسانی مردمی، حتی سال های پس از جنگ نیز در گوشه و کنار کشور دیده شده و می شود؛ مشی پسندیده ای که در دل و جان خیلی ها، جا می گیرد و می ماند. ایستگاه های صلواتی برای پیشکش خوراکی در برنامه های مختلف مرسوم است ولی ایستگاه صلواتی کتاب، تفاوت بسیاری با دیگر ایستگاه ها دارد و در صدد است فرهنگ کتابخوانی را بیشتر در میان مردم ترویج می کند.

حمید قربانی نیا، مسئول کتابفروشی شمس الشموس (فرهنگسرای اندیشه) دست به ابتکاری زده که می تواند در ثواب معنوی دنیا و آخرت خودش و مشتریانش تاثیرگذار باشد. وی بخشی از کتاب هایش را در قفسه های جداگانه ای طبقه بندی کرده و آنها را به رایگان و در ازای فرستادن صلوات، در اختیار مشتریانش قرار می دهد تا بخوانند. نه کارتی، نه وجهی، نه نشانی و نه معرفی نامه ای، هیچ یک از این موارد را برای تحویل کتاب نمی خواهد و به خوانندگان اعتماد دارد و تنها برای خواندن یک کتاب، ختم صلواتی را در نظر گرفته که در صفحه نخست هر کتاب نوشته شده است.

در ابتدای صفحه نخست یکی از کتاب ها، ثواب صلوات از گفته های پیامبر گرامی اسلام(ص) نوشته شده که «هر کس بعد از هر نماز ۱۰ صلوات بر من بفرستد، در بهشت با من است در حالی که او را می بینم و صورتش مثل ماه چهارده می درخشد.» و در کتابی دیگر «بر من صلوات بفرستید که صلوات بر من نوری در قبر، نوری در پل صراط و نوری در بهشت خواهد بود. در قیامت، نزدیک ترین مردم به من کسی است که بیشتر بر من صلوات بفرستد و هر کس در نوشته ای بر من درود فرستد فرشتگان همواره برای او آمزش می طلبند.»

نکته ای که با نگاه کردن به عناوین کتاب های صلواتی به چشم می آید، تنوع و تساهل چشمگیر در انتخاب کتاب هاست. از کتاب های «وین دایر» و «م.

گزارشی از بازگشایی موزه ملی قرآن کریم

محافظت از قرآن های نفیس

ساختمان موزه ملی قرآن کریم سال ۱۳۵۵ به عنوان مجموعه فرهنگی در کنار کاخ مرمر ساخته و برای حفظ ارزش بنای کاخ مرمر، تصمیم گرفته شد این ساختمان در عمق ۱۴ متری و در سه طبقه زیرزمین، تکمیل و تجهیز و بنا شود.

تا سال ۱۳۵۷، بیست و پنج درصد این ساختمان ساخته شد که پس از آن و با پیروزی انقلاب اسلامی، عملیات تکمیلی این ساختمان حدود ۱۶ سال متوقف بود تا این که بالاخره در سال ۱۳۷۳ مسؤولان ذی ربط تصمیم گرفتند این ساختمان را تجهیز کنند. به این ترتیب، سال ۱۳۸۴ موزه قرآن آماده بهره برداری شد.

اکنون مساحت موزه قرآن حدود ۱۰ هزار مترمربع است و در آن یک سالن بزرگ آمفی تئاتر نیز وجود دارد که هنوز تکمیل و تجهیز نشده است. در این موزه نسخه های خطی قرآن کریم مربوط به سده چهارم و پنجم هجری قمری تا دوره قاجار، نگهداری می شوند. علاوه بر نسخ خطی قرآن کریم، آثاری نظیر کلیات سعدی، حافظ، کتاب های

ادعیه و تابلوهایی با مضامین قرآنی در این موزه نگهداری می شوند. دیدار کنندگان از این موزه، ضمن مشاهده آثاری هنری، با محتوای قرآن نیز آشنا می شوند همچنین کتاب های قرآنی به زبان های مختلف در کتابخانه این موزه به چشم می خورد و مخزنی برای نسخ خطی قرآن به زبان های مختلف مشاهده می شود. در مخزن کتابخانه، نسخ خطی قرآن به خط کوفی، نسخ و نستعلیق نیز وجود دارند.

به گفته فخرالدین صابری، مدیر موزه ملی قرآن کریم اکنون با فراهم سازی امکانات و استفاده از دالان موزه، علاقه مندان می توانند از این موزه بازدید کنند. مدیر موزه ملی قرآن کریم معتقد است: «از خصوصیات اصلی قرآن، مصون بودن آن از تحریف و قدرت پاسخگویی آن به همه مردم در هر زمانی است. در این موزه نسخه های خطی از دوران گذشته از هر نوع دستبرد مصونند و تنها مورد استفاده علاقه مندان قرار می گیرند. در نظر داریم موزه قرآن را به مرکزی برای فعالیت های محتوایی، پژوهشی و فرهنگی تبدیل کنیم تا گامی در راستای ترویج قرآن برداریم.»

وی با اشاره به قرآن های نفیس خطی که گاهی در منازل مردم نگهداری می شوند، می گوید: «در فراخوانی از همه مردم خواسته ایم اگر نسخه های نفیسی از قرآن را در خانه ها یا مساجد دارند، آنها را

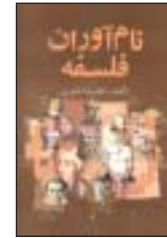
نام آوران فلسفه

تالیف: علیرضا داوری

انتشارات دستان/ چاپ اول ۱۳۸۸

۳۸۳ صفحه/ ۵۶۰۰ تومان

کتاب «نام آوران فلسفه» شامل زندگینامه فیلسوفانی است که هر یک در حوزه اندیشه و تفکر بشری، تاثیرهای شگرفت و بنیادین نهاده‌اند. ناگفته پیداست که تاریخ فلسفه، بیانگر



جست و جوی حقیقت از سوی انسان از طریق استدلال و برهان است. برای همین، عده‌ای، فلسفه را دانش پیچیده و دشوار و مطالعه و فراگیری آن را ویژه افرادی خاص دانسته‌اند.

مولف در این اثر، با استفاده از منابع و مآخذ معتبر کوشیده تا با زبانی ساده و روشن، مفاهیم پیچیده و دشوار مباحث گوناگون فلسفه را همراه با زندگینامه فیلسوفان برای خواننده مشتاقی که کمتر با عرصه فلسفه آشنایی دارد، بازگو کند. در مقدمه کتاب آمده است: «انتخاب چنین شیوه‌ای برای معرفی فیلسوفان مشهور و تاثیرگذار در تاریخ فلسفه به نوعی یادآور شیوه‌ای است که مولوی برای فراگیری آموزه‌هایش در کتاب گرانقدر مثنوی معنوی به کار گرفته است. آنجا که می‌گوید: خوشتر آن باشد که سر دلبران/ گفته‌اید در حدیث دیگران/ گفتمش پوشیده، خوشتر سر یار/ خود، تو در ضمن حکایت گوش دار»

در هر یک از شرح احوال نام آوران فلسفه، تصویری روشن، دل انگیز و جاندار از زندگی یک فیلسوف و رشد و تکوین و تعالی اندیشه‌هایش، نمایانده شده است»

محاکنه و مرگ سقراط، جهاد افلاطون در راه عدالت، ارسطو، فیلسوفی که به اتهام جاسوسی گرفتار آمد، کنفوسیوس، سیاستمداری که در جست و جوی یک کشور بود، دیوژن، فیلسوف گدا، اپیکور، فیلسوف لذت جوی، ست پل و عنوانین بخش‌های این کتاب هستند.

آخرین گودال

لویس سکر/ ترجمه: حسین ابراهیمی (الوند)

انتشارات سروش/ چاپ چهارم ۱۳۸۸

۲۸۰ صفحه/ ۴۰۰۰ تومان

«آخرین گودال»، زمانی است برای نوجوانان که جویز متعددی را از آن خود کرده است؛ نیوبری (۱۹۹۹) ادگار آلن پو (۱۹۹۹) نشنال بوک، بهترین کتاب



سال به انتخاب «اسکول لایبراری جورنال» بهترین کتاب نوجوانان به انتخاب انجمن کتابداران آمریکا، بهترین کتاب سال به انتخاب «پابلیشرز ویکلی»، برنده پرفروش‌ترین کتاب نوجوانان و جوایزی است که «آخرین گودال» آنها را به دست آورده است. حسین ابراهیمی (الوند) ترجمه اثر را به بیجه‌های اصلاح و تربیت تقدیم کرده و نوشته است: «برای بیجه‌های کانون اصلاح و تربیت. باشد که سرانجام خود آنها چون سرانجام «استنلی» و «هکتور» و سرانجام «کانون هایشان» چون سرانجام «اردوگاه گرین لیک» باشد!»

لویس سکر، نویسنده آخرین گودال در سال ۱۹۵۴ در «ایست مدیو» ایالت نیویورک به دنیا آمد. ۹ ساله بود که با خانواده‌اش به تستن در ایالت کالیفرنیا کوچ کرد و در سال ۱۹۷۶ از دانشگاه کالیفرنیا فارغ‌التحصیل شد. او درست یک سال پس از پایان تحصیلات دانشگاهی، نخستین کتاب خود را نوشت.

در این مدت روزها کار می‌کرد و شب‌های نوشت. با این همه یک سال پس از شروع نوشتن از کار اخراج شد.

سکر در سال ۱۹۸۰ از دانشکده حقوق هتینگز سان فرانسیسکو فارغ‌التحصیل شد. او بیشتر کتاب‌هایش را در مدت تحصیل در این دانشکده نوشته است. سکر تا سال ۱۹۸۸ هم وکیل نیمه وقت بود و برای کودکان و نوجوانان می‌نوشت. اما پس از آن که کتاب‌هایش با استقبال روبه‌رو شد، دست از وکالت کشید و تمام وقت به نوشتن پرداخت.

سکر یک سال و نیم روی رمان «آخرین گودال» کار می‌کرد، اما هیچ‌کس حتی همسر و دخترش، چیزی در این باره نمی‌دانستند. او می‌گوید: «فکر می‌کنم شیوه درستی باشد. هر چه آدمی از کاری بیشتر حرف بزند، تمایلش به انجام آن کار کمتر می‌شود. وقتی به خود اجازه نمی‌دادم درباره آخرین گودال چیزی به کسی بگویم، چاره‌ای جز نوشتن آن نمی‌دیدم. من هر یک از کتاب‌هایم را پنج، شش بار بازنویسی می‌کنم و هر بار هم داستان‌هایم دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند. من به این ترتیب تاکنون هجده کتاب نوشته‌ام.»

دختر کشیش

جورج اورول/ ترجمه: بهناز پیاده

انتشارات مجید/ چاپ اول ۱۳۸۸

۳۰۴ صفحه/ ۴۸۰۰ تومان

جورج اورول نویسنده معروف انگلیسی است که دو کتاب او «قلعه حیوانات» و «۱۹۸۴» در به شهرت رساندن او تاثیر بسزایی داشته است. دختر کشیش را پیش از خانم پیاده، مترجمان



دیگری چون غلامحسین سالمی هم ترجمه کرده‌اند. البته کتاب حاضر، هیچ مقدمه‌ای ندارد و حتی درباره اورول و زندگی او به اندازه یک سطر، نه مترجم و نه ناشر مطلبی ننوشته‌اند.

دو کتاب «مزرعه حیوانات» و «۱۹۸۴» بارها مورد انواع اقتباس‌های هنری در تئاتر و تلویزیون و سینما قرار گرفته‌اند که شاید معروف‌ترین آنها، فیلم «۱۹۸۴» به کارگردانی مایکل رادفرورد باشد.

این فیلم که با وفاداری کامل به اصل اثر ساخته شده است، ۱۴ دسامبر ۱۹۸۴ در سینماهای جهان به نمایش درآمد و توانست شش جایزه را در فستیوال‌های جهانی سینما از آن خود کند. اورول نیز مانند بسیاری از نویسندگان و روشنفکران چپ‌گرای هم عصر خود، در دهه ۱۹۳۰ به اسپانیا رفت تا علیه ارتش فاشیست ژنرال فرانکو بجنگد. او در این جنگ مجروح شد و گویا هرگز کاملاً بهبود نیافت و همین جراحت در نهایت به مرگ او انجامید.

اما درباره کتاب دختر کشیش؛ این رمان درباره سیر زندگی دختری است به نام دورتی. او تنها دختر کشیشی در یکی از شهرهای کوچک انگلستان است که زندگی مذهبی خشک و کسالت‌باری را می‌گذراند. او وظایف زیادی در کلیسا و خانه به عهده دارد، پدر سختگیری داشته و تمایلی به ازدواج نیز ندارد. روزی به‌طور ناگهانی حافظه‌اش را از دست می‌دهد و خود را در لندن می‌یابد و وقتی بعد از یک ماه حافظه‌اش بازمی‌گردد به قدری شایعات مختلف در مورد او ساخته شده که پدرش او را در خانه نمی‌پذیرد و دورتی وارد زندگی جدیدی می‌شود و...

از دیگر آثار جورج اورول می‌توان به رمان‌هایی که در ادامه می‌آید اشاره کرد: «آس و پاس در پاریس و لندن» (۱۹۳۳)، «روزهای برمه» (۱۹۳۴)، «دختر کشیش» (۱۹۳۵)، «به آسیبیسترها رسیدگی کن» (۱۹۳۶)، «جاده به سوی اسکله ویگان» (۱۹۳۷)، «درود بر کاتالونیا» (۱۹۳۸)، «هوای تازه» (۱۹۳۹)، «قلعه حیوانات» (۱۹۴۵) و «۱۹۸۴» هزار و نهصد و هشتاد و چهار» (۱۹۴۹).

چهار مقاله نظامی عروضی

بازنویس: عباس جهانگیریان

نشر پیدایش/ چاپ اول ۱۳۲۸/ ۱۳۲ صفحه/ ۲۵۰۰ تومان



چهار مقاله نظامی عروضی یکی از کتاب‌های بسیار ارزشمند قرن ششم هجری قمری است که نه تنها نمونه‌ای ارزنده از سبک‌زبان و ادبیات آن قرن به شمار می‌رود، بلکه به نظر برخی از ادیبان معاصر، برای شناخت دانش و فرهنگ جامعه آن روز نیز مرجع بسیار مناسبی است.

ابوالحسن نظام‌الدین احمد بن عمر بن علی سمرقندی، مشهور به نظامی عروضی، نویسنده و شاعر قرن ششم هجری، نویسنده دربار ملوک «غوریه بامیان» و معاصر خیام و امیر معزی است. این کتاب به نام «حسام‌الدین علی بن فخر الدوله مسعود بن عزالدین حسین» نوشته شده که شاهزاده غوری است. نام اصلی این کتاب، ظاهراً «مجمع النوادر» بوده، ولی چون دارای چهار مقاله است، به نام «چهار مقاله» شهرت یافته است.

این کتاب در سال‌های ۵۵۱ و ۵۵۲ هجری قمری نوشته شده است. عنوان مقاله‌های چهارگانه کتاب چنین است. مقاله اول: در ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل. مقاله دوم: در ماهیت علم شعر و صلاحیت شاعر. مقاله سوم: در علم نجوم و ستاره‌شناسی و دانش منجم و مقاله چهارم: در علم طب و هدایت طبیب.

نویسنده در این مقاله‌ها خواسته است ویژگی‌های چهار پیشه را که به نظر او پادشاهان به آن نیازمندند شرح دهد به همین منظور در هر مقاله ابتدا موضوع این پیشه‌ها و شرایط پیشه‌وران آن را بیان کرده، سپس مناسب با آن ۱۰ حکایت یاد می‌کند که شامل سنت‌ها و آداب و رسوم پیشینیان است.

روش نگارش چهار مقاله، نظیر قابوس‌نامه و سیاست‌نامه، آمیزه‌ای از سبک‌های قرن پنجم و ششم است.

مسجد جلیلی به روایت اسناد ساواک

(مسجد جلیلی تهران)

انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول ۱۳۸۸/ ۶۲۱ صفحه/ ۵۰۰۰ تومان



نهضت اسلامی مردم ایران از سال ۱۳۴۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به لحاظ منحصربه‌فرد بودن آن شایان بررسی و تخصص همه‌جانبه است. در این میان نقش حیاتی مساجد در شکل‌گیری، توسعه، راهبرد، تداوم، هماهنگی و پیروزی آن اهمیت بسزایی دارد و بدون امعان نظر به آن، تحلیل حوادث یا حتی وقایع نگاری تاریخی این حادثه بزرگ امکان‌پذیر نیست.

مرکز بررسی اسناد تاریخی از سال‌ها قبل در برنامه‌ریزی خود به این نکته توجه داشته و با بسیج نیرو و امکانات خود در صدد جمع‌آوری اسناد مکتوب آن برآمد تا این که با توفیق الهی کار جمع‌آوری اسناد مربوط به مسجد جلیلی تهران از کیفیت قابل قبولی برخوردار بوده و نقش آن نیز در حرکت انقلاب اسلامی بارز و مهم ارزیابی می‌شد. اقدام به انتشار آن به عنوان اولین کتاب از مجموعه پایگاه‌های انقلاب اسلامی - مساجد، کرد.

درواقع این کتاب، اسناد به دست آمده از پرونده‌های مختلف ساواک است که به فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرا شده در مسجد جلیلی ارتباط دارد و اسناد پیرامونی مانند شرکت اعضای مسجد جلیلی در مراسم دعای ندبه در منازل یا سایر مکان‌های دیگر در نظر گرفته نشده و جزو این اسناد نیامده است. مجموعه این اسناد شامل کلیه

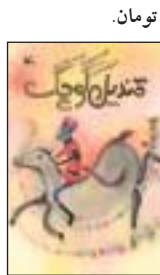
فعالیت‌های آشکار و پنهان انجام گرفته در مسجد جلیلی نیست و تنها بخشی از آن است که از نظر ساواک دور نمانده و توسط منابع آن سازمان گزارش شده و به صورت مکتوب در پرونده‌ها ضبط و بایگانی شده است. علاوه بر این، اسناد به ترتیب تاریخ وقوع آورده شده و در سندهایی که تاریخ وقوع آن معلوم نیست به شماره و تاریخ نامه و گزارش توجه شده و بر اساس آن تنظیم شده است.

قندیل کوچک

غسان کنفانی/ ترجمه: غلامرضا امامی

تصویرگر، پرستو احری/ انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

چاپ اول ۱۳۸۷/ ۴۰ صفحه/ ۱۸۰۰ تومان



«قندیل کوچک»، داستانی است برای گروه‌های سنی «ج» و «د». داستان چنین شروع می‌شود: «آن روز صبح، شهرآز شنیدن خبری ناگوار در التهاب بود؛ امیر پاکدامن پیر مرده بود؛ امیری که در تمام زندگی‌اش

به دادگری فرمان می‌راند و مردم، همه او را دوست داشتند. غم و اندوه مردم، هر دم بیشتر می‌شد؛ هم به خاطر مرگ امیر و هم به سبب آن که تنها بازمانده امیر، دخترک کوچکی بود که نمی‌توانست به جای پدر فرمانروایی کند. اما امیر وصیتی برای دخترش به جا گذاشته بود و در آن نوشته بود: هنگامی می‌توانی به جای من بر تخت بنشینی که خورشید را به قصر بیاوری. اما اگر نتوانی خورشید را به قصر بیاوری، باید همه عمرت را در صندوق چوبی در بسته‌ای بگذرانی.»

عکاسان و عکاسی

به کوشش ناتان لاینز

ترجمه: وازریک درساهاکیان و بهمن جلالی

انتشارات سروش/ چاپ چهارم ۱۳۸۸

۱۴۱ صفحه/ ۲۵۰۰ تومان



سال ۱۸۲۶ نخستین تصویری که صرفاً حاصل فرایندی فیزیکی و شیمیایی بود توسط «ژوزف نیسپورنیس» ثبت شد و از آن زمان تاکنون عکاسی به عنوان واسطه‌ای ضروری برای ارتباط و بیان، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

عکاسی پدیده‌ای هنری و درعین حال علمی است که این دو جنبه در طول پیشرفت حیرت‌انگیز آن، از صناعت و مهارت فردی تا شکل‌گیری به عنوان یک رسانه و هنری مستقل، همواره به هم پیوسته و جدایی‌ناپذیر بوده‌اند. هر گاه اکتشافی تازه یا ابداع اختراعی جدید در تکنیک ثبت تصویر صورت گرفته، عکاسی میدان نفوذ خود را در زندگی وسعت بیشتری داده است.

این کتاب دربرگیرنده هفت مقاله از عکاسانی شاخص چون برنیس آبوت، ادوارد اشتاینخ، آسل آدامز، هانری کاراتیه - بروسون، یوجین اسمیت و مانیور وایت است.

در این کتاب سعی شده عکاسی نه فقط به عنوان تکنیکی برای ثبت تصویر، بلکه به مثابه یک رسانه مورد بررسی قرار گیرد؛ رسانه‌ای که با مختصات ویژه خود در میان تمامی ابزارهای بیانی دیگر جایگاهی مستقل دارد.

بررسی حاضر از جانب کسانی صورت گرفته است که برای تسلط بر این پدیده و به کارگیری آن، کشف امکانات آن و انطباقش با نگاه خاص خود بسیار کوشیده‌اند و حاصل کوشش آنان است که راه عکاسی را روشنی بیشتری بخشیده و آن را از سطح صناعت و تکنیک محض به مقامی رفیع و حساس رسانده است.



سجاد صاحبان زند

انتشار فیلمنامه به شکل کتاب، همواره این نظریه را که می توان این متن را تنها به وجوه کاربردی اش در عرصه سینما محدود کرد، دچار چالش می کند. یعنی شما بعد از اینکه فیلمنامه ای منتشر شد، وجوه دیگری برایش قائل می شوی که چندان با تعاریف اولیه و کلاسیک آن سازگار نیست. برخی از افراد این مساله را می پذیرند و برخی دیگر با آنکه فیلمنامه هایشان را منتشر می کنند، اما هدف اصلی آن را در ساخته شدن می دانند. جواد کراچی یکی از این افراد است. او که دارای مدرک کارشناسی ارشد در عرصه سینماست، دوره هایی را نیز به طور تخصصی در آلمان گذرانده است. وی فیلمنامه را بیشتر متنی می داند که باید آن را به فیلم تبدیل کرد. کراچی پیش از این فیلمنامه های «از پاشا، پیروش و آتش» و «دیوار کوتاه شما» را منتشر کرده و آثاری چون «استنطاق» و «نخل کج» را در دست چاپ دارد. البته در این گفت و گو، آخرین فیلمنامه منتشر شده کراچی با عنوان «بیدارم، برو»، محور بحث قرار گرفته است و بالطبع، یکی از سوال ها دلیل انتشار این فیلمنامه و این نکته بود که تا چه اندازه می توان به فیلمنامه به عنوان یک اثر ادبی نگریست؟

«بیدارم، برو» در گفت و گو با جواد کراچی

جذابیت استعاره در سینما

نخواستیم نشان دهم که چه کسی این کار را می کند. این به جذابیت داستانی کمک می کند. شما نمی دانی که چه کسی در حال تعویض لاستیک است. نمایش ندادن این مورد، نوعی تعلیق ایجاد و به جذابیت سکانس بعدی کمک می کند. به نظرم این جذابیت باید در فیلمنامه نیز مورد توجه قرار گیرد. شاید در کارهای مستند، این شگردها را خیلی راحت تر مورد استفاده قرار داده باشم. مثلا در فیلم «انگار، دیروز» که سال قبل در ایران ساختیم، با کسانی مصاحبه کردم و آنها را نشان دادم. البته در آنجا هم همه قسمت ها را به نمایش گذاشتم تا به جذابیت کار کمک کند. شما در آن کار نمی دانی که گاه گفت و گوها با چه کسی انجام شده و این شما را کنجکاو خواهد کرد که با دقت بیشتری ادامه کار را ببینی و رازها را کشف کنی. فکر کردم جذابیتش بیشتر است که کار کمی جنبه رازگونه پیدا کند.

با این توصیف شما چندان معتقد به رعایت یک سری اصول از پیش تعیین شده در فیلمنامه نیستید...

صدر درصد. من در دوران تحصیل هشت ساله ام در سینما، شاگرد استادانی چون استفان زاو بودم که یکی از فیلمسازان مطرح مجارستانی است. شاگرد افرادی چون ویمال دات بودم، که برای ساتیا جیت رای فیلمنامه می نوشت. در کنار این ها شاگرد مستمع آزاد افرادی مثل بهرام بیضایی بودم. من همواره آثار ایشان را خوانده ام و از آنها درس گرفته ام. تاثیری که من از ایشان گرفتم، در کارم نقش بسیار مهمی داشت. از سویی، من به سینمای مستقل بسیاری از کشورها با نگاه تحقیقی نگاه کرده ام. به هر حال فیلم های متفاوت، مدرن و مدرن کشورهای غربی تفاوت هایی با فیلم های متعارفشان دارند. من همواره به این فیلم ها با دقت نگریسته ام و این سبب شده تا آشنایی خوبی با آنها داشته باشم. اگر بخواهم مطلب را خلاصه کنم، ادغام این دو شیوه، یعنی نوشتن به سبک کلاسیک و نوشتن به سبک مدرن، نوعی انعطاف پذیری را در من ایجاد کرده. به این ترتیب موقع نوشتن فیلمنامه نگاه می کنم که چطور می توانم مفاهیم درون ذهنم را بیان کنم و در عین حال به تاثیرگذاری کارم بیفزایم. یعنی هر شیوه ای که مطمئن باشم فیلمنامه ام را تاثیر گذارتر می کند، به طور حتم از آن بهره خواهم گرفت.

چقدر می توانید آنها را برای ساخت به دیگران بدهید؟

اصلا به این نکته فکر نمی کنم. من فیلمنامه می نویسم تا خودم آنها را بسازم. فیلمنامه ها و فیلم ها من شبیه بچه های من هستند. من معمولا فیلمنامه ها را برای خودم می نویسم و خودم می دانم که چگونه باید آنها را ساخت. من هشت سال در این رشته درس خوانده ام و الان هم در شبکه های تلویزیونی جهانی کار می کنم. کسی که فیلمساز است، ترجیح می دهد متن هایش را خودش کار کند. اما با این همه، من از سال ۱۳۷۱ به ایران آمده ام و همواره رفت و آمد دارم، اما هنوز نتوانسته ام فیلم مورد علاقه ام را بسازم. از این نکته نیز بسیار آزرده و دلگیرم، چرا که دوست دارم در کشورم بتوانم فیلمی بسازم که خودم دوستش دارم. دوست دارم آن قدر تلاش کنم تا بتوانم کارهایم را در ایران بسازم یا کتاب هایم را در اینجا منتشر کنم.



بتوانم روی فیلمنامه هایی جدید کار کنم. از سویی دیگر، انتشار فیلمنامه شاید سبب شود تا توجه بیشتری به فیلمنامه اش صورت گیرد و امکان ساخته شدنش راحت تر شود.

در کتاب دو دیدگاه متفاوت به فیلمنامه نویسی وجود دارد. در بخشی از فیلمنامه، سکانس ها به صورت نما به نما تصویر شده؛ مثل نماهای مربوط به تعویض شدن لاستیک ماشین. اما در جایی دیگر، تصویری کلی آمده؛ مثل سکانس کشته شدن مجید. شما نوشته ای؛ و مرگ سایه سیاهش را روی او پهن کرد. آیا این نگاه دو گانه، به طور عمدی وارد کتاب شده؟

سوال بسیار جالبی را مطرح کردید و این نشان می دهد که کتاب را به دقت خوانده اید. در صحنه ای که لاستیک ماشین در حال تعویض شدن است، از نماهایی بسته استفاده کرده ام و همان طور که شما اشاره کردید، در جاهایی دیگر، شرح تصاویر را خیلی راحت و بدون توجه به جزئیات نوشته ام و به شرح توصیفی نماها پرداخته ام. بله، من به طور عمدی از این دو شیوه بیانی استفاده کرده ام. یعنی عمدی در آنجا به نمایش نماهای نزدیک پرداخته ام و در جایی دیگر به شرح کلی تصاویر بسنده کرده ام. می توانم این موارد را یکی یکی و به تفصیل توضیح دهم، اما چون شما دو مورد را مطرح کردید به توضیح در مورد همین دو نکته خواهم پرداخت. مثلا در آن نمایی که تعویض چرخ به نمایش در می آید، به طور عمدی

در کنار کارگردانی آثار مستند و داستانی، آثار مختلفی نیز نوشته ام. زمانی که از ساخته شدن فیلمنامه ای مایوس می شوم، ترجیح می دهم آن را چاپ کنم

کند. مثلا هر گاه حس کرد که کارش مورد علاقه اش است با اسم درست و هر گاه خواست تحقیرش کند، به اسمی ساختگی صدایش زند. اصغر، انسان، کمک راننده و کارگر شریفی است که در دست فرد مستبدی گرفتار شده. او که در جوانی دچار مشکلی شده و اعتماد به نفس اش را از او گرفته، حال نمی تواند در برابر مجید، که رییس اش است، کاری صورت دهد. گاه اعتراضی می کند، اما در نهایت فرمانبردار است. در صحنه های ازدواج زن، ما شخصیت واقعی مجید را می بینیم، در واقع صورت ظاهر او تغییر می کند و ما درونش را می بینیم اما او گمان می کند که اصغر، اسیر اوست.

شما بعد از آنکه فیلم ساخته نشد، ترجیح دادید که آن را چاپ کنید. آیا یکی از دلایل این موضوع به دلیل ارزش ادبی فیلمنامه نزد شماست؟ به هر حال شما پیش از این نیز فیلمنامه چاپ کرده بودید...

در کنار کارگردانی آثار مستند و داستانی، آثار مختلفی نیز نوشته ام. زمانی که از ساخته شدن فیلمنامه ای مایوس می شوم، ترجیح می دهم آنها را چاپ کنم. شما اگر فیلمنامه های من را بخوانید می بینید که من آنها را به شکل توصیفی نوشته ام، در واقع تصویری اند، همان گونه که باید به فیلم تبدیل شوند. بن مایه های تصویری کار من خیلی بارزتر است تا وجوه توصیفی آن. این نکته نشان دهنده آن است که من همواره دنبال به تصویر کشیدن این آثارم. یعنی بیش از آنکه به وجوه ادبی کار توجه داشته باشم، به ساختار سینمایی و تصویری آن می اندیشم. یعنی بیش از آنکه به فکر این مساله باشم که این صحنه باید، چگونه نوشته شود، به فکر این هستم که این صحنه باشد و در ساختار سینمایی اش چگونه فیلمبرداری شود. به همین دلیل به گونه ای می نویسم که بتوانم آن ها را بسازم.

پس چرا چاپشان می کنید؟

وقتی احساس می کنم فیلمنامه ای در حال خاک خوردن است، چاپش می کنم، چون به هر حال من زمانی را صرف نوشتن آن کرده ام و دوست دارم محصول کارم دیده شود. من از این که کارم خاک بخورد، آزرده می شوم. این نکته سبب می شود که من

فیلمنامه شما، در محیط خارج شهر اتفاق می افتد و به نوعی فیلمنامه جاده ای به شمار می آید. چطور شد این که موضوع را انتخاب کردید؟ این داستان چه نکته ای داشت که شما را به نوشتن ترغیب کرد؟

شما دو سوال را مطرح کرده اید که من در ادامه به آنها پاسخ خواهم داد. نخست به این بپردازیم که چرا فیلمنامه ای جاده ای را برگزیدم. همان طور که می دانید، ژانر فیلم های جاده ای در تاریخ سینما دارای قدمتی بسیار طولانی است. زمانی که در سال ۷۲ شروع به نوشتن این فیلمنامه کردم، حس کردم که این ژانر چندان در ایران مورد توجه قرار نگرفته شده است. حس کردم که فیلم جاده ای، به دلیل دشواری هایی که در فیلمبرداری و تولید دارد، در ایران کم کار شده، اما جای کار بیشتری دارد. به همین دلیل، سراغ فیلمنامه جاده ای رفتم و از آن نوشتیم، گرچه فیلمنامه های دیگری هم داشتیم که همزمان روی آنها کار می کردم، که در محیط شهری رخ می داد اما متأسفانه موفق به ساخت این فیلم در ایران نشدم و تصمیم گرفتم آن را به صورت کتاب چاپ کنم. اما به هر حال، علاوه بر موضوع فیلم، ساختار و فرمی که قرار است داستان در آن روایت شود، مورد علاقه من است. شما می توانی در این سبک بیانی، یعنی ژانر جاده ای، داستان های خوبی را به تصویر بکشی و در عین حال، مخاطب نیز داشته باشی.

و این داستان چه نکته ای داشت که شما را به نوشتن ترغیب کرد؟

شعری از مارگوت بیگلر را برایتان می خوانم. نقل به مضمون، او نوشته است: «در درون هر کسی رازی بزرگ نهان است، داستانی، راهی و بیراهه ای، طرح افکندن این راز، راز من و تو راز تو/راز زندگی، حاصل بزرگ تلاشی پر حاصل است»، همه ما انسان ها رازهایی را در درونمان نهان کرده ایم، رازهایی که در سفر زندگی، شکل گرفته اند. پیدا کردن راز و سیر و سلوک زندگی در این جاده (جاده زندگی)، حرکتی است که انگار به سفری به درون انسان ها ختم می شود. رازهایی درون این شخصیت هاست که در این سفر جاده ای خودشان را نشان می دهند. صدیقه خانم (یا ایران خانم یا گل بانو) رازهایی دارند که در تقابل با دیگران خودنمایی می کنند. او یک شخصیت و یک فرد است، اما اسم هایی متفاوت دارد. یا در مورد مجید، راننده مستبد ماشین. در کنار این ها شخصیتی به نام های اصغر یا اسخر داریم که هر بار مجید او را با اسمی صدا می کند. هر گاه که مجید می خواهد او را اصغر صدا می کند و هر گاه که می خواهد «اسخر» صدایش می زند. در عین حال، هر یک از این شخصیت ها، بیانگر وجوه شخصیتی ای هستند که در بسیاری از ما وجود دارد. یعنی نمایندگی طیف هایی از جامعه را به عهده دارند. به نظر من، نماد جاده در برابر زندگی، که در حال گذران آن هستیم، بیانگر زندگی و شناخت آدم هاست.

به نظر می رسید که در محاوره این تغییر به وجود آمده منظورم تغییر اسم اصغر به «اسخر» است...

این تغییر در این فیلمنامه، با یک پس زمینه صورت گرفته است. چرا مجید او را به این دو شکل صدا می کند؟ او می خواهد این فرد را در دستان خود داشته باشد و هر بار به هر نحوه ای که خواست صدایش



با مطالعه داستان‌های دو دهه اخیر، نکته‌ای که بیش از هر چیز به چشم می‌خورد، گرایش به سمت ترنندهای زبانی و پرداختن به موضوعات درونی است که با سبک رئالیسم جادویی به اوج خود می‌رسد؛ سبکی که طرفداران پرشماری در میان مخاطبان داستان در دوران کنونی دارد. از این رو عده‌ای از منتقدان، داستان‌های ساده و عامه‌پسند را نوعی سبک نخ نما شده می‌انگارند و چنین داستان‌هایی را در شمار آثار حرفه‌ای ادبی به شمار نمی‌آورند، غافل از آن که هنوز هم اکثر مخاطبان داستان را افراد عامی با سلیقه‌های ساده‌پسند تشکیل می‌دهند. گفت‌وگوی ما با لادن نایب بختیاری متولد ۱۳۱۸ ارومیه در حالی شکل گرفت که وی پنجمین کتاب خود را با عنوان «خوجی راما» از سوی نشر نخستین در دست انتشار دارد.

لادن بختیاری از داستان‌هایش می‌گوید

معتقد به فطری نوشتنم

به عنوان اولین سوال از سابقه و چگونگی گرایش شما به نویسندگی بگویید.

از دوران نوجوانی علاقه فراوانی به نوشتن داشتم اما اغلب اوقات احساس می‌کردم نوشته‌هایم قابلیت چاپ ندارند و در عین حال، به سوزهای متعددی فکر می‌کردم. اگر بخواهم به صورت دقیق اشاره کنم باید بگویم که بعد از دوران فارغ‌التحصیلی به فرانسه رفتم و آنجا حرفه طراحی لباس را دنبال کردم که اصطلاحاً به آن «کنفکسیون» می‌گفتند تا پس از انقلاب و دوران جنگ تحمیلی در سفری که به ایران داشتم با دیدن وقایع ایران و جنگ و کشته‌شدگانی که بر اثر بمباران جان خود را از دست داده بودند، اولین سوزهای نویسندگی در من شکل گرفت و لازم دیدم آنچه را سال‌ها همراهم بوده و همواره از نوشتنش پرهیز داشته‌ام روی کاغذ بیاورم. همین موضوع باعث شد که داستان «طلا» را نوشتم و در آن به صورت غیرمستقیم به جنگ و پیامدهای آن پرداختم.

پس چرا این فضای تاثیرپذیری از جنگ در دیگر داستان‌هایتان مثل «سالار» و ... کمتر دیده می‌شود؟

برای هر داستان، باید از عوامل، سوزها و مسائلی که در دوران نوشتن آن داستان در جامعه رخ داده بهره گرفت و به همین دلیل طبیعی است که در دیگر داستان‌ها، کمتر به جنگ و حواشی مربوط به آن اشاره کنم، چون وقتی آن داستان‌ها را می‌نویسم، دیگر جنگ تمام شده بود. اما در عوض از مسائل دیگری که در آن برهه روی داده، در فضای داستان استفاده کرده‌ام.

در داستان «ترمه» با راوی سوم شخص مواجه هستیم که در طول داستان وقایع را لحظه به لحظه روایت می‌کند. چرا اغلب از راوی سوم شخص استفاده می‌کنید؟

معمولاً برای شرح وقایع یک داستان، زبان‌های گوناگونی را می‌توان به کار گرفت اما دلیل این که از راوی سوم شخص استفاده کرده‌ام یکی این است که داستان کوتاه نبود و در آن کاراکترهای گوناگونی حضور داشتند و به همین دلیل برای این که تداخل معنایی به وجود نیاید از راوی سوم شخص استفاده کرده‌ام. دوم این که همواره دوست داشتم به عنوان یک قصه‌گو،



مخاطبم را با خودم همراه کنم و خواسته‌ام که شیوه زبانی شخصیت‌های داستانی هم حفظ شود. مشخصاً درباره «ترمه» باید بگویم که پیام داستان این است که جوانان فریفته ظاهر غرب نشوند و به فرهنگ خودشان رجوع کنند. به همین منظور ترجیح دادم از راوی سوم شخص استفاده کنم.

معمولاً برای هر داستان جقدر وقت می‌گذارید؟

بستگی به نوع داستان و روند آن دارد. چون خودم را مقید نمی‌کنم که برای شخصیت‌های داستان تعیین تکلیف کنم و اجازه می‌دهم که کاراکترها در داستان روند طبیعی خود را طی کنند. ناگفته نماند که وقتی مشغول نوشتن می‌شوم به هیچ وجه جملات قبلی را حذف یا اصلاح نمی‌کنم و همان چیزی که در لحظه در ذهنم اتفاق می‌افتد را روی کاغذ می‌آورم اما اگر به طور پیوسته به نوشتن بپردازم و شاکله داستان در ذهنم باشد در حدود چهار ماه می‌توانم داستانی را به پایان برسانم.

آیا کتاب‌هایتان را به ویراستار هم می‌سپارید؟

معمولاً این کار را انجام نمی‌دهم چون معتقدم همان جملاتی که برای اولین بار از ذهنم تراوش کرده، به

مراتب طبیعی‌تر و زیباتر از جملات ساختگی است که به نظر یک ویراستار می‌رسد. در ثانی وقتی نوشته‌ای توسط یک ویراستار اصلاح شد، دیگر نمی‌توان با اطمینان خاطر گفت که آن نوشته از من بوده، بلکه سلیقه فرد ویراستار هم در آن دخالت داشته است به همین منظور از این کار تاکنون اجتناب کرده‌ام.

در داستان‌هایتان، بیشتر به چه مسائلی و موضوعاتی پرداخته‌اید که فکر می‌کنید ویژگی شما نسبت به سایر نویسندگان به حساب می‌آید؟

چیزی که برای من همواره جذابیت داشته و سعی کرده‌ام به آن بپردازم، روابط بین آدم‌هاست و رفتارهایی که در موقعیت‌های حساس از خود بروز می‌دهند. به همین دلیل معمولاً داستان‌هایم در زندگی افراد اتفاق می‌افتد البته به هیچ عنوان به دنبال مسأله‌سازی در زندگی شخصیت‌های داستانم نیستم و به نظرم زندگی طبیعی انسان‌ها قابلیت تبدیل شدن به یک داستان خواندنی را دارد. ساده‌تر، بگویم همواره سعی کرده‌ام که ژست نویسندگانی که خواننده را دچار پیچیدگی می‌کنند، نگیرم و به نظرم به کارگیری زبان ساده و همه‌فهم،

خصیصه‌ای است که به ماندگاری اثر کمک می‌کند. باز خورد داستان‌هایتان به چه صورت بوده است؟

خوشبختانه هریک از داستان‌هایم به چاپ‌های چهارم و پنجم رسیده‌اند و در برخورد با خوانندگان هم معمولاً آنها بر این نکته تاکید می‌کنند که از خواندن داستان‌هایم لذت برده‌اند چون به اعتراف آنها، اغلب داستان‌ها از پس زمینه‌ای عرفانی، ایثار و ... برخوردار بوده‌اند.

نقش زنان در داستان‌های شما چیست و از چه جایگاهی برخوردارند؟

آنچه من در داستان‌هایم به آن توجه کرده‌ام، این بوده که بگویم زن‌ها همواره عزیز و محترم بوده‌اند چرا که یا نقش خواهر را ایفا کرده‌اند، یا نقش مادر را که بسیار مقدس است و معمولاً دنبال این نبوده‌ام که از زن‌ها شخصیت‌های موردظلم واقع شده بسازم چون مخاطب کتاب‌های من، فقط خانم‌ها نیستند و مردان هم می‌توانند مخاطب آن باشند. اما در کتاب «سالار» کمی به کم عاطفه بودن مردان پرداخته‌ام.

درباره آخرین کتابتان که در دست انتشار دارید و نامی که برای آن برگزیده‌اید، توضیحاتی بفرمایید.

آخرین کتابی که از من در حال انتشار است «خوجی راما» نام دارد. داستانی درباره دختری است که خجسته نام دارد که نام او را مخفف کرده‌اند و به او «خوجی» گفته‌اند. در این میان دوستان و همکلاسان این دختر، به اسم او پسوند «راما» را هم اضافه کرده‌اند و او را خوجی راما صدا زده‌اند.

به عنوان سوال آخر یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های شما چیست؟

نکته‌ای که خیلی برام اهمیت دارد، سوال و پرسش از مسئولان فرهنگی در ایران است که در حالی که افرادی مثل من، خودشان را جزو خانواده آنها می‌دانند و همواره تلاش می‌کنند تا به فرهنگ‌سازی کمک کنند چرا مورد حمایت معنوی قرار نمی‌گیرند و هیچ‌کس از ما سوالی نمی‌پرسد که در حال حاضر مشغول چه کاری هستید. من از این مسئولان انتظار پشتیبانی داشتم چون همیشه سعی داشتم در کتاب‌هایم نکاتی که کمتر به آن توجه می‌شود را مدنظر قرار دهم.

با خدیجه مهابادی و «من در آینه باران»

درونگرایی در زبان و تصویر

«من در آینه باران» مجموعه‌ای از سپیدسرایی‌ها، غزل سروده‌ها، ترانه‌ها و نمایشی‌واره‌های خدیجه مهابادی است که در عین سادگی، از ژرفایی معنایی چشمگیری برخوردار است. واژه‌ها بی هیچ برداشتی خاص از دیگران در چیدمانی زیبا کنار هم نشسته‌اند که با احیای فضای بومی، تأثیری عمیق بر مخاطب می‌گذارند. نکته قابل تأمل درباره «من در آینه باران» آن است که این کتاب با نقاشی‌هایی از پدر خدیجه مهابادی - مرحوم محمود مهابادی - همراه شده که به گفته شاعر، یکی از دلایل اصلی انتشار این کتاب بوده‌اند.

خانم مهابادی! می‌خواهم یک سوال کلی از شما بپرسم. تعریف «شعر» چیست؟

قاعدتاً باید به این پرسش کلی، پاسخ کلی هم داد. ببینید! خیلی از بزرگان از گذشته‌های دور، مثلاً از زمان ارسطو تاکنون سعی داشته‌اند شعر را تعریف کنند. در دوره‌ای به آن «صناعت» می‌گفته‌اند و در دوران ما به آن «هنر» می‌گویند. اما به اعتقاد من، تعریف شعر به

«هنر» نوعی محدود کردن آن است. به نظرم شعر رفتاری انسانی است که در عده‌ای بروز می‌یابد و رشد و پیشرفت می‌کند و در عده‌ای دیگر، ظهور و بروزی دیگرگونه می‌یابد. به طور خلاصه باید بگویم که به نظرم شعر عصاره اندیشه، احساس و خداجویی در قالب زبان است.

در برخی از شعرهای شما که در قالب کلاسیک سروده شده‌اند، گاهی می‌بینیم که شما از رعایت قواعد آن قالب فراتر رفته‌اید و به نوعی هنجارشکنی کرده‌اید. در این مورد بیشتر برایمان توضیح دهید؟

در سرودن این اشعار سعی کرده‌ام که دنباله‌رو فرد یا اندیشه خاصی نباشم به همین دلیل ناخودآگاه از قالب و قواعد مربوط به آن هم دوری جست‌ام. هرچه در این شعرها اتفاق افتاده در واقع انعکاسی بوده که در وجود خودم پیدا کرده‌ام و آن را روی کاغذ آورده‌ام و معتقد نبوده‌ام که به خاطر رعایت مثلاً قوانین عروضی، برخی واژگان را تغییر دهم چرا که همواره بار معنایی واژگان برایم اهمیت داشته است!

چه شد که به فکر انتشار این مجموعه افتادید؟

پیش از فوت پدرم چون ایشان پیشنهاد داده بودند که مجموعه‌ای از شعرهایم را منتشر کنم، تعدادی از نقاشی‌هایی که کشیده بودند را جمع‌آوری کردم و در کنار شعرها قرار دادم تا مطابق خواسته پدرم

عمل کرده باشم و کتاب منتشر شد.

چرا در اغلب شعرهای شما فضای سنگینی وجود دارد و حتی در طرح جلد کتاب هم رنگ سیاه یکدست یادآور فضایی اندوهگین است؟

دلایل مرگ پدرم بود که تأثیری عمیق بر من گذاشت و اما فضای غم و اندوهی هم که در شعرها می‌بینید شاید به نوع شخصیت من برمی‌گردد که بسیار درون‌نگرا هستم. درباره نقاشی‌های چاپ شده در این کتاب بفرمایید و این که چگونه طراحی شده‌اند؟

این نقاشی‌ها با مداد ساده و کاغذ A4 کشیده شده‌اند. اما اغلبشان به نوعی رمزآلودند و حتی به گفته کارشناسان موسسه صبا که آنها را بررسی کرده‌اند، در آنها رمز و نوشته‌های پنهانی وجود دارد. این نقاشی‌ها را پدرم طی چندین سال کشیده بودند که در آنها نکات روایی و تقابل خیر و شر وجود دارد.

روند انتشار و توزیع کتابتان به چه صورت بود؟

من این کتاب را به صورت ناشر مولف منتشر کردم و در صدمم تا به واسطه مراکز توزیع آن را به دست مخاطبان برسانم که خوشبختانه با استقبال کتابفروشی‌ها و مراکز توزیع هم مواجه شده‌است چون در کنار شعرها، تصاویری که چاپ شده‌اند، القاکننده فضایی خاص به مخاطب هستند.



نگاهی به تولید کتاب هایی با مضمون نیایش در آستانه روز عرفه

آسمان در سطرهای پنهانی



که مولفان معاصر در این حوزه کودکان و نوجوانان را نیز فراموش نکرده اند.

کتاب هفت جلدی «دعا و نیایش» برای کودکان، تازه ترین اثری است که از سوی نشر افق منتشر می شود. «چند تا ستاره، وای خدا»، «خدا، خدای مهربان»، «دوست تمام بچه ها»، «دوست داریم خدایا» و ... عناوین برخی جلد های این مجموعه کتاب به شمار می آیند.

ترانه های نیایش نیز مجموعه دیگری شامل هفت کتاب با عناوین مختلف اند که مجموعه شعری مختص خردسالان با وزن و آهنگ های متفاوت به حساب می آیند.

کتاب شناسی یک ضرورت پژوهشی

تولید کتاب در این مضمون ویژه، در سال های اخیر رشد قابل ملاحظه ای داشته است و این گزارش تنها می تواند فتح بابی برای یافتن عناوین تازه تر باشد. کتاب های نیایش در هر دین و آیین، مجموعه ای ارزشمند از معارف و دانش هارا تشکیل می دهند که تحقیق و پژوهش درباره آنها، نیازی ضروری و زیربنای این تحقیقات، کتاب شناسی است. در سال ۱۳۸۶ نخستین اثر در این حوزه روانه بازار کتاب شد.

«کتاب شناسی نیایش» به کوشش سید رضا باقریان موحد و به سفارش موسسه فرهنگی - دین پژوهی بشری را باید نخستین تجربه در این حوزه دانست. در این کتاب شناسی، نگارنده مهم ترین کتاب هایی را که درباره دعا و «کتاب شناسی نیایش» آثار این حوزه را که به فارسی و عربی نوشته یا ترجمه شده اند، به ترتیب حروف الفبا و به صورت توصیفی معرفی کرده است. در مقدمه کتاب، از ضرورت کتاب شناسی نیایش، سابقه کتاب شناسی نیایش، محتوای این کتاب شناسی و شیوه تدوین آن، سخن به میان آمده است. این اثر، عهده دار پاسخ به این پرسش هاست.

اما به راستی مهم ترین کتاب هایی که درباره دعا و نیایش به زبان فارسی و عربی، از دیرباز تاکنون، نوشته یا ترجمه شده اند، کدامند؟ محتوا و موضوع اصلی این آثار چیست؟ موضوعات فرعی و جانبی این کتاب ها کدامند؟ ویژگی ها و امتیاز های این آثار چیست؟

همچنین، شهید چمران دعای کمیل را ترجمه کرد که این اثر نیز منتشر شده است. این کتاب که مشتمل بر مقدمه ای کوتاه از شهید چمران است، درباره نیایش به خط خود شهید چمران نگاشته شده ترجمه دعا نیز ترجمه ای ادبی و زیباست.

پس از آن و در سال های اخیر، ترجمه ها و تالیف های بسیاری در حوزه نیایش منتشر شده اند با این تفاوت که آثار متأخر بیشتر به تحلیل مضمون پرداخته اند و با نگاه به متون نیایشی معتبر آنها را بازخوانی کرده اند.

یکی از این کتاب ها «نیایش عارفان» اثر محمد فناپی اشکوری است که چندی پیش به همت انتشارات موسسه شیعه شناسی منتشر شد.

«نیایش عارفان» شرحی بر حکمت و معنویت شیعی، اثری است که مولف آن می کوشد عرفان ناب شیعی را به دور از اصطلاحات تخصصی و فارغ از یکجانبه نگری به زبان امروزی عرضه کند. این کتاب شرحی است بر دعای کمیل که پس از سال ها تحقیق به نمره رسیده و مولف در آن کوشیده هم از حیث مضمون و هم از حیث قالب و صورت اثری درخور و تاثیر گذار ارائه دهد.

فناپی در مقدمه کتاب می نویسد: «دعای شریف کمیل با این که بسیار خواننده می شود، اما کمتر به معانی و تعالیم آن توجه می شود. اگر این دعای شریف با معرفت و توجه به معانی آن خوانده شود، قطعاً آثار و برکات بیشماری خواهد داشت. غرض از نگارش این کتاب نشر معارف و فرهنگ معنوی است که از دعای شریف کمیل استفاده می شود. غرض ارائه عرفانی است که از زبان امام العارفین امیر المومنین (ع) به ما رسیده است.»

مولف در این کتاب درصدد است معنویت شیعی را آنچنان که از تعالیم قرآنی، نبوی و علوی استفاده می شود و دعای کمیل یک جلوه از آن است و تحلیل عقلی و منطقی هم آن را تأیید می کند، البته در سطحی متناسب با فهم عامه تحصیل کردگان تدوین کند. همچنین کوشیده است از ادبیات استفاده کند که برای خواننده امروزی جذاب باشد.

وی معتقد است: «این نگرش ضمن این که معنویت خواهی را در جهت درستی هدایت می کند، یکی از بهترین راه ها برای معرفی تشیع و مکتب اهل بیت (ع) و مقابله با مکتب های شیطان وار داتی است. کمتر کسی است که با این تعالیم آشنا شود و دل به مکتب اهل بیت (ع) نسپارد.»

اجابت دعای کودکان شاعر

در نگاهی دوباره به کتاب های نیایش، می بینیم

ارائه کند.

صحیفه سجادیه و نیایش های امام چهارم

«به درگاه کبریا و عظمت پروردگار سپاس و ستایش می گذارم که ذات لایزالش ازلی است و ازلیت بی ابتدایش لایزال و جاویدان است. دیده کوتاه بین ما یارای دیدارش ندارد و فکر کودک و کوچک ما از عهده تعریف و توصیفش بر نیاید. جهان را به قدرت بی ماندش بیافرید و مشیت عظمایش بنای خلقت فرو گذاشت. ابداع کرد، اختراع کرد و ... کائنات را با اراده خویشتن به سیر و سفر واداشت و هدف خلقت را محبت ذات اقدس خود قرار داد.»

«ای گشاینده عقده ها و ای در هم شکننده انبوه اندوه. ای که ابرهای کدورت و غم را از افق فکرها برکنار می کنی. ای بخشاینده این جهان و آن جهان... پروردگارا از فتنه هایی که گمراه کننده اند و روزگار را بر ما تباہ سازند برکنارمان دار، به رحمت تو ای مهربان تر از هر کس که مهربان است، پناه آورده ایم.» این عبارت دو فراز دلنشین از کتاب صحیفه سجادیه، مجموعه نیایش های حضرت علی بن الحسین (ع) امام چهارم شیعیان است. این کتاب که بعد از قرآن و نهج البلاغه از مهم ترین متون مذهبی شیعیان است، در طول تاریخ به عنوان میراث معارف شیعه و در قالب نیایش حفظ شده است. هر چند نهج البلاغه نیز مشتمل بر دعاهای بسیاری است و در کنار آن نیایش های کمیل، ندبه و توسل که هر یک به نوبه خود بسیار قابل توجه اند و جود دارند، اما صحیفه سجادیه به عنوان قدیمی ترین کتاب از معارف شیعه که به صورت مدرن و ویژه نیایش های عرفانی امام سجاد (ع) را در خود دارد و از پر شمارگان ترین کتاب های مذهبی در ایران است، اهمیت بسیاری دارد.

از مناجات نامه تا بینش و نیایش

از میان کتاب های فارسی نیز که نیایش های اهل عرفان و سلوک را در خود دارد، می توان به مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری اشاره کرد. سراسر ادبیات کلاسیک فارسی که امروز در اختیار ماست نیز از شعر و نظم همگی با نیایش آغاز می شود و در خود فراز های دلنشینی از عرفانی ترین انگاره های مذهبی را در قالب نیایش جای داده، اما می توان گفت کتاب های نیایش در دوره معاصر دو کتاب خواندنی اند: «بینش و نیایش» اثر شهید دکتر مصطفی چمران و «نیایش» اثر دکتر علی شریعتی که در هر دو کتاب نثر حماسی و عرفانی به طرز شیوایی در هم آمیخته اند.

عرفه یعنی دعا و دعا یعنی ابزار مناسب برقراری رابطه خالصانه و عاشقانه برای شکستن قفس آهنین خودپرستی. دعا؛ یعنی شیوه ای در فاصله افکنی ممدوح میان دل و گناه. گرایش به سپیدی و شست و شوی تیرگی های پیشین و بی جهت نیست که در فرهنگ اسلامی ما عرفه، روز نیایش به درگاه حق است و در حج ابراهیمی، از چنان اهمیتی برخوردار است که نمی توان از آستانه رحمتش بی بهره بازگشت. سراسر ادبیات و فرهنگ مکتوب ما نیز از توجه کردن و توجه دادن به آن غنا یافته است.

ساز و کار نیایش، مانند ساز و کار های تبادل امواج فیزیکی، تحت شرایطی قوت و شدت می گیرد. در مکان هایی مانند مساجد، زیارتگاه ها و همچنین در جهت قبله، میدان های مغناطیسی مادی و معنوی برای تصعید امواج ذکر و نیایش، مناسب تر است. زمان هایی مانند سحر، شب قدر، شب جمعه و روز عرفه نیز امتیاز ویژه ای در خود نهفته دارند.

از جمله صفات پسندیده که قرآن کریم برای حضرت ابراهیم علیه السلام برمی شمارد، او آه است که در فرمایش امام باقر (ع) به معنای «بسیار دعاکننده به درگاه خداوند» آمده است. همسو با چنین اهمیتی در قرآن، در روایات نیز دعا به روح عبادت، سلاح مومن و کلید رحمت تعبیر شده که از جایگاه خاص دعا در اسلام خبر می دهد. این بیانات شریف، نقش محوری دعا و نیایش را در دین به روشنی تشریح می کنند. برای نمونه، امام صادق (ع) به میسر بن عبدالعزیز می فرماید: «ای میسر! به درگاه خدا دعا کن و از پیش خود نگو که دعا فایده ندارد و آنچه شدنی است، خواهد شد. به درستی که بنده در نزد خدای متعال، مقامی دارد که جز با خواهش و تمنا به آن نمی رسد و اگر بنده ای دهان خود را ببندد و هیچ خواهش نکند، چیزی به او داده نخواهد شد. ای میسر! هر دری که کوییده شود، امید باز شدنش خواهد رفت.»

از ابتدایی ترین الفاظی که انسان برای گفت و گو با متفیزیکی که بدان معتقد است؛ تا روحانی ترین و عمیق ترین کلماتی که بر زبان پیروان ادیان ابراهیمی جاری است، همه را می توان در دل عنوان نیایش و دعا جمع آوری کرد و به باز شناسی آن پرداخت.

هر چند این مجال بسیار اندک است اما این نوشته بنا دارد به اجمال کتاب هایی را که امروز در دسترس ماست، بررسی کند و گزارشی از کتاب های روی پیشخان که به طور ویژه به موضوع نیایش پرداخته اند،

نیایش دیگران در بازار کتاب

سورن کی پر که گور می گفت: «نیایش به تغییر در خداوند منجر نمی شود، بلکه به دگرگونی روح نیایشگر می انجامد.»

در میان آثار ترجمه نیز در سال های اخیر کتاب های زیادی در حوزه نیایش به فارسی برگردانده شده اند.

شاید این جمله گانندی را پشت یکی از همین کتاب های ترجمه دیده باشیم که «من بر این اعتقادم که نیایش، روح و گوهر مذهب است و به همین دلیل باید هسته زندگی انسان تلقی شود، زیرا هیچ انسانی نمی تواند بدون مذهب زندگی کند.»

«نیایش» اثر رهبر فقید انقلاب هند مهاتما گانندی است که در کشور ما بیشتر به عنوان یک رهبر سیاسی شناخته می شود، اما جدای از چهره سیاسی گانندی، او یک قدیس و روحانی نیز بوده است؛ قدیسی پر هیز کار که کم می خورد، کم می گفت و کم می خوابید و لحظه ای از نیایش

این از وی کتاب هایی مانند «کلمات آرامش بخش»، «واژگانی به سوی شفا دهندگی»، «کتاب بزرگ تعلیمی خداوند»، «دفتر کهن رستگاری های الهی و روحی»، «گنجینه ای از معنویت» و ... چاپ شده و این کتاب نیز در سال ۲۰۰۰ جزو آخرین کتاب های او به شمار می رود. وی کوشیده در موضوعات مختلف نیایش؛ از ستایش خدا گرفته تا در کف حمایت او رفتن و درک زمان های رنج و درد، همه را از سنت های مختلف دینی جهان - هم ادیان شرقی و هم ادیان ابراهیمی - فراهم آورد و مجموعه ای الهام بخش از کلمات ربانی را کنار هم قرار دهد. مترجمان این اثر محمد جواد ادبی و سحر کریمی اند که در حوزه دین پژوهی تطبیقی به فعالیت می پردازند.

با توجه به ورود فرهنگ های انحرافی، انتشار کتاب هایی با مضامین مذهبی و در قالب نیایش که از قدرت ارتباطی و تاثیر گذاری عاطفی بسیاری برخوردار است، می تواند به تقویت ایمان و تدقیق در مفاهیم عمیق دینی کمک کند.

دوری نمی کرد. کتاب «نیایش» که یکی از برترین و پرفروش ترین کتاب ها در باب الهیات در سال ۸۴ بود، مجموعه ای از سخنان پراکنده گانندی درباره نیایش است که به روشنی نمایانگر وجه روحانی اوست؛ کتابی سرشار از معنویت. کتاب شامل سه بخش است. بخش نخست کندوکاوی است در معنای نیایش که به موضوعات مورد توجه خوانندگان با هر کیش و آیین می پردازد. در بخش دوم شیوه های نیایش توصیف می شود و بخش سوم کتاب، تاملی است درباره تکرار نام خدا که گانندی آن را برترین شیوه نیایش می داند.

گانندی در این کتاب به تمامی شبهات و سوالاتی که درباره نیایش وجود دارد، پاسخ می گوید، مانند این که اگر خداوند، دانای بر امور است، پس نیایش به چه کار می آید، یا این که شیوه نیایش چگونه می تواند ما را در زندگی بهتر یاری کند و بسیاری سوالات دیگر.

«Bod of prayer» نیز عنوان کتابی است که «جولیت مآبی» سرپرست ویراستاران انتشارات معروف oneworld آن را تهیه کرده است. پیش از



آزاده سیدی

بسیاری از صاحب‌نظران خاستگاه بخشی از تکنولوژی و فناوری‌های امروزی را علمی می‌دانند که ریشه در مشرق زمین دارند. با پذیرفتن این حقیقت چنین سوالی مطرح می‌شود که چه عواملی سبب شد دانش از شرق به غرب مهاجرت کند و به رشد و شکوفایی برسد، اما در شرق کم‌رنگ شود. پاسخ به این پرسش می‌تواند به عنوان حقیقتی مردم مشرق زمین از جمله ایران را همانند گذشته برای پیشرفت‌های علمی آماده کند و آنها را به جایگاه قبلی شان بازگرداند. به همین علت تاریخ علم دانشی تلقی می‌شود که دانستن آن بر همگان الزامی است. کتاب «تاریخ نجوم در ایران» بنا به همین ضرورت توسط حمیدرضا گیاهی یزدی تألیف شده است. وی در مقدمه گوشه‌هایی از نجوم ایران را به زبان ساده بیان می‌کند. برای شناخت بهتر محتوای کتاب که دفتر پژوهش‌های فرهنگی آن را به مناسبت سال جهانی نجوم در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه کرد، با مؤلف آن گفت‌وگو کردیم. حمیدرضا گیاهی یزدی اکنون دوره دکتری نجوم اسلامی را در دانشگاه لیل-۱ فرانسه می‌گذراند و موضوع پایان‌نامه‌اش نظریه‌های محاسبات خورشید گرفتگی در نجوم دوره اسلامی است. گیاهی یزدی از سال ۱۳۸۱ عضو شورای مرکز تقویم دانشگاه تهران است و از سال ۱۳۸۳ مدیریت گروه تاریخ علم بنیاد دایره‌المعارف اسلامی را به عهده دارد. او بیش از ۵۰ مقاله علمی در مجلات تخصصی داخلی و بین‌المللی و نیز ۳ کتاب «خورشید گرفتگی»، «شناخت مبانی نجوم»، جلد دوم و «آسمان پرستاره» را به چاپ رسانده است.

گفت‌وگو با حمیدرضا گیاهی یزدی، مؤلف کتاب تاریخ نجوم در ایران

علم برای همه



معنی نیست که ایران برای ما اهمیت ندارد، بلکه می‌گوییم آن زمان در ایران سلسله‌های مختلفی مثل سامانیان و آل بویه وجود داشته که تحت سیطره عباسیان در عراق قرار داشته‌اند و ما این مسأله را دور از تعصبات ملی و با نگاه تاریخی می‌نگریم. اما از طرفی می‌دانیم بسیاری از این دانشمندان ایرانی بوده‌اند یا حداقل اصالت ایرانی داشته‌اند و بر این اساس ما آنها را ایرانی می‌دانیم. مثلاً خوارزمی یا درمنطقه خوارزم ایران قدیم بوده و سپس به بغداد رفته یا اصالت او از خوارزم بوده است. از طرفی دیگر همان دوره‌ای که زبان عربی غالب بوده بسیاری از دانشمندان را که ایرانی معرفی کرده‌ایم رسالتی به فارسی نوشته‌اند. مثل ابوریحان بیرونی که «التفهیم» را به فارسی نوشته است و نشان می‌دهد که فارسی هم کاملاً تحت سیطره زبان عربی نبوده است. همچنین در کارهای پژوهشی - تألیفی آنها نیز رد نجوم پیش از اسلام مشاهده می‌شود که این نشان می‌دهد بالاخره این دانشمندان ارتباطی با علوم در ایران پیش از اسلام داشته‌اند. مثلاً از یحیی بن ابی منصور و خوارزمی نظریه‌های نجومی وجود دارند که پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ریشه در ایران پیش از اسلام دارند. در مورد چنین مسائلی اظهار نظر کرده‌ام و گفتیم این دانشمندان ایرانی هستند.

نامدار بودن این دانشمندان بر چه اساسی است؟
به علت ماهیتی که علوم قدیم داشتند بسیاری از دانشمندان در شاخه‌های علمی مختلف فعالیت می‌کردند. من بر اساس تعداد فعالیت‌های علمی و نوآوری‌هایی که در آثار باقی‌مانده از دانشمندان مشاهده می‌شود آنها را نامدار نامیده‌ام. مثل خواجه نصیر که دانشمند بزرگی بود و بانی شکل‌گیری یک رصدخانه شد، یا شرف‌الدین طوسی که یک ابزار نجومی را ابداع کرد. همچنین گروهی دیگر از دانشمندان که کتاب‌های نجومی نوشتند و مورد توجه دانشمندان دوره‌های بعد قرار گرفتند. من در چارچوب این کتاب که تنها ۱۲۰ صفحه داشت سعی کردم بهترین منجمان ایران را معرفی کنم.

به نظر می‌رسد از تعداد تصاویر محدود در کتاب استفاده شده است؟

من تصاویر بیشتری به ناشر دادم ولی به دلیل محدودیت جا از آنها استفاده نشد.

منابع اصلی تصاویر هم زیرنویس نشده‌اند؟
شاید بتوان گفت عدم ذکر منابع تصاویر یک کاستی به حساب می‌آید که در چاپ بعدی اثر رفع خواهد شد.

روش‌های متون دانشگاهی، مطالب به رفرنس‌ها و منابع علمی انتهای کتاب ارجاع داده شده‌اند. علت این دوگانگی چیست؟

به دلایل مختلف از این سبک نگارش استفاده کردم که به برخی از آنها اشاره می‌کنم. متأسفانه در کتاب‌هایی با این موضوع یا شبیه آن، ادعاهایی بدون ذکر منابع تاریخی وجود دارند. مثلاً ادعا شده برج رادکان رصدخانه است یا بعضی بناهای باقیمانده از ایران پیش از اسلام رصدخانه یا بناهای علمی هستند. در این نوع کتاب‌ها مؤلف با استفاده از تخیل یا علاقه شخصی اش سعی کرده این ادعاهای نادرست را اثبات کند، در حالی که هیچ‌یک به لحاظ علمی قابل اثبات نیستند. اما ما در گروه تاریخ علم بنیاد دایره‌المعارف اسلامی موظف هستیم منابع اصیل تاریخی و علمی مطالب مقالات پژوهشی مان را ذکر کنیم و من با استفاده از این شیوه، کتاب «تاریخ نجوم در ایران» را نیز نگارش کردم. نگارش کتاب‌های علمی معتبر در سراسر دنیا هم به همین شیوه است که مطالب آنها به صورت پاورقی، زیرنویس و یا داخل متن به منابع اصلی شان ارجاع داده می‌شوند.

فکر نمی‌کنید این شیوه نگارش، مطالعه کتاب را دشوار می‌کند؟

همین مطالبی که به ظاهر ساده می‌آیند ممکن است مؤلف برای جمع‌آوری آنها بسیار زحمت کشیده باشد. نویسنده برای اینکه از صحت مطالب مطمئن شود، مجبور است ساعت‌ها وقت بگذارد که ارجاع معتبرش را در یک متن یا نسخه تاریخی پیدا کند. بنا بر این با اضافه کردن این منابع یافت شده در انتهای کتاب و ارجاعات در متن اگرچه مطالعه آن کمی دشوار می‌شود، اما به ارزش علمی اش می‌افزاید.

بخشی از کتاب به دانشمندان نامدار ایرانی اختصاص داده شده است. بعضی از این دانشمندان در شهرهایی که امروز از ایران جدا شده‌اند مثل سمرقند زندگی کرده‌اند. بر چه اساسی آنها را ایرانی خوانده‌اید؟

این مسأله برای من هم مقداری پیچیده بوده است که در ابتدای کتاب به آن اشاره کرده‌ام. امروز در دنیا یک مشکل بزرگ در این باره داریم که نام بسیاری از دانشمندان در تاریخ نجوم عربی قرار داده شده‌اند. این مسأله از قدیم مطرح بوده و هنوز هم هست که آنچه ما به عنوان تاریخ نجوم دوره اسلامی یا ایرانی می‌شناسیم، آنها تاریخ علوم عربی نام می‌برند. این قضیه دو علت دارد. در بعضی از آنها بدخواهی وجود دارد که می‌خواهند دانشمندان ایرانی را عرب معرفی کنند. بعضی دیگر معتقدند ۸۰ درصد متون علمی به زبان عربی که زبان علمی آن دوره بوده نگارش شده است و وقتی می‌گویند عربی، بحثشان قومی نیست. اما گروه سومی هم وجود دارند که می‌گویند نجوم دوره اسلامی و معتقدند که در دورانی (از قرن دوم تا قرن دهم هجری) علوم در قلمرو اسلامی شکوفا بوده است و حالا فرقی نمی‌کند این قلمرو عربی باشد یا ایرانی. براساس چنین اعتقادی ما هم خیلی روی ایرانی بودن این دانشمندان تأکید نمی‌کنیم و فرض می‌کنیم شاید آن زمان مرزبندی‌هایی مثل امروز در کشور ما وجود نداشته است. البته این فرض ما به آن

توصیفی تاریخ علم را برای کسانی که تاریخ دوست دارند و در این حوزه‌ها فعالیت می‌کنند، در نظر گرفته‌ام. در یک یا دو فصل هم به مسائل تحلیلی به خصوص در حوزه رصدخانه‌ها، ابزارهای نجومی و دستاوردهای نجومی پرداخته‌ام و در این قسمت‌ها سعی کرده‌ام ذهن خواننده را با بحث‌های نجوم ریاضی که ما ایرانیان دستاوردهای خوبی در آنها داشته‌ایم، درگیر کنم.

معمولاً مخاطبان کتاب‌های علمی متخصصان هستند. چه لزومی داشت که شما کتابی علمی برای عموم مردم تألیف کردید؟

باذکر یک مثال پاسخ‌شمار می‌گویم. باستان‌شناسان از دل زمین اشیائی را بیرون می‌آورند که آن اشیاء پس از شناسه دار شدن در موزه‌ها قرار می‌گیرند. گزارش یا مقاله‌ای تخصصی هم درباره آن اشیاء یافته شده در یک مجله تخصصی نوشته می‌شود که برای عموم مردم کاربردی ندارد. اما از مردم عادی دعوت می‌شود تا در موزه آن اشیاء را ببینند و مطالبی در باره آنها در کتاب‌های ساده مطالعه کنند. همچنین اطلاعات عمومی و خبری در روزنامه‌ها چاپ می‌شوند که آن پژوهش را برای همگان قابل لمس می‌کند. درباره تاریخ علم نیز همین‌طور است که دو بعد دارد. یک بعد تخصصی که پژوهشگران در این زمینه کار می‌کنند و حاصل پژوهش‌هایشان، مقالات پژوهشی و حرفه‌ای می‌شوند که فقط متخصصان می‌توانند از آنها استفاده کنند. یک بعد دیگر این است که مطالبی به زبان ساده برای عموم مردم تهیه شود تا آنها متوجه شوند پیشینه فرهنگی شان در حوزه علمی چه بوده است. اعتقاد دارم امروز در موقعیتی هستیم که لازم است عموم مردم به ویژه جوانان ما از پیشینه علمی فرهنگی خود آگاه شوند. چون دستاوردهای علمی غرب پس از نوزایی (رنسانس) جوانان ما را مرعوب کرده است در حالی که اگر مردم بدانند ما نیز در دوره‌هایی دستاوردهای علمی بسیار خوبی داشته‌ایم، با شناخت آنها می‌توانند از علت کند شدن پیشرفت‌های علمی مان آگاه شوند. همچنین می‌توانیم با آگاهی از مشکلات اینچنینی و با برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب شده به جایگاه علمی خود بازگردیم. البته اهمیت تاریخ علم تنها در دانستن پیشینه فرهنگی علمی آن هم براساس مطالعه کتاب‌های تاریخ علمی به زبان ساده نیست بلکه می‌توان به موارد دیگری هم اشاره کرد. از جمله آنکه بسیاری از دانشجویان ما نمی‌دانند اختراعات و اکتشافاتی که در کتاب‌های درسی از آنها صحبت می‌شود، یک شبه حاصل نشده‌اند؛ بلکه مسیر تحولی را طی کرده و به مرور زمان کامل شده‌اند. همچنین بسیاری از دانش‌آموزان و معلمان نمی‌دانند که یک مطلب ساده درسی را که مطالعه می‌کنند شاید حاصل زحمات چند هزار ساله دانشمندان باشد. قشر دانش‌آموزان و دانشجویان با خواندن کتاب‌های تاریخ علم از پیشینه علمی آنچه در کتاب‌های درسی می‌خوانند مطلع می‌شوند و دیگر از کنار آنها به سادگی عبور نمی‌کنند.

از یک طرف می‌گویید این کتاب برای عموم مردم نوشته شده است، از طرف دیگر شاهدیم که به

آیا کتابی با این موضوع برای اولین بار در ایران تألیف شده است یا قبلاً مشابه آن را داشته‌ایم؟

تا پیش از انتشار این اثر، کتابی تخصصی که به ابعاد تاریخی یا تحلیلی تاریخ نجوم در ایران بپردازد نداشته‌ایم. شاید دو سه کتاب باشند که فقط بخش‌هایی از آنها به نجوم ایرانی اختصاص داشت. مثلاً کتاب «علم و تمدن در اسلام» و «تاریخ نجوم اسلامی» آقای نالینو (خاور شناس ایتالیایی) بود. این کتاب حاصل مجموعه درس‌های وی در مصر بود که توسط مرحوم احمد آرام به فارسی ترجمه شد یا کتاب «تاریخ علم در ایران» از دکتر فرشاد که فصلی از آن به تاریخ نجوم در ایران اختصاص دارد. بنابراین لازم دیدم در اثری مستقل به تاریخ‌نگاری درباره نجوم ایران بپردازم که جایش بسیار خالی بود. اما اگر از موضوع کتاب بگذریم، جایگاه کتاب‌هایی در حوزه تاریخ علم برای عموم مردم نه تنها در ایران که در کل دنیا خالی است. همچنین کمتر کتاب تاریخ علمی را در دنیا می‌بینیم که به یک کشور خاص بپردازد. شاید از مجموعه کتاب‌های عمومی تاریخ علم بتوان به کتاب‌های «تاریخ علم سارتون» یا «کمبریج» اشاره کرد. این کتاب‌ها شاخه‌های مختلف تاریخ علم را در تمدن‌های مختلف بررسی می‌کنند و به زیرشاخه‌ای از تاریخ علم که به یک کشور خاص مرتبط شود کاری ندارند. اما کتاب «تاریخ نجوم ایران» علاوه بر اینکه به زبان ساده نگارش شده است، فقط تاریخ یک رشته علمی را آن هم در ایران بررسی می‌کند.

آیا در نگارش تاریخ نجوم ایران فقط به جنبه‌های تاریخی این موضوع توجه داشته‌اید؟

خیر. تاریخ علم به عنوان یکی از مباحث میان رشته‌ای محسوب می‌شود که با حوزه‌های مختلف علوم انسانی و علوم تخصصی دیگر در ارتباط است. در رشته‌های علوم انسانی می‌توان به بخش‌های تاریخی، علوم اجتماعی یا جامعه‌شناسی اشاره کرد که باید به آنها پرداخته شود. اما درباره موضوع‌های تخصصی باید بگویم که مباحث نجوم قدیم و جدید، ریاضیات و تاریخ نجوم ریاضی مطرح می‌شوند که همین مسئله تألیف کتاب درباره تاریخ نجوم را مشکل می‌کند. امروز هم دانشگاه‌های دنیا با این مشکل مواجه هستند. در بهترین شکل، گروه مستقلی با عنوان تاریخ علم شکل می‌گیرد که تاریخ نجوم هم زیرشاخه آن است. اما در مواردی این مبحث را در گروه‌های درسی مختلف قرار می‌دهند. گاهی تاریخ نجوم را زیرشاخه گروه فیزیک، گاهی زیرمجموعه نجوم و اختراع فیزیک یا حتی ریاضی قرار می‌دهند و همچنین بسیاری اوقات شاهدیم که این موضوع در گروه فرهنگ و تمدن تدریس می‌شود.

جنبه تاریخی مطالب این کتاب پررنگ‌تر است یا بخش‌های تخصصی و فنی آن؟

اگرچه تخصص من در دو سه شاخه تاریخ نجوم ریاضی و رصدی دوره اسلامی است اما در این کتاب به هر دو وجه تاریخی-اجتماعی و تخصصی-تحلیلی تاریخ نجوم در ایران توجه داشته‌ام. بخش مهمی از کتاب را به مبحث تاریخی توصیفی و موضوع‌های غیرفنی اختصاص داده‌ام. در این بخش‌ها، بحث‌های



بنفشه محمودی

سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه پاسداران، در قالب کنگره های شهدا که در سراسر کشور برگزار می شود، به انتشار کتاب هایی در حوزه دفاع مقدس دست می زند که بخشی از آنها در حوزه کودک و نوجوان منتشر می شوند. این سازمان تا کنون حدود ۳۰۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان منتشر کرده است. با سیدمصطفی آقامیری کارشناس نشر ادبیات سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس درباره این فعالیت ها گفت وگویی انجام داده ایم. او می گوید: «کار کودک و نوجوان بستر بسیار مناسبی است که اگر بتوانیم با استفاده از آن، فرهنگ دفاع مقدس را به نسل نونهال انتقال دهیم، می توانیم نسلی با همان فرهنگ و تفکر را تربیت کنیم.»

کارشناس نشر ادبیات سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه:

کودکان و نوجوانان گروه هدف ما هستند

در سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه چه کارهایی برای کودکان و نوجوانان انجام می شوند؟

با توجه به این که روز به روز بیشتر از سال های دفاع مقدس فاصله می گیریم، از یکی دو سال گذشته رویکرد خود را به سمت مخاطب کودک و نوجوان برده ایم. یعنی جامعه هدف خود را بیشتر کودکان و نوجوانان در نظر گرفته ایم. یک سری کارها انجام شده که بیشتر به کنگره های معروف مثل کنگره شهدای استان خراسان، کنگره شهدای استان همدان و... مربوطند. این کنگره ها بیشتر در بحث کودک و نوجوان کار می کنند. یک سری کارهای متمرکز هم انجام شده که سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس متولی آن است. ما رده سنی داریم و برای گروه های سنی مختلف کار می کنیم. برای خردسالان کارهای رنگ آمیزی با موضوع دفاع مقدس داریم و برای کودکان هم کتاب های شعر و داستان های کوتاهی در قالب خاطرات دفاع مقدس منتشر می کنیم. برای نوجوانان هم کارهایی در قالب داستان و خاطره دفاع مقدس داریم.

در این سازمان از چه زمانی کار برای کودک و نوجوان شروع شده و چه حجمی از کارها به کودکان و نوجوانان اختصاص دارد؟

مراکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس و کنگره های شهدای سراسر کشور زیر مجموعه مرکز مادر تهرانند. کنگره ها از چند سال پیش کلید خورده اند و در زمینه کتاب فعالیت می کنند.

امسال کنگره خراسان برگزار شد که از پنج سال پیش فعال شده بود و الان در کارنامه اش ۱۲۰ کتاب کودک و نوجوان دفاع مقدس دارد. قرار است کنگره

استان فارس سال آینده برگزار شود، اما فعالیت بخش کتاب آن از تقریباً چهار سال پیش آغاز شده و حدود ۳۵ اثر در حوزه کودک و نوجوان دارد. از زمان تاسیس کمیته های هر کنگره، یک کمیته مسؤول تدوین و تالیف می شود و آثار شهدای استان را شناسایی و موضوعات محوری را مشخص می کند؛ مخاطب خود را می شناسد و نوشتن کتاب را برای آنان شروع می کند. در زمان برگزاری اجلاس، به یکباره ۵۰۰ عنوان کتاب دفاع مقدس با موضوع شهدای استان ارائه می شوند که حدود ۱۵۰ عنوان از آنها مخاطب کودک و نوجوان دارند.

این کتاب ها به صورت سفارشی تالیف می شوند؟

الحمدلله در زمینه دفاع مقدس، نویسندگان خیلی خوبی داریم که راغب به نوشتن در این زمینه اند. بر همین اساس، اغلب این کتاب ها به صورت پیشنهاد ارائه می شوند و پس از بررسی در شورای بررسی آثار به انتشار می رسند. البته بعضاً هم به صورت سفارشی کارهایی را منتشر می کنیم.

شوراهای انتخاب کتاب شما چه روندی برای این کار دارند؟

در این سازمان شوراهای ادبیات داستانی، ادبیات خاطره، ادبیات شعر و ادبیات کودک و نوجوان داریم. آثاری که از شهرستان ها و استان های مختلف به ما می رسند، در این شوراها بررسی و اصلاح یا به نویسنده ارجاع داده می شوند تا اشکالاتش برطرف شود. بعد دوباره تایید می شوند تا آثاری که از این شوراها بیرون می آیند آثار فرهیخته و قابل ارائه ای باشند.

چه کسانی عضو این شوراها هستند؟

نویسندگان بنام ادبیات دفاع مقدس مثل مرتضی سرهنگی، محسن کاظمی، اصغر کاظمی، مصطفی



رحیمی و خانم راضیه تجار اعضای شوراها ما هستند و آثار را بررسی می کنند که کیفیت خوبی داشته باشند. این شوراها از حدود دو سال پیش با هدف کیفیت بخشی به آثار حوزه دفاع مقدس آغاز به کار کرده اند. با چه هدفی تصمیم گرفته شد کار کودک و نوجوان انجام شود؟

کتاب دفاع مقدس بعد از جنگ در قالب خاطره، داستان و شعر نوشته می شد. اما فاصله ما با جنگ دائم در حال بیشتر شدن است. زمان می گذرد. ما احساس کردیم که کم کم باید برای کودکان و نوجوانان کار کنیم که جنگ را ندیده اند. بنابراین جامعه هدف را تعریف کردیم و یک امتیاز ویژه برای کودک و نوجوان در نظر گرفتیم چون آنها باید این فرهنگ و راه را ادامه دهند. بر همین اساس از چند سال پیش حرکتی شروع شده که به لطف خدا جریان خوبی است و محصولات خوبی هم تولید شده است. البته در معاونت فرهنگی نیروی مقاومت بسیج، بسیج دانش آموزی و کانون های پرورشی که زیر نظر نیروهای مقاومت بسیج اند کارهای

خوبی در زمینه کودک و نوجوان ارائه شده است. توزیع این کتاب ها به چه صورت است؟

یکی از مشکلات ما در حوزه کتاب دفاع مقدس، نرسیدن کتاب به دست مخاطبان شهرستانی است. یعنی کتاب های خوبی نوشته و منتشر می شوند اما به دلیل نبود اهرم های مناسب توزیع، به دست مخاطب نمی رسند. امسال طرحی را با عنوان «نمایشگاه های کتاب در شهرستان های سراسر کشور» تعریف کردیم. برای قدم اول از میان ۳۷۳ شهرستان، ۲۰۰ شهرستان را انتخاب کردیم و در هفته بسیج در این شهرستان ها نمایشگاه کتاب دفاع مقدس برگزار می کنیم. در این نمایشگاه ها حدود ۱۵۰۰ عنوان کتاب ارائه می شوند که ۵۰۰ عنوان آنها برای کودک و نوجوان است. این کتاب ها با ۳۰ تا ۳۵ درصد تخفیف فروخته می شوند که امیدواریم مخاطب شهرستانی ما از این قضیه مغفول نماند و کتاب به دستش برسد.

فکر می کنید فعالیت هایی که در این حوزه انجام شده، کافی بوده اند؟

قطعا کافی نبوده اند. دفاع مقدس به عنوان قطعه ای از تاریخ مملکتمان، باید به الگویی برای آینده تاریخی کشور تبدیل شود. بنابراین خیلی بیشتر می توان در این حوزه کار کرد. ما معتقدیم که فرهنگ دفاع مقدس می تواند گره از بسیاری از مشکلات ما در آینده را بگشاید. یعنی روحیه رزمندگان دفاع مقدس می تواند فرهنگ بسیار گسترده ای را برای آینده ما بزند. ما باید از همین الزام کار را با کودک و نوجوان شروع کنیم. کار کودک و نوجوان بستر بسیار مناسبی است که اگر بتوانیم با استفاده از آن، این فرهنگ را به نسل نونهال انتقال دهیم، می توانیم نسلی با همان فرهنگ و تفکر را تربیت کنیم.

مسؤول مرکز آفرینش های فرهنگی هنری بسیج دانش آموزی و فرهنگیان:

بسیج دانش آموزی به آینده نظر دارد

محمود قاسمی

انتشار کتاب و نشریه برای دانش آموزان، از برنامه های بسیج دانش آموزی است. این ارگان با انتشار دو نشریه برای مقطع راهنمایی و دبیرستان و انتشار کتاب هایی برای دانش آموزان دبیرستانی، در این راه گام برداشته اما در زمینه کودک تاکنون کاری نداشته است. در آستانه هفته بسیج، درباره فعالیت های بسیج دانش آموزی در بخش نشر، با نورالدین قدیمی مسؤول مرکز آفرینش های فرهنگی هنری بسیج دانش آموزی و فرهنگیان گفت وگویی انجام داده ایم. قدیمی می گوید:

اساسی ترین مشکل در زمینه کار کودک و نوجوان در حوزه بسیج، عدم شناخت نیازهای این قشر است. به طور کلی در زمینه فرهنگی اجتماعی در جامعه ما به کودک و نوجوان توجه کمی می شود. بنابراین درصد نشریات و کتاب های مرتبط با این مقولات هم کم است.

ماست.

فکر می کنید چرا کتاب ها و نشریات کودک و نوجوان در حوزه بسیج و دفاع مقدس کم منتشر می شوند؟

فکر می کنم اساسی ترین مشکل در این زمینه عدم شناخت نیازهای این قشر است. به طور کلی در زمینه فرهنگی اجتماعی در جامعه ما به کودک و نوجوان توجه کمی می شود. بنابراین درصد نشریات و کتاب های مرتبط با این مقولات هم کم است. نداشتن نگاه تربیتی هم یکی از این مشکلات است. در نگاه تربیتی باید کار را از سنین پایین تر شروع کرد. فکر می کنم در حال حاضر کتاب های کودک و نوجوان در این حوزه ها، بیشتر جنبه سرگرمی دارند و پاسخگوی

معتقد بودم که باید به سمت سرمایه گذاری برای سنین پایین تر رفت. بنابراین با همان بودجه به سمت انتشار پویندگان رفتیم.

تاثیر کتاب را در این حوزه ها تا چه حد می دانید؟

اگر نگاه تربیتی دینی را دنبال کنیم، متوجه می شویم که هفت سال دوم زندگی، زمان تربیت کودک و نوجوان است. حداقل موثر بودن این نگاه تربیتی، این است که نیازهای اساسی این قشر را می شناسیم، اعتماد آنها را به خود جلب می کنیم، به نیازهای آنها پاسخ می گوئیم تا به سمت پاسخ ها و سرگرمی های مضر نروند. اگر بتوانیم در کتاب و نشریات موفق عمل کنیم و پاسخ منطقی به نیازهای آنها بدهیم، بهتر می توانیم آنها را با واقعیت ها آشنا کنیم. کودکان و نوجوانان در فاصله سنی ۷ تا ۱۴ سالگی، مثل دشت مستعدی اند که می توان هر دانه ای را در مزرعه بکر ذهن آنها کاشت. پس سرمایه گذاری برای این سنین، یکی از وظایف نهاد های ذی ربط مانند بسیج است.

برای انتشار کتاب در بسیج دانش آموزی چه برنامه هایی دارید؟

تاکنون بیش از ۶۰ عنوان کتاب در حوزه های معرفی و بصیرتی برای مقطع دبیرستان منتشر کرده ایم اما برای حوزه نوجوان، تاکنون کاری نداشته ایم اما در حال فراهم آوردن مقدمات انتشار کتاب هایی در این حوزه ایم. کار سوژه یابی انجام شده و با گروهی از نویسندگان کودک و نوجوان در حال رایزنی و مذاکره ایم که ان شاء الله تا پایان سال تحصیلی ۸۹-۸۸ چند عنوان کتاب برای مقطع راهنمایی منتشر می کنیم.



نقش بازی در کتاب های کودک

همه کودکان بازی را دوست دارند

هر کودک و نوجوانی، همان قدر که به تعلیم و تربیت احتیاج دارد نیازمند تفریح و بازی نیز هست. کودکان در قالب بازی می توانند هنر با هم زیستن را بیاموزند و از بودن در کنار یکدیگر لذت ببرند. بازی به آنها یاد می دهد که با بزرگ ترها چگونه رفتار کنند و برخوردشان با کوچک ترها چگونه باشد و همه این ویژگی ها در بازی های سنتی ایران نهفته است. از سوی دیگر، بچه ها با ورزش می توانند بدن نیرومند و روان سالمی داشته باشند و این چیزی است که این روزها با ورود بازی های رایانه ای رنگ باخته است. اما آشنا کردن کودکان با بازی ها و ورزش های سنتی در قالب کتاب تا چه اندازه ضروری و امکان پذیر است؟ این پرسشی است که کتاب هفته به آن پرداخته است.

مهدی آذربرزین: بازی ها راهی برای کتابخوان کردن کودکانند



«انجمن بازی ها و ورزش کودکان» که اخیراً در فدراسیون ورزش های همگانی ایجاد شده، بر آن است تا با سازماندهی و استانداردسازی بازی ها و ورزش ها به ارائه الگوهای مناسب در این زمینه بانهک بر مطالعه و پژوهش بپردازد و مربیان مهدکودک ها را آموزش دهد و برای آنها کلاس های ویژه برگزار کند، چراکه کودکان، آینده سازان این مرزوموستند. مهدی آذربرزین، ریاست انجمن بازی ها و ورزش کودکان را برعهده دارد.

بی گمان ورزش و بازی، یکی از نیازهای کودکان است اما تا چه اندازه در قالب کتاب می توان بچه ها را با انواع بازی ها آشنا کرد؟

دهها کتاب در این باره منتشر شده اما چه کسی می داند که کدام شان خوب و سودمند است و کدام نیست؟ چند درصد کتاب ها نقد و معرفی شده اند و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته اند؟ اینها در قالب تئوری به شناساندن بازی ها پرداخته اند همین نکته سبب شده تا این گونه کتاب ها بیشتر به کار مربیان بیایند تا بچه ها. باید بچه ها را با بازی و ورزش آشنا کرد؛ چراکه بازی و ورزش در زندگی کودکان، نقشی بسیار مهم و اساسی ایفا می کند. کودکان از بازی لذت می برند و فرصتی پیدا می کنند تا عواطف و احساسات خود را بیان کنند. آیا می توان کودکان را در قالب بازی با شعر موسیقی، نمایش و به طور کلی کتاب آشنا کرد؟

بی گمان، بازی، نخ تسبیح دوران کودکی است. به این معنی که هستند کودکانی که نمایش یا شعر و داستان را دوست نداشته باشند اما امکان ندارد بچه ها از بازی کردن لذت نبرند به همین خاطر باید بازی را محور قرار داد و در قالب بازی برای کودکان شعر خواند، موسیقی اجرا کرد، قصه گفت و...

ظواهر انجمن بازی ها و ورزش کودکان بر آن است تا به راه اندازی خبرگزاری کودک و نوجوان بپردازد... تمام تلاش ما بر آن است تا جزایر پراکنده ای را که در زمینه کودک و نوجوان فعالیت می کنند، گرد هم آوریم. خیلی خوب است که سازمان تربیت بدنی با نوع و چگونگی فعالیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یا شورای کتاب کودک و انجمن نویسندگان و تصویرگران و... آشنا باشد.

به عبارتی، در پی آن هستید که از فعالیت های مختلفی که در ارتباط با کودکان و نوجوانان، از جمله در عرصه کتاب، انجام می شود باخبر باشید؟

متأسفانه متولی رسمی برای کودک و نوجوان وجود ندارد. کدام سازمان متولی کودکان است؟ آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری یا...؟ در هر حال اساسنامه این خبرگزاری هم تدوین شده و ما به دنبال اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستیم تا کار خود را به طور رسمی آغاز کنیم.

چه بخش از فعالیت های این خبرگزاری به کتاب

اختصاص پیدا می کند؟

به طور حتم یکی از بخش ها به کتاب هایی اختصاص می یابد که به تازگی منتشر شده اند. در ضمن محدودیتی به لحاظ موضوعی برای این کتاب ها و معرفی شان وجود ندارد زیرا هدف معرفی فعالیت هایی است که برای بچه ها انجام می شود.

ظواهر انجمن ورزش ها و بازی های کودکان به دنبال راه اندازی باشگاه ورزشی هماهنگ با کودکان و انتشار کتاب هایی برای آنها در این زمینه است...

ورزش ها بر سه نوعند: بعضی چون شنا، ژیمناستیک و دو میدانی در شمار ورزش های پایه اند و برخی ورزش های ملی ما هستند و شطرنج و فوتبال و طناب کشی، ورزش های دسته سوم را تشکیل می دهند. ما به دنبال آن هستیم تا باشگاه های ورزشی متناسب با سن و سال و قد و قامت بچه ها بسازیم و مربیان مجرب و کارآموده ای را استخدام کنیم تا به آموزش ورزش به بچه ها بپردازند. ضمن این که بر آن هستیم تا کتاب هایی منتشر و بچه ها را با بازی ها و ورزش ها آشنا کنیم.

کیقباد یزدانی: قصه ها را به بازی بگیریم

این روزها کمتر مربی آموزشی-تربیتی پیدا می شود که نقش و تاثیر عوامل و وسایل کمک آموزشی و شیوه های آموزش تجربی را در امر تعلیم و تربیت و به طور مشخص در تدریس انکار کند. کیقباد یزدانی، نویسنده کتاب «قصه بازی» است. با او به گفت و گو درباره این کتاب و ضرورت به کارگیری روش های نوین آموزشی، همچنین انتشار کتاب هایی درباره بازی پرداختیم.

شما بر این باورید که بازی می تواند یکی از روش های نوین آموزش مطالب به بچه ها باشد؟

بله. دیگر دوره روش های بسته و یک بعدی سنتی که در آن معلم به عنوان «دانا کیل» رو به روی دانش آموزان قرار می گرفت و با استفاده از وسایل محدودی چون تخته سیاه و کاغذ و قلم، هدف های آموزشی خود را پیش می برد، گذشته است. در عصر «انفجار اطلاعات» و در دنیایی که رایانه و اینترنت، انسان ها را در سایر نقاط جهان به هم مرتبط کرده است و بشر با شتاب به جلو می رود، به آموزش و پرورش دیگری نیاز داریم.

معلم در این میان چه نقشی دارد و انتشار کتاب هایی درباره بازی به چه کار او می آید؟

معلم چون راهنمایی آگاه و مهربان، به کودک در شناخت خود و محیط پیرامونش و کشف و پرورش توانایی ها و خلاقیت هایش یاری می رساند و همه جا را محل آموزش و بچه را همواره در حال آموختن می داند و می کوشد تا تمامی هدف ها و برنامه های آموزشی خود را بر اساس وضعیت و موقعیت «اکتونی» کودک از نظر جسمی و روحی، توانمندی ها و ناتوانایی هایش و نیز نیازهای او تنظیم کند و آینده شعلی و اجتماعی خوبی را برای او فراهم آورد. اما انتشار کتاب درباره بازی ها، قصه ها و افسانه ها موجب آشنایی مربی با این فضای خلاقه شده و به او یاری می رساند تا پایه پای کودک گام بردارد.

چرا قصه، چرا بازی و چرا «قصه بازی»؟

در دنیا، هیچ قوم و ملتی را نمی توان یافت که قصه دوست نداشته باشد. همه کودکان دنیا این گونه ادبیاتی را دوست دارند چنان که در دنیای مدرن امروز، افسانه های نو جای افسانه های کهن را گرفته اند. همچنین قصه ها و افسانه ها به خاطر برخورداری از زبانی ساده و صمیمی، کوتاه بودن متن، تخیل قوی، بی زمان و مکان بودن و جنبه روایی داشتن، جایگاه بسیار مهمی نزد کودکان و در آموزش آنان دارند و در روزگاری که پدران و مادران، هر روز زمان کمتری را به گفت و گو با کودکان خود و قصه گویی برای آنها اختصاص می دهند، توجه به این میراث ارزشمند و به کارگیری آن در امور تربیتی و آموزشی به ویژه در مدارس ابتدایی مهم تر و ضروری تر از هر زمان دیگری به نظر می آید.

نقش بازی در این میان چگونه است؟

بازی فعالیتی است آزادانه که هم در رشد جسمانی و عقلانی کودک و هم در شکل گیری شخصیت و جنبه های احساسی و عاطفی اش، نقش موثر و تعیین کننده ای دارد و او را از درگیری های روزمره زندگی، خشونت ها و آشفتگی ها دور می کند و فضایی امن و لذت بخش برای او به وجود می آورد. اما انتشار کتاب درباره بازی بیشتر به کار مربیان و پدر و مادرها می آید و آنها را با انواع بازی آشنا می کند. کودکان به جای خواندن درباره بازی بهتر است که به انجام آن روی آورند.

«قصه بازی» را چگونه تعریف می کنید...

بازی کردن یک قصه را «قصه بازی» می گویند که یکی از محبوب ترین شکل های کار نمایشی با کودک و مناسب ترین شیوه آموزشی در مدارس به ویژه مدرسه های ابتدایی است که زمینه های وسیع و متنوعی از اهداف آموزشی و تربیتی را در برمی گیرد. در این روش آموزشی متن قصه شنیده یا خوانده و حافظه کودک با زبر کردن بخشی از متن تقویت می شود.

پس قصه اصل نیست و آنچه اهمیت دارد بازی کردن کودکان است؟

بله. قصه بازی وسیله ای است که از طریق آن، توانایی ها، استعدادها و مهارت های کودک به کار گرفته می شود. از این طریق همچنین می توان کودکان را با آداب و رسوم اجتماعی آشنا کرد و اعتماد به نفس، تمرکز و حس مسوولیت پذیری آنان را افزایش داد. اگر چه شادی و لذت مهم ترین هدف قصه بازی است. **عنوان یکی از کتاب های شما «قصه بازی» است. کتابی که در درجه نخست بر آن است تا مربیان را با این شیوه آشنا کند...**

بسیاری از مربیان ما و پدران و مادران نمی دانند چگونه باید با کودک خود بازی کنند و برایش قصه بگویند و این کتاب آنها را با این روش آشنا می کند. مربیان اگر با این روش آشنا شوند می توانند بسیاری از مطالب کتاب درسی را به شکل قصه در آورند و برای بچه ها بازی کنند. زبان قصه ها باید ساده و زنده و امروزی بوده و قابلیت اجرا داشته باشد. اما دارا بودن این شرایط کافی نیست؛ قصه ها باید اهداف آموزشی مشخصی را در بر بگیرند و مربیان هم بدانند چه می خواهند و توانایی تبدیل قصه ها به نمایشنامه را داشته باشند.

گفت و گو با هادی خورشاهیان

یک عمر سخن از زلف یار



هادی خورشاهیان در گنبد کاووس به دنیا آمده، زبان و ادبیات انگلیسی خوانده و برای نوجوانان می نویسد. «انسان پرنده است»، «پله ها را نشمرده آدمم بالا»، «توی اخبار رادیو» مجموعه شعر های او و «باشد ایستگاه بعدی» عنوان مجموعه داستان خورشاهیان است. «پلاک ۶۱» نام داستانی از او است که به تازگی از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده؛ به این بهانه به گفت و گو با او پرداخته ایم که در ادامه می خوانید.

بعضی برای این باورند که بهتر است به حواشی دفاع مقدس پرداخته شود نه به اصل واقعه ای که روی داده. همان گونه که شما هم در این داستان به اتفاقات پس از جنگ توجه کرده اید...

دفاع مقدس، مهم ترین رویداد پس از انقلاب اسلامی است و هر نویسنده ای که درباره مسائل مختلف می نویسد، به طور طبیعی به این مقوله می پردازد. من هم در این جامعه زندگی می کنم و تحت تاثیر شرایط آن هستم. جنگ، مهم ترین مساله و اتفاق در روزگار نوجوانی من است؛ من که در سال ۶۱ پدر خود را در جنگ از دست دادم.

پس بخش هایی از داستان، زندگی شما را روایت می کند؟ به خاطر همین عنوان آن را «پلاک ۶۱» گذاشته اید؟

مرتضی، نام پدر من است که بر شخصیت اصلی داستان گذاشته ام و رباب نام مادرم است. داستان به لحاظ اسامی واقعی است. اما من از جمله کسانی ام که فکر می کنم، هم باید به اصل جنگ پرداخت و مستنداتی که در این زمینه وجود دارند را گردآوری کرد و هم به آنچه شما از آن به عنوان حواشی جنگ یاد می کنی و در باور من مهم تر از اصل است. بچه ای که والدین خود را از دست داده و بی خانمان شده، فرج است یا اصل؟!

منظور این بود که برای کودک و نوجوان امروز که دفاع مقدس را درک نکرده شاید بهتر باشد به جای روایت جنگ با او از پیامدهای آن بگوییم. همیشه می توان از جنگ و پیامدهای آن سخن گفت. جنگ جهانی دوم مدت هاست که به پایان رسیده اما هنوز درباره آن می نویسند و فیلم می سازند. بستگی دارد که تعبیر ما از جنگ چه باشد. من فکر می کنم این رویداد تنها به فاصله سال های ۵۹ تا ۶۷ محدود نمی شود.

اما نوع نگاه و روایتی را بسیار مهم است. بستگی دارد از چه ابزاری برای این کار استفاده کنیم. برای مثال، در دوران صلح می توان از زبان طنز آمیز بهره برد اما در روزگار جنگ لازم است که آدم ها را به رفتن و جنگیدن تشویق کرد. در هر حال، جنگ موضوع جذابی است پراز حرکت و حادثه.

با توجه به این که دستی هم بر شعر دارید، برای گفتن از جنگ کدام قالب را بیشتر می پسندید؛ شعر یا داستان؟

داستان. چرا که امکان همذات پنداری با آدم ها را به ما می دهد اما شعر کوتاه است و برای بیان احساسات آبی به کار می رود. «زمین سوخته» احمد محمود تاثیر گذارترین کتابی بود که درباره جنگ خواندم.

و یک نقد... «بچه اوردوز محبت است...» از اصطلاحاتی استفاده کرده اید که در آن روزگار رواج نداشته...

این مساله می تواند نشان دهنده بی توجهی من باشد.

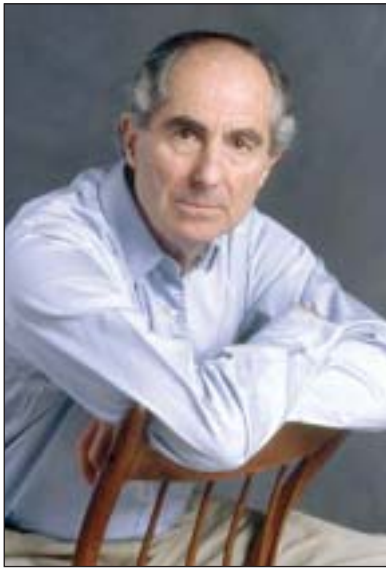


یگانه وصالی

نویسندگان بسیار کمی هستند که در طول حیاتشان شهرتی جهانی پیدا کنند و تحسین شوند. فیلیپ راث ۷۶ ساله، یکی از آن نویسندگان است که همچنان در اوج، پیش می‌تازد. سی امین کتاب او «حقارت» به تازگی منتشر شده که سومین کتاب از یک چهارگانه است. دو اثر آخر او، «هر مرد» در سال ۲۰۰۶ منتشر شد و «رنجش» در سال ۲۰۰۸ انتشار یافت. حالا نوبت «حقارت» است که غمی عمیق در آن موج می‌زند. داستان این رمان کوتاه در مورد سیمون اکسلر هنرپیشه صاحب نامی است که ناگهان درمی‌یابد، تمام استعدادش را از دست داده است. همسرش هم او را ترک می‌کند، کارش به بیمارستان روانی کشیده و پس از آن هم دچار روزمرگی می‌شود. اما ملاقاتی همه چیز را تغییر می‌دهد و او دوباره امیدوار، نیرویی دو چندان برای آغازی مجدد کسب می‌کند. راث، هنوز هم به دنبال همان تم‌هایی است که آثارش از آغاز با آنها درگیر بودند؛ از این رفتن پیوندهای خانوادگی، جدال‌های مردی پا به سن گذاشته با افسردگی و تنهایی، انتظاراتی که زوج‌ها را احاطه کرده و آنها را ناگزیر از انزوا می‌کنند. در مصاحبه‌ای یک ساعته که روزنامه وال استریت ژورنال، در دفتر مدیر برنامه‌های او در نیویورک انجام داده، آخرین رمان وی و بسیاری از مسائل مورد بحث قرار گرفته‌اند.

گفت‌وگو با فیلیپ راث به بهانه انتشار رمان «حقارت»

همیشه امیدی هست



کتاب‌های آنها تا این حد پر فروش شده است؟

من کتاب‌های آنها را نخوانده‌ام. اما به هر حال آنها هم به نوعی هنرمندان، اما به نظر من نویسنده نیستند. از آنجایی که هنرمندان بازار تقاضای وسیعی دارند، آنها همه خوانندگان بسیاری دارند. مردم عاشق سرگرمی‌اند و آنها هم سرگرمشان می‌کنند. خوب، آنها هم این جادو را دارند.

در مورد چارلز دیکنز چطور؟ او هم برای ماهنامه‌ها داستان می‌نوشت.

او هم یکی از افرادی بود که محبوب بود و داستان‌هایش را همه می‌خواندند. اما مهم‌تر از همه، او یک نابغه هم بود. این جور افراد بسیار کمیابند. البته بسیاری از نویسندگان بزرگ ما این طور نبودند. ملویل در گمنامی تمام مرد، کتاب‌های فاکتور دارای محبوبیت عام نبود، بلو هم همین طور. به نظر من بهترین‌ها اکثر اوقات دچار محبوبیت عام نمی‌شوند. همیشه رمان‌هایی محبوب بوده‌اند و هر از گاهی نابغه‌ای پیدا می‌شود که یک نویسنده بسیار محبوب هم باشد. اما این الزاما قانون نیست.

وقتی ازدواج سیمون (شخصیت اصلی رمان «حقارت») به بن بست می‌رسد و آنها قصد جدا شدن دارند، شما این واقعه را این طور تصویر کردید که «پایان یافتن یکی دیگر از میلیون‌ها قصه که مردان و زنان را در هم می‌پیچد». آیا واقعا این سرنوشت ازدواج‌هایی‌اند که در آمریکا صورت می‌گیرند؟

زندگی مشترک در آمریکا اغلب بسیار دشوار است و در اینجا چه بسیار زوج‌های ناخشنودی را داریم که فقط در هم پیچیده شده‌اند.

چه چیزی باعث می‌شود که سیمون بخواهد پدر شود؟ این موضوع واقعا تعجب‌انگیز بود.

باید هم تعجب برانگیز می‌بود. من همیشه دوست دارم خواننده را آخرهای داستانم شگفت زده کنم. سیمون گمان می‌کرد که این کار، اولین کاری است که در راستای نوسازی زندگی‌اش، می‌تواند آن را کامل کند. پس به این خاطر است که این موضوع پیش می‌آید. او خودش را دقیقا روی لبه بهبودی می‌بیند، اینطور نیست؟ که با وجود یک بچه می‌تواند آن را کامل کند.

در حال حاضر روی کتاب جدیدی کار می‌کنید؟ به تازگی کتابی را تمام کرده‌ام که تا سال آینده به بازار خواهد آمد، به نام «عقوبت» (Nemesis)، که چهارمین رمان کوتاهی است که بعد از «هر مرد»، «رنجش» و «حقارت» نوشته‌ام. این چهار رمان کوتاه یک مجموعه چهارگانه را تشکیل می‌دهند. من تا آنجا که بتوانم، زمان کمی بین کارهایم استراحت می‌کنم. اصلا نمی‌توانم کار نکردن و نوشتن را تحمل کنم.

بوده‌اند و حالا دارد در مورد عوامل درونی و بیرونی آن صحبت می‌کند. مقبولیت اجتماعی هیچ تاثیری بر آن ندارد. افرادی که قصد خودکشی دارند، فقط تمایل خودشان به آن را تحلیل می‌کنند.

مدیر برنامه‌های سیمون که شخصی دلسوز تصویر شده، همواره به ملاقات او می‌آید و تشویقش می‌کند که به صحنه برگردد. چطور شما در مورد بازیگری این همه اطلاعات به دست آوردید؟

به این می‌گویند تخیل نویسنده. من سال‌هاست که دارم هنرپیشه‌ها را می‌بینم و همیشه به آنها علاقه داشته‌ام و همین طور کنجکاو بوده‌ام. فکر می‌کنم کمی در مورد اینکه آنها چطور کار می‌کنند بدانم. البته چند کتاب هم در این باره خوانده بودم. یکی از آنها که می‌توانم به آن اشاره کنم کتاب «هارول گوسکین» بود به نام «چطور دیگر بازی نکنیم». اما نمی‌توانم بگویم که از این تحقیقات چیز زیادی دستگیرم شد. در واقع بیشتر، چیزی درونی و شهودی در خودم بود.

به نظر شما چه چیزی میان بازیگران حرفه‌ای و معمولی تفاوت ایجاد می‌کند؟

فکر می‌کنم، گزینه تفاوت اصلی میان بازیگران معمولی و بازیگران بزرگ است. این واژه در واقع اینجا معادل «جادو» بهتر است به کار رود. واژگان آغازگر داستان من اینها هستند؛ «او جادویش را از دست داده بود». فکر می‌کنم آنچه که هنرپیشه‌های بزرگ را بزرگ کرده، گزینه شان است که در نظر ما مثل یک اعجاز یا جادو در بازیگری می‌آید.

آیا این به خاطر فهم عمیق تری است که آنها از کارشان دارند؟

آنها خیلی غریزی می‌دانند که می‌خواهند چه کار کنند و چه چیزی را به نمایش بگذارند، الزاما فهم آن نیست. این در واقع موهبت بازیگری است که آنها دارند. سیمون داستان مردی متفکر است. اما این تفکر نیست که یک بازیگر را می‌سازد. البته بدون تفکر هم نمی‌توان هنرپیشه خوبی شد، اما در واقع چیزی که در تناقض با آن است، این است که این تفکر نیست که بازی را می‌سازد. چیزی که آن بازی را می‌سازد، خود بازیگر است، نه یک متفکر. هر چند که یک بازیگر خوب احمق هم در تقابل با این گفته قرار می‌گیرد. اما می‌توان چنین استدلال کرد که هیچ هنرپیشه خوب احمقی وجود نداشته است. چرا که هوش هم یک پای قضیه است.

این حس «از دست دادن جادو» که گفتید، آیا برای خودتان اتفاق افتاده است؟

من هر وقت کتابی را تمام می‌کنم، با خودم فکر می‌کنم «حالا چه کار کنم؟ ایده جدید از کجا پیدا کنم؟» و یک غمی درونم می‌دود، اما رفته‌رفته اتفاقاتی می‌افتد. فکر می‌کنم من تا آنجا که می‌توانم می‌نویسم و چاپ می‌کنم، چون اصلا نمی‌توانم حتی تصورم را هم بکنم که داستانی نداشته باشم که رویش کار کنم. این طور نیست که حس کنید باید این چیز را بگویم، یا آن یکی را، یا حتما باید این داستان را تعریف کنم، من فقط می‌دانم که می‌خواهم تا زمانی که زنده‌ام درگیر ادبیات و نوشتن باشم.

نویسندگانی مثل جیمز پترسون و نورا رابرتز، جزو نویسندگانی‌اند که بسیار محبوب و مردمی شده‌اند. نظر شما در مورد کتاب‌های آنها چیست؟ چرا

که ناهارم را تقریبا پنج دقیقه‌ای تمام می‌کردم و بعدش تا خیابان چهارم می‌دویدم و کتاب‌های کتابخانه‌ای مدرن را فقط با بیست و پنج سنت می‌خریدم. واقعا عالی بود، من هم دیگر داشتم کتابخانه خودم را جمع می‌کردم.

در کتاب «حقارت» سیمون خودش را مردی نفرت برانگیز که مجموعه‌ای است از عیب‌ها و نقص‌هایش توصیف می‌کند. نظر تان در مورد سخن آلبر کامو که می‌گوید هدف از زندگی فقط بالا بردن سنگی از تپه‌ای است، چیست؟

خیلی نامعمول نیست که افراد افسرده خودشان را مجموعه‌ای از کمبودها و نقص‌هایشان بدانند. تو نمی‌توانی به فردی که عمیقا افسرده است بگویی که چه کار باید بکند، نکته اینجاست که آنها نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. آنها از یکجا جمع کردن نیروهایشان عاجزند. همانطور که سیمون هم هست.

آیا سیمون باور دارد که بستری شدنش در بیمارستان روانی ارزشمند بوده است. من بالاخره نتوانستم بفهمم که شما روان درمانی را به استهزا گرفته‌اید یا تایید کرده‌اید؟

هیچ‌یک، من فقط سعی کردم تا آنجا که می‌توانم آنچه را بر او گذشته تصویر کرده و ارائه دهم. اینکه چه شد که بهتر نشد یا چه شد که بهتر شد، یا در مورد افرادی که در بیمارستان می‌دیدم، من هیچ موضع‌گیری خاصی در برابر بیمارستان‌های روانی نداشتم. می‌دانید، هنر درمانی، چیزی کودکانه است، اما تعمداً این چنین است.

در جایی هم نوشته‌اید که «او هر چه انجام می‌داده غریزی بوده است، حالا او داشت فکر می‌کرد که همه چیز، تمام چیزهای خود جوش و حیاتی برای پیشه‌اش، از بین رفته است.» آیا برای او خودآگاهی عنصری فلج‌کننده است؟

من دارم در مورد یک هنرپیشه صحبت می‌کنم. یک هنرپیشه تنها از روی غریزه‌اش می‌تواند بازی کند؛ کسی که خیلی راجع به بازی کردن فکر کند، محدود به حیطه افکارش می‌شود.

یکی از شخصیت‌های فرعی داستان، معلم بازنشسته مدرسه‌ای است که در بیمارستان روانی بهبود یافته و آن دو شخصیت را که به مشکلات روانی دچار بودند، تألیف می‌کند؛ سوال اصلی این است که آیا مردن آنها به حق بوده است؟ آیا آنها دلیل کافی برای مردن داشته‌اند؟ به نظر شما خودکشی هیچ وقت می‌تواند به گزینه قابل قبولی تبدیل شود؟ او جزو همان‌هایی است که دچار مشکلات روانی

لطفا کمی از زندگی شخصی تان به عنوان یک نویسنده بگویید.

البته من تنها زندگی می‌کنم و هیچ کس دیگری نیست که بخواهم مسوولش باشم یا وقتم را با او بگذرانم. برنامه‌های کاری روزانه من همه از آن خودم هستند. معمولا تمام روز را می‌نویسم، اما اگر بخواهم شبی، بعد از صرف شام هم به اتاق کارم برگردم، همین کار را خواهم کرد، چون مجبور نیستم به خاطر کسی که تمام روز در خانه تنها بوده، در اتاق پذیرایی بمانم. مجبور نیستم آنجا بنشینم و کسی را سرگرم کنم یا سرگرم شوم. می‌روم به اتاق کارم و دو سه ساعت دیگر هم کار می‌کنم. اگر ساعت دو نیمه شب هم از خواب بیدار شوم - که البته به ندرت اتفاق می‌افتد، اما بالاخره گاهی اتفاق می‌افتد - و ببینم چیزی در من سنگینی می‌کند که بخواهم بنویسمش، چراغ را روشن می‌کنم و در همان اتاق خواب، مشغول نوشتن می‌شوم. من همه جای خانه ام کاغذ و قلم دارم. تا هر وقت که بخواهم هم مطالعه می‌کنم. اگر ساعت پنج صبح هم بیدار شوم و دیگر خوابم نبرد و بخواهم کار کنم، می‌روم و کار می‌کنم. من همیشه برای کارم، نوشتن، آماده‌ام.

این روزها مشغول مطالعه کتاب خاصی هستید؟ بله، در حقیقت بیشتر مشغول بازخوانی کتاب‌هایی هستم که در جوانی، حدود بیست سالگی‌ام، خوانده بودم. نویسندگان بزرگی که من در طول این پنجاه سال گذشته هیچ وقت دوباره نخوانده بودم. منظورم داستایفسکی، فاکتور، تورگنیف و کنراد است. قصد دارم قبل از مرگم، یک بار دیگر همه آنها را بخوانم.

از نویسندگان معاصر چه کسی را پیشنهاد می‌کنید؟ من داستان‌های معاصر را زیاد نمی‌خوانم. اصلا از آنچه این روزها بر سر داستان می‌آید، سر در نمی‌آورم. از هم‌نسلان خودتان چطور؟ به شخص خاصی می‌توانید اشاره کنید؟

از میان همسالانم می‌توانم به تعداد بسیار کمی اشاره کنم؛ دون دلیلو، اد دوکترو، ریولدر پرایس، جویس کرول اوتس و تونی مورسون. ما همسالان خوبی داشتیم. البته در چند سال گذشته سه نفر از بهترین‌ها را از دست دادیم. سال بلو، نورمن میلر و جان آپدایک. ادبیات آمریکا، ادبیات پرباری است. این افراد هم همه واقعا عالی بوده‌اند.

شما با اینترنت هم کار می‌کنید؟ بیشتر به چه سایت‌هایی سر می‌زنید؟

بله، اما موارد استفاده زیادی از آن ندارم. یعنی با استفاده از اینترنت، فقط خواروبار و کتاب می‌خرم. خوراکی‌ها را از سایت فروش دیرکت می‌خرم و کتاب‌ها را معمولا از سایت آمازون. البته از سایت آب ایی بوکس هم کتاب‌های دست دوم زیادی خریده‌ام. خیلی عالی است که کتابی کمیاب را با قیمتی کمتر از چهار دلار بخری. بهترین بازارچه کتابی است که تا به حال دیده‌ام.

البته نه به خوبی خیابان چهارم نیویورک، نه؟ البته. آنجایی نظیر است. دقیقا از همان جا بود که من زندگی با کتاب را آغاز کردم. خاطرم هست در ژانویه ۱۹۵۰ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده و در خیابان چهاردهم جایی مشغول به کار بودم. من در شرکت «کلین» کار می‌کردم و کارمند بورس بودم. یادم هست

سخن از مرگ برای روایت زندگی

شد، فهمیدم که راث بیشتر از آن که مرا از مرگ بترساند، مرا از زندگی که برای خود ساخته‌ام ترسانده. چیزی که من از این کتاب فهمیدم این است که فیلیپ راث از زندگی متنفر است و در مقابل اصلا حاضر نیست بمیرد.»

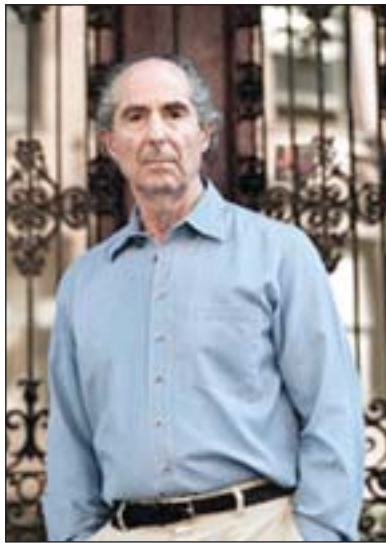
این خواننده حرفه‌ای آثار راث که توصیفاتش از رمان «هر مرد» را در وب سایت «گودریلز» - که وب سایتی برای تبادل نظر درباره کتاب هاست - منتشر کرده، در ادامه می‌گوید: «اگر قرار باشد بهترین جمله کتاب را انتخاب کنم بی‌شک این خواهد بود: سن بالا جنگ نیست، سن بالا شکست است.»

خواننده‌ای دیگر، این کتاب را سقوط ادبی فیلیپ راث می‌داند و می‌نویسد: «تمام کتاب را در دو ساعت تمام کردم. دو ساعتی که کتاب را در دست داشتم دیوانه‌وار به دنبال اتفاقی هیجان‌انگیز بودم. انتظارم بیهوده بود.» استدمین، یکی از منتقدان آمریکایی نیز در انتقاد از این اثر می‌نویسد: «جمله‌ها خام و تکراری بودند. احساس می‌کردم با هر جمله به قعر دریا سقوط می‌کنم و این برایم خوشایند نبود.»

راث در این رمان ۴۰ هزار کلمه‌ای آثار به یاد ماندنی چون «لیر شاه» از شکسپیر و «مرگ ایوان ایلچ» از تولستوی را در ذهن خوانندگانش تداعی می‌کند. وی در کتابش از مرگ می‌گوید. او کمک می‌کند خواننده نگاه متفاوتی به مرگ داشته باشد. از آن نهراسد اما در ابهامش گم شود. بیشتر آثار راث تا حدودی از زندگی شخصی‌اش تاثیر پذیرفته‌اند. روایت کنندگان داستان‌های فیلیپ راث معمولا ثابتند تا حدی که در کتاب‌های متفاوت با شخصیتی یکسان مواجه‌اند. خوانندگان گاه در طول داستان با فیلیپ راث مواجه می‌شوند؛ با همین نام و با همین هیبت. در آثار راث مقوله نویسندگی همراه با سایه‌ای از ایده‌آلیسم به هم پیچیده شده. خواننده معمولا با شخصیتی یهودی - آمریکایی روبه‌روست که می‌خواهد از سنت‌های یهودیان فاصله بگیرد و در راستای آن همیشه خشم خانواده و اجتماع یهودیان را برمی‌انگیزد.

او تاکنون موفق به کسب ۲۰ جایزه ادبی برای آثارش شده است که از میان آنها می‌توان به جایزه پولیتزر، نشان ملی هنر، نشان طلای داستان‌نویسی، دو جایزه کتاب ملی و سه جایزه قلم فاکتر اشاره کرد.

راث نویسنده‌ای پرکار است و با این که بارها از سن بالا و پیری شکایت کرده، اما لحظه‌ای دست از فعالیت برنمی‌دارد. او می‌گوید: «اگر بتوانم با کاغذی که چند جمله روی آن نوشته‌ام از محل کار خارج شوم، از خودم راضی‌ام. اگر با کمتر از آن بیرون بیایم، خیلی ناامید خواهم بود. اگر دست خالی اتاق کارم را ترک کنم، حاضرم با دست‌های خود گلویم را آنقدر بفشارم تا بمیرم.»



از پدر خود دل‌خوشی ندارند، چراکه بر این باورند که پدر در حق مادرشان ظلم کرده است. داستان با بازگشت‌های فراوان به گذشته، خواننده خود را به زوایای گوناگون زندگی شخصیت اصلی داستان می‌برد؛ داستانی که انتهایش از همان ابتدایی‌ترین جمله پیداست. یکی از خوانندگان «هر مرد» درباره این رمان نوشته است: «تاکنون تقریباً بیشتر آثار راث را خوانده‌ام. ابتدای «هر مرد» ترسیدم چون مطمئن بودم تا نیمه شب که داستان را تمام می‌کنم، ترس از ابهام مرگ مرا تا لحظه مرگ خودم تنها نخواهد گذاشت. اما وقتی کتاب تمام

چند پاراگراف ابتدایی قهرمان داستانش را در تابوت تصویر می‌کند؛ در قبرستان.

خوانندگان این رمان در طول داستان گاه‌به‌گاه زندگی شخصیت اصلی و بی‌نام داستان را همراه کلمات راث تجربه می‌کنند. این قهرمان بی‌نام در دنیای فرهنگ بسیار شناخته شده است. حرفه‌اش تبلیغات بوده و روزنامه‌نگاری می‌کرده. دلبستگی‌اش به نقاشی در سال‌های آخر عمرش چنان زیاد می‌شود که تمام وقتش را صرف رنگ و بوم می‌کند. چندین بار ازدواج کرده. بزرگ‌ترین فرزندش همیشه مشکل‌داشته و هیچ‌وقت نتوانسته رابطه خوبی با وی برقرار کند. این مردی است که راث از بین همه برگزیده تا درباره‌اش بنویسد. این روزنامه‌نگار اینک در تابوتش است. تمام اقوام و دوستان دور و نزدیکش در کنار تابوتش ایستاده‌اند. صفحات ابتدایی رمان تماما شرح و ادعای نزدیکان قهرمان داستان با اوست. نانی تنها فرزند وی که همیشه پدر را دوست داشته و در کنارش بوده، به کلماتی سوزناک با پدر خداحافظی می‌کند. شاید اگر نمرده بود، از دخترش برای تدارک این مراسم تشکر و قدردانی می‌کرد.

نویسنده ماهرانه وداع فرزندان و نزدیکان را تشریح می‌کند و خواننده به راحتی در همان ابتدا موضع رفتاری هر یک از شخصیت‌های داستان را درک می‌کند. خواننده «هر مرد» به زودی از حاشیه قبرستان کنار می‌رود و به عقب برمی‌گردد. به کودکی و هنگام مرگ پدر قهرمان داستان. دکان جواهر فروشی پدر. آب‌تنی کردن‌ها و تمام شیطنت‌های کودکانه. راث در این رمان کوتاه به بازگویی زندگی این قهرمان بی‌نام می‌پردازد. از سه ازدواجش می‌گوید. از دو پسرش می‌نویسد که

مرگ و سالخورده‌گی از زبان راث

فیلیپ راث در رمان «هر مرد» از بیماری، فناپذیری، مردن و مرگ می‌نویسد. او درباره کتابش این‌گونه می‌گوید: «بسیاری می‌گویند من عنوان کتابم (هر مرد) را از یک روایت تمثیلی از قرن ۱۵ میلادی گرفته‌ام، اما این‌گونه نیست. آن حکایت قدیمی در بستری کاملا آموزنده و اخلاقی شکل می‌گیرد در صورتی که داستان من هر چه باشد گمان نمی‌کنم آموزنده باشد. البته این حکایت در داستان من بی‌تاثیر نیست. در قسمت پایانی کتاب بودم که یاد این روایت قدیمی افتادم که در زمان دانشجویی‌ام، آن را خوانده بودم. در این داستان من از بیماری و مرگ نوشته‌ام. شاید برای این که امسال حدود سه یا چهار تا از دوستان نزدیکم را از دست دادم. این را بهانه خوبی دانستم که از مرگ بنویسم. شاید خواسته‌ام به همان تزکیه نفسی برسیم که رومیان باستان با نمایشنامه‌هایشان در مقابل مردم رسیده‌اند. من از همه چیز و همه کس الهام می‌گیرم. در میان نوشتن این رمان که بودم، اخباری از نیوارلنن تو جهتم را به خود جلب کرد. در این خبر مردم سالخورده‌ای را نشان می‌داد که از خانه‌هایشان بیرون‌شان می‌کردند، صرفاً چون پیر و سالخورده بودند. با دیدن این خبر ضربان قلبم بالا رفت و ناگهان با صدای بلند گفتم: «سن بالا جنگ نیست، سن بالا شکست است.» انگار زمین جنگ را از مردم سالخورده پاکسازی می‌کردند. خودم به جرات می‌توانم بگویم که این جمله از بهترین جمله‌های کتابم است. در نوشتن یک رمان یا یک داستان معمولا این قصه است که مرا با خود می‌کشد تا جایی که قصه‌ام تمام شود و این بار مطمئن بودم که داستانم یک رمان طولانی خواهد بود اما به یک رمان کوتاه تبدیل شد. زمانی که نوشتن این داستان را شروع کردم، برای قهرمان داستان نامی نداشتم. در طول نوشتن آن مدام بر سر اسم با خودم کلنجار می‌رفتم. در آخر متوجه شدم که این داستان «هر مرد» است و قهرمان آن نباید نامی داشته باشد.

«اینجا، جایی که مردم می‌نشینند و به ناله‌های یکدیگر گوش می‌دهند؛ جایی که رعشه مرگ اندام برخی را با غم و همراه باقیمانده موهای خاکستری تکان می‌دهد. جایی که جوانی به پیری رنگ می‌بازد و اشباح لاغر می‌میرند. جایی که اگر فکری باشد لبریز افسوس است.»

اینها جملات آغازین فیلیپ راث است برای رمان «هر مرد». یکی از آخرین آثار این نویسنده آمریکایی که در سال ۲۰۰۶ میلادی با نام انگلیسی «Everyman» منتشر شده. اثری که با مرگ شخصیت اصلی داستان آغاز می‌شود و اگر در توصیف این رمان بخواهیم تنها یک کلمه بگوییم یا بخواهیم نامی جایگزین نام این کتاب بکنیم، تنها این کلمه شایسته است؛ «مرگ».

این نویسنده آمریکایی تبار با کارنامه درخشان در ادبیات و رمان‌نویسی در ۱۹ مارس ۱۹۳۳ در نیوجرسی آمریکا به دنیا آمد. شهرت وی به دلیل نوشتن رمان طنز «گلایه پورتونی» است که در سال ۱۹۶۹ به چاپ رسید. کم نیستند نویسندگانی که در آثار خود از مرگ سخن رانده‌اند. دست‌کم می‌توان کارلوس فونتنس و گارسیامارکز را مثال آورد که در آثاری غلیان احساسات شخصیت‌های داستان در سنین بالا را «دلبستگی به مرگ» تعبیر کرده‌اند. این همان چیزی است که در رمان «هر مرد» راث نیز وجود دارد؛ مرگی که در نظر فیلیپ راث خالقش همان انسان است. مرگ همان واپسین لگدی که بر انسان زده می‌شود. بسیاری از نویسندگان معاصر از مرگ به سان موسیقی متن داستان‌هایشان بهره برده‌اند چراکه نه می‌توان منکر آن شد و نه می‌توان به طور قطع از آن سخن گفت. دنیایی پر از ابهام که تنها در یک لحظه اتفاق می‌افتد. گارسیا مارکز در «خاطره دلبران غمگین من» و فونتنس در «اینتر» و راث در رمان‌های «تنگ بشریت»، «حیوان در حال مرگ» و در «هر مرد» از این پدیده حرف می‌زنند.

برخی، رمان «هر مرد» را اثری متفاوت از سایر آثار راث می‌دانند. خود در این باره می‌گوید: «آمارها به دنبال الهام هستند. ما تنها از خواب برمی‌خیزیم و سر کار می‌رویم.» برای او مرگ همان قدر ارزش دارد که زندگی. فیلیپ راث تا قبل از این رمان، چیزی حدود ۲۷ رمان منتشر کرده و هر یک از این رمان‌ها بیشتر حول مشکلات آمریکایی بودن، روابط خانوادگی و گذران زندگی است اما با کمال تعجب این بار راث در اثری که از خود در سال ۲۰۰۶ میلادی منتشر کرده از پسری که بینه می‌گوید که از کودکی تمام توجه‌اش به سلامتی دیگران است و در آخر خود در نیمه ۷۰ سالگی‌اش می‌میرد.

راث در طول داستان از زندگی وی می‌نویسد با همه پستی‌ها و بلندی‌ها، روابط دوستانه و گاه محرمانه. داستان راث در لحظه مرگ آغاز می‌شود. راث در همان

یک آمریکایی خوشبخت

فیلیپ راث در ۱۹ مارس ۱۹۳۳ در نیوجرسی به دنیا آمد. او شهرت خود را مدیون نخستین کتابش (خداحافظ کلمبس) است که به صورت مجموعه داستان منتشر شد. این مجموعه که در سال ۱۹۵۹ به چاپ رسید موفق شد در سال بعد جایزه ادبی «کتاب نشنال» را از آن خود کند. او در خانواده‌ای متوسط بزرگ شد. سپس در دانشگاه شیکاگو ادامه تحصیل داد و توانست فوق‌لیسانسش را در رشته ادبیات انگلیسی بگیرد. فیلیپ راث همیشه در مدت تحصیل خود در انجمن‌های دانشگاه و گروه‌هایی که در کنار هم نوشتن را تمرین می‌کردند، شرکت می‌کرد. وی تا قبل از سال ۱۹۹۱ در دانشگاه‌های مختلف آمریکا به تدریس نوشتن خلاق پرداخت. وی بعد از جدا شدن از نخستین همسرش این‌گونه که خود می‌گوید

جایزه ادبی را از آن آثارش کند.

روزنامه نیویورک تایمز در سال ۲۰۰۶، در مطلبی ۲۲ کتاب برتر ۲۵ سال گذشته را معرفی کرد. در این مقاله که بسیاری از منتقدان و ناشران آن را گرد هم آورده بودند، شش رمان از فیلیپ راث وجود داشت که تعجب بسیاری را برانگیخت. در ادامه این مقاله آ.ا.و. اسکات منتقد ادبی آمریکایی نوشته بود: «اگر قرار بود بهترین نویسنده در ۲۵ سال گذشته را انتخاب کنیم، بی‌شک فیلیپ راث منتخب آن مسابقه می‌شد.»

از دیگر آثار این نویسنده آمریکایی می‌توان به «وقتی که او خوب بود» (۱۹۶۷)، «تیم ما» (۱۹۷۷)، «یک رمان آمریکایی خوب» (۱۹۷۳)، «زندگی من به عنوان یک مرد» (۱۹۷۴)، «درس آناتومی» (۱۹۸۳)، «حقایق: بیوگرافی یک رمان‌نویس» (۱۹۸۸)، «من با یک کمونیست ازدواج کردم» (۱۹۹۸) و «رنجش» (۱۰۰۸) اشاره کرد. همچنین پنج کتاب از آثار این نویسنده به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده‌اند.

دچار یأس در نوشتن شد. چراکه شخصیت زن داستان‌هایش بیشتر الهام گرفته از همسرش بود و با رفتن وی نوشتن برای راث بسیار سخت شد. در سال ۱۹۹۰ او پس از آشنایی با کلر بلوم بازیگر انگلیسی با وی ازدواج کرد؛ ازدواجی که تنها سه سال دوام داشت. بلوم در ۱۹۹۶ با انتشار کتابی با عنوان «وداع با خانه عروسک» تمام جزئیات روابطش با راث را در آن بیان کرد که بعدها باعث دلخوری زیاد راث از وی شد و به ناچار برای تکذیب حرف‌هایی که کلر بلوم در کتابش زده بود، با روزنامه‌ها و مجلات بسیاری گفت‌وگو کرد. او در داستان‌هایش عموماً دغدغه‌های مردم را با مشکلات فلسفی برابر می‌کند. وی پس از انتشار «خداحافظ کلمبس» با سبیلی از انتقادات روبه‌رو شد. منتقدان اثر وی را نوعی انزجار از خود دانستند. بعد از آن راث با نوشتن مقاله‌ای که شهرتش را دو برابر کرد، به انتقادات پاسخ داد.

فیلیپ راث تاکنون نزدیک به ۳۰ جلد کتاب نوشته است که بیشتر این داستان‌ها مورد استقبال عموم مردم قرار گرفته‌اند و توانسته ۲۰



تازه ترین کتاب های هفته

عرفان روزگار ساسانیان و نام آوران فلسفه

«کوچ کوچ» نام کتابی است به قلم عطا طاهری که انتشارات سخن چاپ و منتشر کرده است. عطا طاهری یکی از چهره های سیاسی - فرهنگی و از معلمان برجسته تعلیمات عشایری در این کتاب تجربه نیم قرن زندگی در کهگیلویه و بویر احمد را روایت می کند. پدر او که از سران ایل بود در بروز ناآرامی های سال ۱۳۰۹ کشته شد و او به پایتخت آمد اما در جریان حوادث شهریور ۱۳۲۰ و جنبش نوینی که به جامعه روی آورد دوباره به ایل بازگشت. بخشی از مطالب این کتاب به حوادث دوران نهضت ملی نفت ارتباط دارد و نشان می دهد که مردم ایل با چه شور و شوقی به این جنبش پیوستند. طاهری خاطرات خود را با پایان یافتن دولت مصدق به پایان برده است و نخواست که به حوادث بزرگ بعدی بپردازد. انتشارات سخن «فرهنگ نوجوان سخن» را در دو جلد قطع رحلی به قلم دکتر حسن انوری و منیژه گازرانی چاپ و منتشر کرده است و این شاید برای نخستین بار باشد که در کشور برای فرهنگ نوجوانان به این اندازه اهمیت قائل شده اند که فرهنگ مستقلی با این ارزش و با این کیفیت مطلوب منتشر می کنند. «مرگ و» منتخبی از اشعار مهدی حمیدی شیرازی سراینده غزل معروف مرگ قو است که از سوی انتشارات سخن به بازار آمد. مقدمه این مجموعه که در برارنده زیباترین سروده های کلاسیک این شاعر معاصر است. به قلم دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی نوشته شده است.

دیگری است که موسسه انتشارات نگاه در این هفته به بازار فرستاد. رومن رولان با قلمی شیرین و توانایی شگرف به زوایای پنهان روح و روان نویسنده آثاری چون «آناکارینا» و «جنگ و صلح» نزدیک می شود و خواننده را با مطالعه این زندگی نامه به شناخت عمیق تری از لئو تولستوی و آثارش می رساند. انتشارات آگاه که در فاصله سال های ۶۱ تا ۶۳ چهار جلد کتاب «نقد آگاه» را منتشر کرده بود اکنون دوره جدیدی از نقد آگاه را آغاز و در اولین گام «نقد آگاه» را به اهتمام عنایت سمیعی به بازار عرضه کرد. در این اثر، مطالبی خواندنی زیر چند سرفصل با عنوان چالش جستار، نگرش، زیبایی، نقد، نمایش و ادبیات شرقی آمده است. نویسندگان این مطالب محمد رضا نیکنفر، شاهرخ حقیقی، بهمن بازرگانی، علی محمد حق شناس، شاپور جورکش، محمود فتوحی، مرتضی پورحاجی، جواد مجابی و زری نعیمی اند. همراه با مقدمه ای به قلم عنایت سمیعی که شاعر و منتقدی آگاه است. کتاب دیگری که انتشارات آگاه منتشر کرده است «گفت و گو با مترجمان» نام دارد که سیروس علی نژاد روزنامه نگار با سابقه گفت و گوهای جذاب با صفر تقی زاده، نجف دریابندری، مهدی سحابی، رضا سید حسینی، کامران فانی، عزت الله فولادوند و عبدالله کوثری انجام داده است و خواننده را با جدید ترین فعالیت های این مترجمان و علایق و سلیق شان آشنا می کند.

در درک مطالب و مفاهیم کمک فراوانی می کند. انتشارات روزنه «فرهنگ گزیده اعلام شرقی در منابع غربی» اثری از صالح طباطبایی را منتشر کرده است. این کتاب فرهنگی دایرةالمعارفی است که بنا دارد به اعلام بااسامی خاص، شامل نام های اشخاص، مکان ها، کتاب ها و رساله های خاص، اختصاص داشته باشد. اما چرا فرهنگ گزیده اعلام است؟ مولف کوشیده تنها اسامی خاص شرقی را برگزیند که ضبط آنها در مآخذ غربی، به ویژه انگلیسی دچار تغییرات شدیدی شده و تشخیص آنها برای خواننده یا مترجم فارسی زبان دشوار باشد. «سردگشت حاجی بابای اصفهانی» اثر جیمز موریه با ترجمه میرزا حبیب اصفهانی و با مقدمه محمد گلین از سوی موسسه انتشارات نگاه منتشر شده است. گلین که از نسخه شناسان صاحب نظر و آگاه دوران ماست در مقدمه این نسخه دو مزیت را بر دیگر نسخه های منتشر شده برمی شمارد که نسخه مذکور متعلق به دوران ناصری و مظفری بوده و مصور نیز هست، اما ویژگی این نسخه یکی این است که نسخه ای کامل است. یعنی سیاحت انگلستان حاجی بابا را هم دارا است. این ویژگی هرگز در نسخه های فارسی دیده نشده و در نسخه هایی که به تازگی طبع شده هم موجود نیست و در انگلیسی هم این بخش جداگانه چاپ شده است. «زندگی تولستوی» اثر رومن رولان نویسنده مشهور فرانسوی با ترجمه علی اصغر خیره زاده کتاب

«زبور مانوی» با برگردان دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور از سوی نشر اسطوره چاپ و منتشر شده است. زبور مانوی از جمله آثار ادبی، آیینی و عرفانی روزگار ساسانیان (سده سوم و چهارم میلادی) است که نخست به زبان سریانی سروده و آن گاه به زبان های دیگر برگردانده شد. پروفیسور آلبری آن را از متن قبطی به انگلیسی برگرداند و همین ترجمه مبنای ترجمه فارسی قرار گرفت. «زبور مانوی» سروده مانی است. «نام آوران فلسفه» تالیف دکتر علیرضا داوری از سوی انتشارات دستان چاپ و منتشر شده است. کتاب مذکور شامل زندگی نامه فیلسوفانی است که هر یک در حوزه اندیشه و تفکر بشری، تاثیراتی شگرف و بنیادین نهاده اند؛ فیلسوفانی مانند سقراط، افلاطون، ارسطو، کنفوسیوس، اپیکور، ابن میمون، روسو، ولتر تا کروچه و جان دیویی. مولف سعی کرده مفاهیم پیچیده و دشوار مباحث گوناگون فلسفه را همراه با زندگی نامه فیلسوفان با زبانی ساده و روشن برای خواننده مشتاقی که کمتر با عرصه فلسفه آشنایی دارد، باز گو کند. «پنج گفتار در باب حکومت» به قلم دکتر صادق زیبا کلام از سوی انتشارات روزنه منتشر شده است. این کتاب عمدتاً در برگیرنده تعاریف و کلیاتی درباره علم سیاست و دیدگاه های افلاطون، هابز، جان لاک، میل و مارکس است. ویژگی این اثر روانی و ساده بودن زبان و متن آن است که به دانشجویان این رشته

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات رشد با بیست و چهار عنوان کتاب برگزارترین ناشر؛ محمسنجید کوهی با شانزده عنوان برگزارترین مولف؛ و مهدی الهی قمشه ای با چهار عنوان برگزارترین مترجم بودند.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» بر اساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸۸/۱۶ تا چهارشنبه ۸۸/۲۰، ۱۰۳۳ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب ها در موضوع آموزش و کمک درسی و سپس دین بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات کودک و نوجوان، علوم عمومی، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	چاپ مجدد	تهران	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط
۱	کلیات	۴۲	۳۹	۴	۳۷	۱۶	۳۶	۷	۱۸۸۲	۳۹۵
۲	فلسفه و روانشناسی	۴۰	۲۴	۱۶	۱۸	۲۲	۲۴	۶	۲۲۷۱	۲۴۶
۳	دین	۱۴۳	۱۳۸	۵	۱۷	۶۶	۶۰	۸۲	۲۲۲۲	۳۵۴
۴	علوم اجتماعی	۱۱۷	۹۸	۱۹	۷۱	۴۶	۹۷	۳۰	۲۳۷۰	۲۴۷
۵	زبان	۵۲	۴۹	۳	۲۷	۴	۴۵	۸	۲۹۲۱	۳۲۰
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۳۹	۳۸	۱	۲۰	۱۶	۳۰	۹	۲۲۵۰	۳۲۱
۷	علوم عمومی	۱۱۷	۹۶	۲۱	۷۹	۳۸	۹۱	۳۶	۲۴۳۰	۳۷۲
۸	هنر	۳۳	۳۵	۸	۱۸	۱۵	۳۰	۳	۲۳۸۴	۱۹۱
۹	کلیات	۱۲۰	۱۰۵	۱۵	۸۲	۳۷	۱۰۰	۲۰	۵۴۴۴	۲۲۰
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۴۲	۴۰	۲	۲۴	۱۸	۲۴	۸	۱۲۸۸۵	۲۴۱
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۱۵۶	۱۵۴	۲	۲۵	۱۲۱	۱۴۱	۱۵	۲۲۷۲	۲۲۲
۱۲	کودک و نوجوان	۱۴۱	۱۱۰	۳۱	۶۰	۸۱	۱۲۸	۱۲	۴۷۷۷	۴۹
	جمع بندی	۹۰۴۳	۸۱۶	۱۵۰	۵۲۸	۵۶۵	۸۲۶	۴۱۷	۲۹۴۸	۲۷۴

* «تالیف» به نامی آری اطلاع می رسد که ترجمه باشد. آری چون نسخه کهن، گردآوری، تحقیق جمع و نظیر آن.
** «موضوع آموزش و کمک درسی» کلیه کتاب های است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی نام مطابقت تعیین نمایی.
و «موضوع کودک و نوجوان» مطابقت آنها دانش آموزان از پیش دبستان تا دبیرستان است.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گزارشگر کتاب	۱۵۰۰۰۰ ریال	هزار و یک پرسنلی، نیل آردلی، روان ترنول، ناشر: افق، چاپ ۴، ۲۲۰ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۳ مرتبه	قصه های خوب برای بچه های خوب؛ قصه های برگزیده از منتوی مولوی، مهدی آذربادی، ناشر: نشر کبیر، کتابهای شکوفه، ۱۴۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۳۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۶۰۰۰ نسخه	۱۳۳۳۳ گل گندم: ۱۳ لایه تابستانه، ناشر: فدایی، چاپ ۱، ۱۲، ۱۲۰ صفحه، ۸۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰۰ نسخه	عجایب هنرهای جهان باستان، سیرا قاسمی، ناشر: جوید، چاپ ۲، ۴۳ صفحه، ۳۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۱۴ صفحه	جزیره الفونگرن: مجموعه داستان برای نوجوانان، فریا کهنر، ناشر: نیکا (نوسعه کتاب ایران)، چاپ ۳، ۱۰۰۰ نسخه، ۴۹۰۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گزارشگر کتاب	۲۲۰۰۰ ریال	مسئله کجینه نظایتن، احمد شریعی، ناشر: نسیم کور، چاپ ۲۲، ۷۷ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
گزارشگر کتاب	۴۰۰۰۰۰ ریال	ساختمان هلیکوپتر = Helicopter construction، علی اکبر انگری، ناشر: جادو، ۸۰۴، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۷۱ مرتبه	مقدمه علم طوطی و مطالعه در نظام طوطی ایران، ناصر کاتوزیان، ناشر: شرکت سهامی انتشار، ۲۸۶ صفحه، ۵۲۰۰ نسخه، ۷۲۵۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۴۰۰۰۰۰ نسخه	بهرام و نیک و براهم (داستان از شاهنامه فردوسی)، ناشر: هنرهای، چاپ ۱، ۲۲ صفحه
کمترین شمارگان	۱۵۰۰ نسخه	English for the students of Persian literature، عباس سردان، ناشر: دانشگاه سمنان، چاپ ۱، ۱۲۴ صفحه، ۲۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۰۳۸ صفحه	فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی، در یک جلد، ترکیب انتخابی، ناشر: فرهنگ معاصر، چاپ ۱، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۵۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۶ صفحه	تعلیم و تربیت، اسطوخودوس، ناشر: علم و دانش، چاپ ۱، ۳۰۰۰ نسخه، ۵۰۰۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گزارشگر کتاب	۹۰۰۰۰ ریال	کتاب کار تاریخ دوم راهنمایی، جواد عباسی، ناشر: مدرسه برهان، چاپ ۷، ۵۲ صفحه، ۴۴۰۰ نسخه
گزارشگر کتاب	۱۴۹۰۰۰ ریال	فرستاده های جامع هوشبری: سوالات طبقه بندی شده با پاسخ تشریحی به اقسام آزمونها، ناشر: مهدی رضایی، ناشر: جامه دگر، چاپ ۴، ۴۸۸ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۲۵ مرتبه	دفتر برنامه ریزی به روش کلمه، کاتبه فلوچس، ناشر: کتابون فرهنگی آموزش، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۳۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰۰ نسخه	بهرات های زندگی، سال سوم دوره راهنمایی تحصیلی، عاطفه حیات فاضلی، ناشر: سازمان بهرینگی کشور، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری، چاپ ۱، ۴۰، ۱۰۴ صفحه
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	مجموعه آزمون های ۱۰ سال کشور رشد و افتخار، ناشر: علوم تربیتی از زمین های سرسبز و آزاد، علی اکبر شریعی، ناشر: ارتش، چاپ ۱، ۱۴۴ صفحه، ۳۵۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد ناشران بدون قیمت	تعداد بهای ناشران				تعداد کتاب های ثبت
		مؤلف*	مترجم	زن	مرد	
۳۸۰	۹۹	۱۷۰	۷۶%	۴۴	۱۱%	۱۲

* مؤلف نامی بهای ناشران باشد. نویسنده، مترجم، گردآورنده، مصحح و ... جز مترجم.

موسیقی شعر حافظ



می شدند و از این فشرده‌گی بیرون می آمدند، حجم کتاب دست کم به دو برابر صورت فعلی می رسید. یکی از راهکارهای عظیمی (مؤلف کتاب) در این فشرده سازی مطالب، آن بوده که هر جا نیاز به معرفی مفصل مفهومی خاص بوده، در پاورقی نشانی منبعی را ذکر کرده که خواننده با مراجعه به آن توضیح مدنظر خود را دریافت کند. این گونه، بخش مهمی از توضیحات به فضاهای موازی خارج از کتاب منتقل شده و متن کتاب تا حد ممکن پیراسته از اضافات باقی مانده است.

در اهمیت پژوهش عظیمی

پژوهش هایی که عموماً درباره ادبیات کلاسیک انجام می شوند، اگر به راستی پژوهش هایی باشند، هر یک به نوعی مبتنی بر تحلیل های ادبی اند (تحلیل ادبی به معنای تحلیل تاریخ ادبیات، تفسیر و تأویل، بحث در نسخه ها و نسخه بدل ها، ارتباط های یک متن با متون پیش از خود و وام گیری های جابه جا). در نتیجه تقریباً هیچ یک از این تحلیل ها نمی توانند به معنای شکلی - فرمی، علمی باشند. ظاهر ماجرا این است که همه شعر کلاسیک فارسی در قالب های عروضی ریخته شده و آن قالب ها بوده اند که فرم (دست کم بیرونی) شعر را ایجاد کرده اند. چنین تحلیلی بر این پیش فرض مبتنی است که شاعر، اسیر دست نیرومند قالب هایی از پیش تعیین شده است و دست شاعر در تخطی از اصول بنیادین شکل گیری این قالب ها (که همان اصول علم عروض باشد) و در نتیجه اظهار خلاقیت های فرمی و بهره بردن از آنها در راستای قالب بندی بهتر مضمون یا فضای معنایی و حسیی که در ذهن دارد، کوتاه است.

تاخت های گاه و بی گاه شاعران شعر نوبه شاعران کلاسیک، که عمدتاً (در نتیجه بدفهمی آثار نیمایوشیخ و تبعات آن آثار) معطوف به عروض کلاسیک بوده است هم جابه جا به گسترش چنین دیدگاهی دامن زده است. ولی همین مسأله آنجا پیچیده تر می شود

را (تا ۱۰ مولفه) در هر بیت گزارش می کند. این مولفه ها عبارتند از: تکرار واج، توزیع آوایی، خوشه همخوانی، نمودار هجاها، نمودار واکه ها، همسانی هجاها، تطابق واژه های بیت با رکن های الگوی وزنی، تغییر کمیت واکه و جایگاه قافیه در شعر، اما آن نرم افزار دیگر، نرم افزار جامع سیستم بانکی روستایی است؛ یک نرم افزار یکپارچه بانکداری که همه عملیات مرتبط با یک سیستم بانکی را (اعم از عملیات شعبه (صف) و ادارات (ستاد)) دربرگیرد. از آنجاکه عظیمی خود در باکس میانی این صفحه خلاصه ای از ماهیت رویکردش در این کتاب و مهم ترین نتایج پژوهشی اش را گنجانده است، این مطلب به مهم ترین دلایل اهمیت پژوهش او از نظر نگارنده می پردازد. فصل نخست کتاب با عنوان عظیمی (مؤلف کتاب) را در خود جای داده است که مطالعه آن می تواند برای عموم علاقه مندان شعر حافظ و موسیقی شعر او جذاب باشد. کتاب از فصل دوم به بعد وارد مباحث فنی می شود. این فصل ها عبارتند از: مفاهیم آماری (شامل توضیحی درباره مفاهیم «جامعه و نمونه آماری»، «اندازه گیری و مقیاس سازی»، «معیارهای گرایش به مرکز و پراکندگی»، «حرکت از نمونه به جامعه»، «توزیع نرمال و قضیه حد مرکزی»، «فرض صفر و فرض مقابل»، «آزمون مربع خی»، «آزمون t با نمونه های جفت»، «آزمون واریانس یک طرفه»، همخوان و واکه، انواع هجا، خوشه های همخوانی، هماهنگی درون هجا، تطابق ارکان و واژه ها، تغییر کمیت واکه، قافیه و آشنایی با نرم افزار سیمیا.

مباحث کتاب بسیار فشرده تنظیم شده اند و این ویژگی، استفاده از آن را برای عموم خوانندگان بسیار دشوار می کند. ولی همین فشرده گی از سوی دیگر به جمع شدن بحث و نتیجه گیری سریع از آن نیز کمک شایانی کرده است. در صورتی که این بحث ها باز

«موسیقی شعر حافظ» اثر محمدجواد عظیمی از ارزنده ترین پژوهش هایی است که تاکنون در حوزه تحقیقات موسیقی شعر در کشور انجام گرفته است. ویژگی مهم این کتاب آن است که تحلیل هایی آماری را و وجه همت خود قرار داده است و در نتیجه اتخاذ این رویکرد خاص، پژوهشگر ناچار بوده برخی مفاهیم ادبی را که عموماً برای مخاطب عام و حتی عموم مخاطبان متخصص، صیغه ای ذوقی دارند، به مفاهیم و کدهای آماری تحویل و تبدیل کند. می توان گفت دقت در این تبدیل و تحویل مفاهیم ذوقی به کدهای آماری و واکوی روند انجام گرفتن این تبدیل ها، از آموزنده ترین بحث های این کتاب است.

پژوهشگر همچنین به منظور تحلیل بهتر این داده ها، دست به کار طراحی نرم افزار «سیمیا» شده است. ولی اینجا شباهتی صوری بین نام این نرم افزار خاص و نرم افزار کاملاً متفاوت دیگری به همین نام وجود دارد که شاید برخی خوانندگان را گمراه کند. نرم افزار سیمیا مد نظر ما، طراحی شده توسط خود پژوهشگر (محمدجواد عظیمی) است. این نرم افزار بنا به توضیحاتی که عظیمی پیش از این در مصاحبه با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) ارائه کرده بود، نخستین نرم افزار تخصصی موسیقی شعر فارسی با قابلیت بررسی و گزارش آمار مولفه های متنوع در هر بیت است. عظیمی گفته بود با توجه به این که شاخصه های ریاضی، مبنای عروض فارسی به حساب می آید و از سوی دیگر به موسیقی شعر به جز در برخی کارهای پرویز ناتل خانلری و شفیع کدکنی کمتر توجه شده و اغلب حرف ها و نظریه های اشتباهی ارائه شده است که گاه این نظریه های بدون تحقیق و بررسی های علمی انجام شده، گمراه کننده بوده اند، تصمیم به طراحی نرم افزاری با عنوان «سیمیا» (نرم افزار تخصصی موسیقی شعر فارسی) گرفته است. سیمیا، مقوله های زبان شناسی و عروضی

که عموماً خود کلاسیک سرایان، از دفاع کردن از عروض کلاسیک ناتوان بوده اند و تصویری کرده اند که به راستی قالب های عروضی قالب هایی بی روحند که مثلاً آنها باید سیمان و شن مضمون را در آن قالب ها بریزند و بتون قصیده و غزل بیرون دهند؛ چنان چه حتی امروز هم در گوشه و کنار می بینیم که مثلاً قصیده سرایی می گوید: «قصیده ای ساخته ام در بحر هزج، الخ.

محمدرضا شفیع کدکنی و پژوهش حیاتی او برای شعر فارسی، با عنوان «موسیقی شعر»، بسیاری از این باورها را نقش بر آب کرد. او نشان داد که قالب های عروضی با وجود صلبی و سختی ظاهر بیرونی شان، می توانند بطن و متنی به غایت سیال داشته باشند و دست شاعر تواناد استفاده هوشمندانه از آنها در راستای فرم دهی به فضاهای مختلف معنایی و حسیی، تا حد بسیار زیادی باز است. او برای اثبات این نظر، جدا از بحث های تئوریک، نمونه های معتناهایی از شعر شاعران کلاسیک را ذکر کرد و به تحلیل آنها نشست. کار محمدجواد عظیمی، ادامه ای بر همین تحلیل های شفیع کدکنی است. او که دانش آموخته مهندسی است، نرم افزاری طراحی می کند و با بهره گیری از آن و علم آمار، به محاسباتی دست می زند که نتایج آموزنده ای دارند.

«موسیقی شعر حافظ» اثر محمدجواد عظیمی از سوی مرکز نشر دانشگاهی در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با قیمت ۳۰۰۰ تومان به چاپ رسیده است.

زبان شناسی در نقد ادبی اهمیت می یابد اما آیا می توان از ابزارهای زبان شناسی در ادبیات استفاده کرد؟

یا کوبین معتقد است: «شعر شناسی به مسائل ساختار کلام می پردازد، درست همان طور که در تحلیل نقاشی به ساخت تصویری پرداخته می شود. از آنجا که زبان شناسی، علم جهانی ساختار کلام است، شعر شناسی را باید جزء مکمل زبان شناسی دانست.» بنابراین می توان از ابزارهای زبان شناسی در نقد ادبی استفاده کرد به شرط این که این ابزارها از کارآمدی قابل قبولی برخوردار باشند.

در این پژوهش (کتاب موسیقی شعر حافظ) که تلفیقی است از ادبیات، زبان شناسی، موسیقی، آمار و رایانه، ابتدا نرم افزار «سیمیا» را طراحی و پیاده سازی کردم؛ «سیمیا» یک نرم افزار تخصصی شعر فارسی است که موسیقی شعر را براساس مولفه های تکرار واج، خوشه های همخوانی، انواع هجا، همسانی هجاها در بیت، تطابق واژه های بیت با رکن های الگوی وزنی، تغییر کمیت واکه در شعر و همچنین مقایسه قافیه، مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

این اثر را مدیون استاد علامه دکتر محمدرضا شفیع کدکنی، استاد هوشنگ ابتهاج (ه.الف.سایه)، استاد ابوالحسن نجفی، دکتر مسعود جعفری و همه استادان معظمی که با ارائه رهنمودهای ارزشمند خویش قرار این تحقیق را تقریر فرمودند می دانم.

سخن پایانی این که روزهایی که در دانشگاه، درس مهندسی را می خواندم از سردی و بی روحی مدارهای الکتریکی و الکترونیکی به حافظ و مولانا پناه می بردم و این روزها پس از گذشت چند سال از آن دوران، چقدر دلننگ همان انتگرال و هذلولوی و سری فوریه و تبدیل لاپلاس و مدارهای بی روحم؛ «گر مساعد شوم دایره چرخ کبود/هم به دست آورمش باز به پرگار دگر»

*مؤلف «موسیقی شعر حافظ»

طبقه بندی کرد و از آن در تجزیه و تحلیل موسیقایی بیت بهره گرفت. از سویی رایانه در ارائه نتایج سلیقه را دخالت نمی دهد و از این نظر

در دآوری هایی که مبتنی بر روش های علمی اند بسیار سودمند خواهد بود. ما نمی توانیم علاقه خود را به فردوسی، سعدی، مولانا و حافظ کتمان کنیم؛ بدون تردید وقتی آثار این بزرگان را با سایر شاعران بررسی می کنیم این علاقه، ناخودآگاه تأثیر خود را در شیوه تفکر و نحوه استنتاج ما خواهد گذاشت. در واقع هنگام مقایسه آثار این بزرگان با سایر شاعران، یک گزاره همیشه درست در ذهن ما نقش بسته است که «این آثار برتر از سایر آثار ادبی است»؛ البته تردیدی در برتری این آثار نیست؛ زیرا در طول اعصار مختلف مردمان آنها را برگزیده اند و این بهترین دلیل برتری هنری این آثار است؛ اما بحث بر سر این است که آیا همیشه این برتری هنری را می توان به شیوه عملی اثبات کرد؟ اگر چه زیبایی کیفیت ساده و تعریف ناپذیر است؛ اما درک زیباشناسانه، یک موضوع مرکب است و هم عوامل عاطفی در آن دخالت دارند و هم عوامل عقلی؛ بنابراین با رویکرد به هر یک از این عوامل، مبنای دآوری ما از زیبایی متفاوت خواهد بود. «دآوری منطقی» که به ما شناخت می دهد، عوامل عقلی را ملاک قرار می دهد و دآوری ذوقی که واکنش هر شخص را در برابر زیبایی مشخص می کند، از عوامل عاطفی بهره می گیرد. بدیهی است که در روش های علمی، ما «دآوری منطقی» را دنبال می کنیم. کانت معتقد است: «برای یقین و درستی دآوری ذوقی، دلیل و برهان به کار نمی آید و بین احتجاجی که در نهایت به دآوری ذوقی می انجامد و احتیاج منطقی که فرایند از مقدمه ها به نتیجه را با شیوه استدلال قیاسی طی می کند، یک تضاد استلزامی وجود دارد.»

در روش های علمی، تنها بخشی از هنر شعر را می توان بررسی کرد که دارای مولفه های تعریف شده معینی باشد؛ اینجاست که ابزارهای

رابطه رایانه با حافظ



محمدجواد عظیمی* عروض شعر فارسی مبنایی کاملاً ریاضی دارد و این نقطه عزیمت تحقیقات مبنی بر رایانه در زمینه شعر فارسی است. از سویی امروزه روش های بررسی آماری، با کاربرد رایانه برجستگی خاصی پیدا کرده و دیگر کمتر نقد ادبی را مشاهده می کنید که از روش آماری بهره نبرده باشد به ویژه در سبک شناسی وجود هر مشخصه سبکی تنها با روش آماری تأیید می شود.

در دهه های اخیر، که بحث درباره مدل رایانه ای ذهن و هوش مصنوعی، از موضوعات بسیار مهم در فلسفه ذهن به شمار می رود و نظریه همسانی ذهن و رایانه طرح شده است، نمی توان قابلیت های رایانه را نادیده گرفت و از آن صرف نظر کرد. استفاده از رایانه البته مزایای غیرقابل انکاری دارد.

رایانه در پردازش اطلاعات نه خسته می شود و نه اشتباه می کند؛ حتی اگر حجم اطلاعات بسیار زیاد و محاسبات پیچیده و وقتگیر باشد؛ اما به راستی در مطالعات ادبی چگونه می توان از آن بهره گرفت؟ به این بیت حافظ توجه کنید: «خیال نقش تو در کارگاه دیده کشیدم/ به صورت تو نگاری نه دیدم و نه شنیدم»

در این بیت، ۱۱۹ تکرار و تناسب در سطح هجا وجود دارد و در واقع بخشی از زیبایی بیت و احساس لذتی که از آن ایجاد می شود، مربوط به همین هماهنگی هاست. بدیهی است که شمارش و طبقه بندی این تعداد تکرار و تناسب در هر بیت از حوصله انسان خارج است؛ اما به وسیله رایانه می توان به سادگی این تکرار و تناسب را مشخص و



مطالعه قرآنی برای سرودن شعر

■ مجید سعدآبادی فراهانی، برگزیده حوزه شعر بزرگسال در بخش شعر سپید

«دالان حاج مختار، پلاک ۹» اولین کتاب من بود که انتشارات هنر رسانه اردیبهشت آن را چاپ کرد و در سومین دوره جایزه گام اول در بخش شعر سپید به عنوان اثر برگزیده معرفی شد. این کتاب مجموعه شعرهایم از سال ۸۰ تا ۸۶ است که پیش از این در جشنواره شعر فجر در بخش جوان برگزیده شد. جایزه کتاب سال شعر زاگرس را گرفت و اکنون هم جزو هفت کتاب از نامزدهای نهایی کتاب سال دفتر شعر جوان، جایزه قیصر امین پور است.

علاوه بر این کتاب دو کتاب دیگر از من با عنوان های «قرن آلابی خال قرمزی» و «سربازی با گلوله برفی» به چاپ رسیده است اما از آنجا که کتاب «دالان حاج مختار، پلاک ۹» کتاب اولم بود شرایط شرکت در جایزه ادبی گام اول را داشت که برگزیده هم شد. اما کتاب «قرن آلابی خال قرمزی» که سال ۸۸ از سوی دفتر شعر جوان چاپ شد فضای متفاوت تری نسبت به کتاب اولم دارد. در این کتاب ایرادها و نقدهایی که به کتاب اولم وارد بود را تا حدودی برطرف کردم.

کتاب «سربازی با گلوله برفی» هم حال و هوای دفاع مقدسی دارد که این کتاب را هم انتشارات «فصل پنجم» با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ کرده است. در حال حاضر هم مجموعه شعری در دست دارم که هنوز اسمی برایش انتخاب نکرده ام. شاید اسمش را «جن مانیا» بگذارم، اما این نام قطعی نیست. برای این مجموعه حدود یک سال و نیم مطالعه کرده ام و منبع مطالعاتم بیشتر قرآن بوده، به هر حال برای چاپ کتاب چهارم اصلا عجله نمی کنم، به همین دلیل زمان دقیق به چاپ سپردن آن مشخص نیست.

در توفان واژه ها

■ سیدحمید رضا برقعی، روحانی برگزیده حوزه شعر بزرگسال در غزل

«توفان واژه ها» عنوان نخستین مجموعه شعر من است که در این دوره از جایزه گام اول اثر برگزیده در بخش شعر کلاسیک شناخته شد. این کتاب پیش از این در جایزه کتاب فصل هم به عنوان اثر برگزیده معرفی شد و پس از یک سال و اندی که از چاپ آن می گذرد با استقبال خوبی از سوی خوانندگان روبه رو شده، تا آنجا که در این مدت کوتاه به چاپ نهم رسیده است.

«توفان واژه ها» ابتدا از نظر حجم سه برابر آنچه بود که اکنون چاپ شده است، اما پیش از چاپ با مشورت چهار - پنج نفر از استادان ادبیات بسیاری از اشعار را حذف و گلچینی از آنها را برای چاپ انتخاب کردیم. این مجموعه شعر همچنین جزو آثار برگزیده استانی شعر فجر بود. این کتاب ابتدا توسط انتشارات ابتکار دانش و بعد از آن از سوی نشر آرام دل و پس از آن هم توسط انتشارات فصل پنجم به چاپ رسید.

در حال حاضر هم با همکاری انتشارات امیر کبیر مشغول جمع آوری مجموعه ای از اشعار آیینی هستم که فکری می کنم تا برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب، سال آینده روی پیشخان کتابفروشی ها قرار بگیرد. مجموعه ای از شعرهای خودم را هم آماده چاپ دارم، اما فعلا قصد چاپشان را ندارم.

پسرکی که وارد دنیای خیالی شد

■ سید امین حسینیون، تقدیری حوزه داستان نوجوان

عنوان کتاب اول من که در جایزه گام اول شایسته تقدیر شناخته شد «سیاسیا در شهر مارمولک ها» است. این کتاب که برای گروه سنی ۱۰ تا ۱۵ سال تالیف شده توسط نشر چیستا به چاپ رسیده. این کتاب یک اثر فانتزی کلاسیک است که داستان بچه ای را نقل می کند که با پدرش زندگی می کند و در جریان برخی اتفاقات، با پدرش قهر و او را ترک می کند و وارد سرزمین فانتزی و دنیای غیر آدمیزادی می شود تا ... پایان داستان. این روزها یک رمان که کار مشترکی است از من و برادرم مجوز انتشار گرفته و قرار است نشر ثالث آن را به چاپ برساند. مخاطب این کتاب گروه سنی ۱۸ تا ۲۸ سال است و احتمالا تا نمایشگاه بین المللی کتاب سال آینده آماده می شود.

درباره بچه ها برای بزرگ ها

■ سهیلا شمس اللبی، تقدیری حوزه داستان کودک و نوجوان، بخش کودک

«روزی که جواب آزمایش مثبت بود» اولین تجربه ام در کار نویسندگی بود که واحد کودک و نوجوان، انتشارات نسل نواندیش انتشار آن را بر عهده داشت. «روزی که جواب آزمایش مثبت بود» داستانی است درباره تعامل یک خانواده با مادر برای بار دوم بارداری می شود و همین مسئله باعث می شود حسادت کودک اول تحریک شود و در ادامه مادر بزرگ به او می گوید که حسادتش بی مورد است.

این کتاب در واقع کتابی درباره بچه هاست که برای بزرگ ترها نوشته شده، برای این که بچه ها را آماده کنند تا با مسائل و زندگی، برخوردی درست داشته باشند. در حال حاضر کتاب «یک بشقاب ابر برشته» را در دست تصویرسازی دارم که این کتاب هم درباره یک کودک است که آرزو دارد ابر بخورد! این کتاب را هم قرار است نسل نواندیش چاپ کند. دو کتاب چاپ شده دیگر هم دارم یکی با عنوان «لطفا جوجوی خوبی باش» که کاراکتر اصلی این قصه یک جوجه است که به نوعی دچار افراط و تفریط می شود و در نهایت قصه می خواهد به بچه ها این را گوشزد کند که افراط و تفریط هر دو اشتباه است. برای مثال زیاد خوردن یا کم خوردن هر دو می تواند برای بچه ها مضر باشد. کتاب دیگری هم دارم با عنوان «به اندازه همه بچه های دنیا» که مخاطب بیشتر این کتاب ها گروه سنی الف و ب یعنی پیش دبستانی و دبستانی هستند. این توضیح را هم بدهم که کتابی که در جایزه گام اول به عنوان اثر تقدیری شناخته شد سال ۸۷ چاپ شده و دو اثر آخرم سال ۸۸ چاپ شده اند.

مهمانی که از صحرا آمد

■ سعیده محمد زکی گوردزی، تقدیری حوزه داستان کودک و نوجوان، بخش نوجوان

عنوان کتاب اول من که در جایزه گام اول به عنوان اثر تقدیری شناخته شد «مهمانی از صحرا» نام دارد. این کتاب را انتشارات علمی فرهنگی چاپ کرده و مخاطب آن گروه سنی «ج» است یعنی سال های آخر ابتدایی و نوجوانان دوره راهنمایی. «مهمانی از صحرا» داستانی با درونمایه مذهبی است، یعنی یک برش کوتاه از زندگی پیامبر (ص) و اتفاقی است که یک روز در صحرا با یک پیرمرد برای ایشان می افتد. این کتاب به گونه ای نوشته شده که خواننده به طور مستقیم پی نمی برد که این داستان، یک داستان مذهبی است، چون اسمی از پیامبر (ص) برده نشده است، اما ماهیت و محتوای آن در واقع داستانی مذهبی است. این روزها هم چند کتاب دیگر دارم که همگی موضوعی مذهبی دارند و مراحل اخذ مجوز را طی می کنند.

«شاپرک سفید» عنوان کتاب دیگرم است که مراحل چاپ را می گذراند و کار چاپ این کتاب را هم انتشارات علمی فرهنگی برعهده دارد. کتاب های «دست هوس» و «آن یگانه عجیب» هم از دیگر کارهای من است که مخاطب این کتاب ها هم نوجوانان هستند. داستانی هم دارم به نام «سینا» که در کتابی که در واقع یک مجموعه داستان با عنوان «این شمع در آفتاب» است به چاپ رسیده. این کتاب را حوزه هنری گیلان چاپ کرده و برای مخاطب زیر ۲۹ سال نوشته شده است.

داستان هایی بر پایه شعر کلاسیک

■ سروناز پریشان زاده، تقدیری حوزه داستان کودک و نوجوان، بخش کودک

«کلاغ خنزرینزری» که به عنوان اثر تقدیری بخش کودک جایزه گام اول شناخته شد، علاوه بر قصه کتاب، کار تصویرگری و طراحی حروف متن کتاب را هم خودم انجام داده بودم. «کلاغ خنزرینزری» نوعی رویکرد جدید به مضامین عمیق فرهنگی ایران زمین دارد، برای مثال مفاهیمی مثل مضمون این شعر که: «بیرون ز تو نیست آنچه در عالم هست/ از خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی» یا این شعر حافظ: «سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد/ آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد». داستان این کتاب در واقع بر پایه این اشعار قدیمی و کلاسیک و عمیق است که ما سرمایه عظیمی در این زمینه ها داریم، اما متأسفانه از آنها غافل شده ایم این روزها هم دو کتاب آماده چاپ دارم که یکی در حوزه شعر کودک است با عنوان «ناز خاتون بی بی خاتون» که قرار است نشر توکا آن را چاپ کند و داستان این کتاب درباره رابطه یک دختر با مادرش و آنچه بین آنها می گذرد شکل گرفته است.

کتاب دیگری هم دارم با عنوان «داستان کودکان خاکستری شماره ۳۲» که درباره مفهوم تغییر است و عنوان آخرین کتابم هم که باز در حوزه داستان برای کودکان است «راز آفرینش» نام دارد که داستانی با مضمون معنوی است. این دو کتاب آخر را هم به احتمال زیاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چاپ خواهد کرد.

پیچیدگی های سنت و تجدد

■ کیومرث مسعودی، برگزیده حوزه ادبیات داستانی بزرگسال

کتاب من که در جایزه گام اول برگزیده شد «مرگ همین گوشه کنار هاست» نام دارد. این کتاب که نشر افزازان را چاپ کرده ابتدا مجموعه ای شامل ۶ داستان بود که ناشر از سه داستان آن خوشش نیامد و آنها را حذف کرد و کتاب با همان سه داستان دیگر چاپ شد. مضمون کلی این داستان مسأله پیچیدگی های سنت و مدرنیته در زندگی شهری است. داستان اول به لحاظ زمانی به حدود ۴۰ سال پیش برمی گردد. داستان دوم درباره مهاجرت یک خانواده در همین محدوده زمانی به شهر بزرگ تهران و مسائل و مشکلاتی که برایشان در برخورد با یک کلانشهر رخ می دهد است. قالب داستان سوم به نوعی ابزرد و رویا - کابوس است و پیش بینی شرایط آینده زندگی در جامعه ای است که دچار بحران و مشکلات عدیده و اساسی است.

اکنون هم سه کتاب دارم که یکی مجموعه داستانی (شامل ۸ داستان) درباره جنگ و مسائل و پیامدها و آثار و عوارض آن است. دو کتاب دیگر هم دارم که یکی از آنها درباره حاشیه نشینان تهران و شهرهای بزرگ و مسائل و مشکلاتشان از جمله هویت باختگی، بی پناهی، زمینه های خلا فکاری و مسائلی از این دست است. کتاب دیگرم هم مجموعه ای است مربوط به طبقه متوسطی که از نظر اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی در حال فروپاشی است. این سه کتاب تقریباً آماده چاپ اند و مراحل نهایی را برای سپردن به ناشر و کسب مجوز در پیش دارند.

یادداشت

حسین اسرافیلی
سرداور گروه شعر بزرگسال گام اول



با احتیاط گام برداریم



حرکت هایی نظیر برگزاری جایزه گام اول فی نفسه حرکتی مثبت و ارزشمند است چرا که تقدیر از نویسندگانی که تازه وارد عرصه

نویسندگی شده اند علاوه بر این که باعث می شود یک اثر ارزشمند و برتر به جامعه معرفی شود به نوعی به نفع ناشری که آن کتاب را چاپ می کند نیز هست.

آثاری که امسال به این جشنواره رسیده بود صرف نظر از این که در مقایسه با سال قبل چه سطحی داشتند در مجموع آثار خوبی بودند و شاعران نشان دادند که تلاش می کنند تا به یک زبان و بیان مشخص و نوعی گفتن سالم برسند هر چند در میان این آثار، مواردی هم دیده می شد که دچار نوعی شلختگی زبان و بیان و به عبارتی، کوچه بازاری بودند.

برای مثال در میان کارهای یکی از شاعران که مجموعه شعری را برای جشنواره فرستاده بود حدود ۱۰ - ۱۲ شعر آیینی بود که اتفاقاً از زبان خوبی هم برخوردار بود و توانست تا مرحله نیمه نهایی نیز بالا بیاید، اما در کنار آن یک باره به یک سری غزل هایی از این شاعر برخوردیم که با عریان گویی، وجهی نامقبول به اشعارش داده بود.

برخی کارها هم از یکدستی لازم برخوردار نبودند و متأسفانه زبان بعضی شاعران، زبان بسیار عامیانه، کوچه بازاری و بدون توجه به آن صلابت ها، فخامت ها و ارجمندی های زبان فارسی بود، یعنی گفتمانی بسیار عادی تا حدی که گاه این گفتمان حتی خلاف قواعد دستوری و نحوی شکل گرفته بود.

به نظر می رسد همه اینها نشان از آن دارد که برخی شاعران ما هنوز چنان که باید ظرفیت های زبان را نشناخته اند و برای رسیدن به چنین مرحله ای راه درازی در پیش دارند. جادارد کسانی که می خواهند وارد این عرصه شوند با احتیاط بیشتری به این عرصه پایبند باشند و چنین امری بیش و پیش از همه با مطالعه بیشتر و پرداخت های بهتر میسر خواهد شد تا این شاعران ان شاء الله بتوانند از آن ارزشمندی و ارجمندی برخوردار شوند و مثل بعضی شاعران نباشند که مجموعه شان را چاپ می کنند و بعد از دو - سه سال در خیابان هاراه می افتند تا کتابشان را جمع آوری و معدوم کنند به این دلیل که خودشان از کارشان راضی نیستند!

اما از همه اینها که بگذریم مسأله ضرورت اطلاع رسانی درست از سوی مسؤولان برگزارکننده حرکت هایی از این دست، همچنان به قوت خود باقی است؛ اطلاع رسانی هم برای ناشران و هم برای کسانی که می خواهند چنین عرصه ای را تجربه کنند. توجیه درست شاعران از طریق این اطلاع رسانی باعث می شود تا آنها گام های محکم تری در این زمینه برای شروع کارشان بردارند و اطلاع رسانی درست برای ناشران، آنان را به حساسیت و اهمیت کارشان از طراحی و صفحه بندی کتاب گرفته تا ویرایش کتاب و ... واقف می سازد.